

مطالعه اسلامی در باب

هنر و موسیقی

(جواز و عدم جواز)

فضل غنی مجددی

مشخصات کتاب

اسم کتاب:	مطالعه اسلامی در باب هنر و موسیقی (جواز و عدم جواز)
مؤلف:	فضل غنی مجددی
ناشر:	فقه اسلامی
محل چاپ:	کالیفورنیا، ایالات متحده امریکا
سال چاپ:	۲۰۲۲ میلادی
حق طبع:	فقه اسلامی

آدرس فقه اسلامی

201 Washington Blvd., #104

Fremont, California 94539

Tel (510) 673-5264

E-mail: Fazl Mogaddedi fazlghanimogaddedi@yahoo.com

اهداء

تحقيق را با کمال احترام و تقدير، به دانشمندان و محققين معاصر
افغانستان عزيز تقديم ميدارم. موفقيت شما، موفقيت و ترقي وطن عزيز ما
افغانستان است.

فهرست مطالب

4	مقدمه
8	تمهید
15	اقتباس از هنر دیگران.....
18	هنر موسیقی و غناء در ادبیات و فرهنگ اسلام.....
28	تأثیرات مثبت موسیقی
30	نتایج منفی موسیقی.....
30	موسیقی در فرهنگ و ادبیات عربی و اسلامی.....
34	رسالت ادبیات.....
38	غناء و موسیقی در نظام اسلامی.....
46	غناء و موسیقی در صدر اسلام.....
47	عصر دولت اموی.....
48	عصر عباسی.....
54	غناء در عهد رسول اکرم صلی الله علیه و سلم.....
55	رأی و نظر کبار صحابه در مورد غناء و موسیقی.....
64	عصر تابعین و بعد از ایشان.....
67	استعداد های هنری.....
67	تخصصات.....

نشأت هنر موسیقی و غناء در جامعه اسلامی.....	71
مشهورترین آهنگ سازان و سرآینده گان مکه و مدینه.....	74
هنرمندان موسیقی و سرآینده گان صدر اسلام از طبقه ذکور.....	74
هنرمندان موسیقی و سرآینده گان صدر اسلام از طبقه نسوان.....	79
آلات موسیقی.....	88
مسأله فقهی موسیقی و غناء.....	91
جواز یا غیر جواز.....	91
توقفی در باب فقه.....	91
اختلاف فقهی.....	97
مفاهیم فقهی.....	99
رأی فقهاء.....	99
فقیه:.....	99
نصوص.....	99
جواز:.....	100
حجت:.....	101
دلالت:.....	101
سماع و استماع.....	101
جواز و عدم جواز موسیقی و غناء.....	111
اول: مدرسه ای مخالف موسیقی و غناء.....	112
اول: دلایل از تفسیر قرآن کریم.....	115
دوم: دلایل از احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم.....	123
استماع (شنیدن) غناء و موسیقی.....	135

- دوم: دلایل گروهی که غناء و موسیقی را جواز می دانند.....136
- دلیل جواز استعمال آلات موسیقی.....144
- دیدگاه مذاهب اهل سنت و تشیع در مورد جواز غناء و موسیقی.....146
- اول: مذهب حنفی.....147
- دوم: مذهب مالکی.....149
- سوم: مذهب شافعی.....150
- رأی علمای معاصر در جواز موسیقی و غناء.....155
- نظر فقهاء در مورد آلات موسیقی:.....163
- دیدگاه فقه شیعه در مورد موسیقی و غناء.....164
- غناء و موسیقی افغانی بین جواز و عدم جواز.....180

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله ، و الصلاة والسلام على رسول الله ، و على آله و صحبه و من اتبع هداه . اما بعد..

هنرهای زیبا ، خصوصاً موسیقی و آواز (غناء) ، یکی از موضوعات قابل بحث و جنجال بر انگیز در ساحة مطالعات اسلامی از قرن های اول اسلامی تا امروز ادامه دارد . و تا حال این موضوع از ناحیه حلال و حرام ، جواز و عدم جواز ، آواز با موسیقی و بدون موسیقی ، عورت صدای زن حل و فصل نشده و تحقیقات در این ساحة ادامه خواهد داشت . من اولین محقق نیستم که در این موضوع تحقیق میکنم و آخر نیز نخواهم بود .

درامه ، سینما ، تیاتر ، مجسمه سازی ، رسامی ، غناء و موسیقی که در مجموع هنر های زیبا را می سازند ، از دائره مناقشه آکادمی و بین دانشمندان اسلامی خارج و داخل ساحة عامه شده است . متأسفانه مخالفت با موسیقی و غناء و تأیید آن بدون دلیل شرعی و برهان مشکلات را بیشتر ساخته و اطراف داخل بحث اتهامات را متوجه یکدیگر کرده ، اذهان مردم به تشویش افتاده و مردم عادی راه حل را از دانشمندان می خواهند .

در داخل خانواده هنر و موسیقی نیز اختلافات شدید بین هنر موسیقی معاصر و قدیم در جریان است ، استادان موسیقی کلاسیک افغانستان از اماتور و موسیقی جاز استقبال نکردند و موسیقی غربی در لباس شرقی را بشدت انتقاد نمودند . مهمترین مشکل دانشمندان طرفدار هنر هایی زیبا و

مخالف آن در عدم مطالعات دقیق از تاریخ فرهنگ و ثقافت عصر اول اسلامی یعنی عصر رسالت و خلافت راشده و عصر تابعین می باشد. اختلافات در مسأله جواز و عدم جواز موسیقی و غناء تا جای رسید که بحث اکادمی در اصل هنر و موسیقی بحیث صنعت و فرهنگ و ثقافت و علم مستقل فراموش شد.

مطالعات و تحقیقات که من در این ساحه انجام داده بودم و خلاصه آن در مقدمه کتاب «ساز و آواز در افغانستان» تألیف داکتر عنایت الله شهرانی، از طرف وزارت فرهنگ و ثقافت به طبع رسیده درج است. معلوماتیکه در آن زمان داشتم محدود بود و بعد از نشر کتاب داکتر شهرانی صاحب، کوشش نمودم تا تحقیقات بیشتر در این ساحه داشته و تقدیم هموطنان گرامی نمائیم.

در این تحقیق در جوار آراء و نظریات فقهی و مدارس بزرگ اسلامی از نظریات جدید فقهی و اکادمی نیز استفاده شده است و موضوعات تاریخی خصوصاً موضوعاتی که به تاریخ فرهنگ و ثقافت اسلامی ارتباط دارد بیشتر مورد توجه قرار دارد.

امید است این تحقیق کوچک و متواضع به مشکل فقهی و تاریخی این معضله بزرگ که وقت زیاد دانشمندان را بخود معطوف ساخته تا اندازه کمک و فصل جدید در مطالعات فرهنگ و ثقافت اسلامی باز شود.

تحقیق شامل تمهید و بررسی تاریخ فرهنگ و هنر موسیقی صدر اول اسلام و قرنهای اول اسلامی می باشد. فصل اول، بیشتر تاریخ هنر موسیقی و غناء خصوصاً در مکه مکرمه و مدینه منوره را بحث میکند، و از نقش صحابه و تابعین در ارتقاء هنر پرده بر می دارد. فصول بعدی در مسائل فقهی مسأله

موسیقی و غناء است. در این قسمت آراء فقهی مخالف و موافق هنر موسیقی و غناء بررسی می شود. در آخر این قسمت آراء اجتهادی فقهاء و علمای معاصر را در مورد موسیقی و غناء به مناقشه گرفته، رأی اکثریت موافق در مسأله موسیقی با در نظر داشت شرایط معاصر بیشتر مورد بحث قرار می گیرد. در قسمت اخیر، موسیقی و غناء معاصر افغانستان به نقد گرفته می شود، نواقص و مخالفت های هنر معاصر را با اصول اسلامی بیان و همچنان هنرمندان جوان را متوجه اصول اولیه اسلام در مسأله هنر و موسیقی می سازد.

تحقیق در ساحة هنر موسیقی و غناء، در جامعه سنتی افغانستان که اکثراً نظر مخالف در مورد آن است، کار ساده نیست و محقق باید انتظار نقد شدید را داشته باشد، اما باید این کار شروع شود.

سعی بعمل آمده تا تحقیق به دو سؤال عمده جوابگو باشد:

1. اگر موسیقی و غناء حرام است، از کدام راه و روش می توانیم 1.7 بلیون مسلمان را از شنیدن حرام مانع شد؟
2. اگر موسیقی و غناء حرمت ندارد، پس چرا 1.7 بلیون انسان را از شنیدن و لذت بردن آن مانع شد؟

امید است این تحقیق متواضع، مفید و راه را برای مطالعات بیشتر آسانتر سازد تا محققین جوان کشور متوجه تحقیقات جدید در ساحت فرهنگ و ثقافت اسلامی شده با اصطلاحات فقهی قدیم و جدید آشنایی بیشتری یابند و در تحقیقات خود از آن استفاده کنند. اصطلاحات فقهی و حقوقی در پاورقی ها توضیح داده شده است. مراجع که در این تحقیق از آن ها استفاده شده، عموماً PDF، آن در سایت های الکترونی بدون مقابل موجود است و محققین اگر بخواهند میتوانند بدون پرداخت مالی استفاده نمایند.

عنوان تحقیق را استاد گرامی القدر داکتر صاحب عبدالستار سیرت که همیشه مرا در تحقیقات تشویق می نمایند و در اصلاح تحقیقاتم زحمت می کشند انتخاب نمودند. من حلال و حرام را انتخاب کرده بودم.

فرصت را غنیمت شمرده از تمام برادران و خواهران که بنده را در مدت بیشتر از سی سال حمایت و کمک نموده اند تشکر نمائیم، امید است کمک های معنوی و علمی و مادی شان ادامه داشته باشد. یقین دارم که شما در مصارف این رساله نیز کمک می نمایید.

تمهید

مسأله هنر، موسیقی، آلات موسیقی و غناء (آواز خوانی) و صدای زن از چند قرن باین طرف در فرهنگ و ثقافت اسلامی مورد بحث و مناقشه است و تا عصر حاضر بحث روی آن جریان دارد، اما قضیه تا عصر حاضر حل و فصل نشده است. عده با تمام انواع هنر خصوصاً هنر موسیقی و آواز خوانی و اگر آواز خوان زن باشد، مخالفت دارند و موسیقی و غناء را از اعمال شیطانی می دانند، و عده هم با هنر و موسیقی و غناء با شرایط موافق اند و گروه سوم هیچ مانع و شرایط را در منع موسیقی و آواز خوانی و رقص نمی پذیرند و موسیقی و آواز را از ملذات دنیا می دانند.

موضوع موسیقی، تصویر، درامه، مجسمه سازی، شعر و ادبیات از جمله مسائل و موضوعات بسیار مهم و حساس و جنجال برانگیز در تاریخ معاصر کشورهای اسلامی است و برای رسیدن به حل آن باید محققین و نویسندگان تحقیقات بیشتر نموده، نظر و رأی اسلام و مدارس فقهی را بصراحت بیان و رأی و نظر قوی را بر نظر و رأی ضعیف بیان و ترجیح دهند.

مدنیت معاصر نتیجه و ثمره ای سعی و کوشش انسان در مدار تاریخ است، انسان بعد از قرنهای سعی و زحمت، مدنیت معاصر را بوجود آورد و با وسایل جدید اسرار کائنات را کشف نمود. رادیو، تلویزیون، انترنت و وسایل الکترونی نتیجه زحمات انسان است. صحیح است که مسلمانان مدنیت را اساس و تهداب علم را گذاشتند، اما غیر مسلمانان در ارتقاء علم و مدنیت سعی بیشتر کردند و مسلمانان را کد و جامد ماندند و تنها افتخار به گذشته

کرده برای آینده توجه و دقت نکردند. وسایل جدید در نتیجه پیشرفت علم، ترقی نمود و مسلمانان مجبور شدند از وسائل جدید استفاده کنند در حالیکه آماده ای استفاده نبودند. مدنیت جدید و وسایل جدید در ذات خود عیب ندارد، عیب در طریق استفاده از آن است. در بین مسلمانان گروه هایی ظهور کردند و مدنیت معاصر را کفر و وسایل جدید را تخریب کردند و انواع موسیقی و غناء و هنرهای زیبا را بالای مسلمانان تحریم نمودند، در حالیکه تحریم اشیاء بدون نص قاطع مخالف منهج و روش نبی اسلام علیه الصلاة والسلام است، نبی الله صلی الله علیه و سلم مسلمانان را متوجه غلو در حرام کردن اشیاء ساخت و اصل اشیاء را مباح دانست و حرمت بدون نص قاطع را تحریم کرد.

متأسفانه افغانها در اکثر مسائل و خصوصاً در مورد موسیقی و آواز و رقص از افراط و تفریط کار گرفتند و اعتدال مورد نظرشان نبود و همچنان از منابع اصیل اسلامی و تاریخ موسیقی و آواز خوانی صدر اول اسلام استفاده نکردند و بدون دلیل شرعی حکم یا به حرمت دادند، و یا بدون حدود شرعی حکم به مباح بودن.

هنر بطور عموم و موسیقی و آواز خوانی و استفاده از آلات موسیقی بصورت خاص ارتباط به عقل و فکر ندارد، لذا نباید برای بحث و بررسی آن عقلانی فکر کرد. هنر بصورت عموم و موسیقی و آواز خوانی - من کلمه ای غناء را استفاده می کنم -، ارتباط مستقیم به شعور و وجدان انسان دارد، چون شعور و احساس و وجدان نقش و رول اساسی را در هنر دارند لذا بشر بصورت عموم و افغانها بصورت خاص در مورد آن از شدت و اسراف کار می گیرند. عده تصور دارند که جامعه ای اسلامی، جامعه ای عبادت و نسک و کار و جهد و جهاد و دعوت است و در این نوع جامعه وقت و جاه برای لهو و

لعب، خنده و مزاح و حتی تبسم در لبان نیست. در جامعه ای که حتی تبسم در لبان و خوشی در قلب نباید باشد پس چطور ممکن است هنرها و از آن جمله موسیقی و غناء جواز داشته باشد و ترقی کند.

عده دین اسلام و علما و دعوتگران را متهم می سازند که لبخند در لبان، خوشی و سرور را در قلب ها و زینت را در جسم و احساس به جمال را به اشکال مختلف آن بالای مردم حرام می سازند. علامه دکتور یوسف القرضاوی در جواب این گروه از منتقدین می نویسد: بستن انواع اتهامات بالای مسلمانان و دین اسلام منطق و علم ندارد، اگر مقصد و هدف از هنر روح، احساس و شعور به جمال و تعبیر از آن باشد، اسلام بزرگترین و عظیم ترین دین است که شعور، محبت و احساس به جمال را در اعماق قلب انسان و مسلمانان زرع می کند و انسانرا متوجه جمال و زیبایی ها می سازد. در قرآن کریم آیات متعدد در مورد جمال و زیبایی و متوجه ساختن انسان به آن است و به همین ترتیب در سنت نبوی شریف صلی الله علیه و سلم و سنت اصحاب رسول الله و تابعین و امامان مذاهب، مسائل زیادی در توجه نمودن انسان به اعماق جمال و هنر است.

امام مالک و امام ابوحنیفه نمونه و مثال زنده از جمال و زینت در جامعه بودند. لباس امام ابوحنیفه را مؤرخین به قیمت پنج هزار دالرتخمین نموده اند و از امام مالک صد جوره کفش به رنگهای مختلف باقی ماند، عطرکه جمال و زیبایی را بیشتر می سازد در اسلام از جمله سنتهای مؤکده به حساب می آید.

اسلام شعور به جمال را زنده و هنر را تأیید میکند، لیکن به شروط معین، اصلاح کننده باشد نه فاسد کننده.¹

در طرف دیگر، عده باین نظروفکراند که دنیا همه اش لهو و لعب و خوشگذرانی است و برای خوشگذرانی سرحد قائل نمی شوند و اعمال فحشات و منکرات را جزء از حیات مردم و هنر میدانند، این گروه ضربه قوی بر نقش هنر موسیقی و آواز در جوامع اسلامی وارد می کنند. متأسفانه یک عده از مسلمانان بین هنر و علم موسیقی و آواز خوانی و بین موسیقی و آواز خوانی معاصر در کشورهای اسلامی تفاوت و اختلاف را درک نمی کنند و از روش معاصر موسیقی و آواز که اکثراً مبادئ و اخلاقیات اسلامی در تضاد است حمایت و پشتیبانی می کنند. موسیقی و آواز خوانی معاصر که در نهایت این تحقیق در مورد آن بحث خواهیم داشت از طرف دانشمندان علم موسیقی افغانی و جهان اسلام نیز قابل تأیید و حمایت نیست و دانشمندان موسیقی و هنر، نقش زنان را در موسیقی معاصر بصورت که جریان دارد خلاف اصل هنر موسیقی و اداب اسلامی می دانند.

بعض اشخاص - مسلمان و غیر مسلمان - که معلومات شان از اسلام ناقص است، مسلمانان و خصوصاً علماء اسلام را متهم می کنند که مردم را از سرور و خوشی در دنیا محروم می سازند و اجازه نمی دهند تا مسلمانان خوشحال و حتی لبخند در لبان داشته باشند و انواع جمال و زیبایی را تماشا و صدای قشنگ را استماع کنند و در نتیجه اسلام را متهم به مبارزه علیه هنر می سازند.

¹. دکتر یوسف القرضاوی، بینات الحل الإسلامي، مکتبه وهبه 2003، صفحات 145-

در طرف دیگر یک عده تصور و خیال دارند که جامعه ای اسلامی، تنها جامعه عبادت و نسک و کار و کوشش است، و در این نوع جامعه وقت و جای برای لهو و لعب، هنر، خنده و ساز و آواز نیست و نباید لب بخندد و قلب خوشی کند و تبسم در رخسار انسان دیده شود.

بعضی اشخاص بدون اینکه بدانند مبتلاء به امراض روانی و حسادت اند، مریضی روانی خود را تقوا و اعمال خود را عبادت نشان می دهند و علیه تمام انواع هنر اعلان جنگ داده هنر موسیقی را حرام می دانند. و در مقابل یک عده دیگر زیر نام هنر مردم را به انحلال اخلاقی و فحشات دعوت می نمایند.

در حقیقت جمال و زیبایی تقویت معنوی و روحی برای انسان است، زیبایی طبیعت با چشم دیده میشود، آواز خوب و قشنگ از راه گوش استماع می شود، موسیقی و آواز زیبا از جمله زیبایی های است که از طریق گوش احساس می گردد و سبب تقویت جسم و روح میشود. دین اسلام تمام واقعیت های زندگانی انسان را مد نظر دارد و میداند که انسان به هنر و موسیقی و آواز ضرورت دارد لذا دین اسلام از روز نزول وحی مانع هنر نشد، بلکه هنر را تقویت و اصلاح و اخلاقی ساخت.²

این نوع اتهامات نسبت به اسلام اساس ندارند و عاری از حقیقت است. اسلام دین عظیم است و روح و احساس هنر و جمال و شعور به جمال را در اعماق انسان خلق میکند. اگر به آیات قرآن کریم دقت بیشتر نمائیم و آیات را تحقیق و بررسی کنیم ملاحظه می شود که قرآن کریم معجزه رسول الله صلی الله علیه و سلم، معجزه جمال بجانب معجزه عقلی و ادبی است. اعجاز عقلی

². دکتر یوسف القرضاوی، الإسلام و هنر، صفحات 13-14.

و جمالی و ادبی قرآن کریم سبب شد تا عرب ها از آوردن مانند آن عاجز باشند و قرآن را سحر خطاب کنند.

اسلام دین واقعی است و به واقعیت های زندگی انسان فکر میکند و با انسان بطور کل ارتباط دارد، با جسم انسان، با عقل انسان، با وجدان و شعور و عاطفه انسان و همچنان تمام اجزاء بدن و روح و وجدان و شعور انسان را تغذیه می کند و با انسان بطور کل تعامل و اشباع غرائز انسان را در حدود اعتدال برآورده می سازد.

سپورت غذاء جسم، عبادت غذاء روح، علم غذاء عقل و هنر به اقسام آن غذاء وجدان است. و قابل تذکر است هنری که اسلام می خواهد آن است که انسان را به بالاترین مقام ارتقاء دهد نه اینکه به اسفل سافلین سقوط دهد.³

هنر روح و احساس به جمال و تذوق است، لذا قرآن کریم در اکثر مواضع انسان را متوجه جمال طبیعت می کند. قرآن کریم انسان را متوجه عنصر حسن و جمال که خداوند در دنیا برای انسان خلق کرده می نماید و وظیفه انسان است تا از جمال طبیعت استفاده و نفع و لذت بردارد. قرآن کریم انسان را متوجه منفعت و جمال و زینت میکند، در سورة النحل آیه هشتم می خوانیم: «و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها و زینة». اسبان و استران و خران را برای سوری و تجمل شما آفرید. سواری منفعت مادی و زینت منفعت جمالی است.

³. دکتر یوسف القرضاوی، الإسلام و الفن، مؤسسه الرسالة، 2000 میلادی، صفحات 13-14. همچنان دیده شود تحقیق بنده نشر شده در کتاب: ساز و آواز در افغانستان، تألیف دکتر عنایت الله شهرانی، جلد اول، مطبعة آزادی از نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ، 1389 هجری شمسی

امام محمد الغزالی در مورد هنر می گوید: هنر مثال جمالی است که خداوند در افاق خلق کرده. همه جمال در جهان که عقل و چشم و گوش و سائر حواس آنرا درک میکنند از آغاز جهان تا ختم آن ذره ای از خزائن قدرت سبحانه میباشد. هنر مندان از صنعت جمال خداوند سبحانه تعلیم گرفتند و به جمال آن اقتداء نمودند.⁴

اسلام نه تنها دعوت به احساس جمال و دوستی و تذوق آن می نماید ، بلکه تعبیر از احساس جمال و دوستی آنرا نیز به صورت جمیل امر میکند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم چنانکه عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت می کند فرمودند: إن الله جميل يحب الجمال ، خدا زیباست و زیبایی را دوست می دارد.⁵

در سوره الاعراف می خوانیم: «من حرم زينة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق...» ، بگو: چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده است ؟. قرآن کریم بیان می کند که همه زینت ها را خداوند برای بندگان خود خلق نموده تا احساس لذت نمایند. کسی حق ندارد زینت های که خداوند برای انسان خلق نموده آنرا حرام سازد. حلال و حرام نمودن اشیاء فقط از حق الله سبحانه و تعالی است.

⁴ محمد الغزالی ، السنة النبوية بين أهل الفقه .. و أهل الحديث ، دارالشروق ، طبع دهم اگست 1992 ، صفحه 95.

⁵ صحیح مسلم 93/1. ابن القيم در کتاب الفوائد زیبایی که خداوند از بندگان می خواهد را بیان می کند ، و می فرماید: خداوند زیبایی اخلاق ، زیبایی صفات ، زیبایی دلها ، زیبایی زبان ها را دوست دارد / www.hedayatmizan.ir چرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد ؟

امام ابو حامد الغزالی در قرن پنجم هجری در مسأله احساس به جمال و هنر می گوید: «من لم یحرکه الربیع و أزهاره ، و العود و أوتاره ، فهو فاسد المزاج لیس له علاج». کسی را که بهار و گل‌های آن ، عود «آله موسیقی که با تار است مثل تنبور» ، به حرکت نیاورد ، مزاج اش فاسد است و علاج ندارد. کلام امام الغزالی اهمیت موسیقی و هنر را در نگهداشت احساس جمال در انسان نشان می‌دهد و همچنان اهمیت مباح بودن آواز و موسیقی را در فرهنگ و ثقافت اسلامی بیان می‌کند. نوشته امام الغزالی تاریخ موسیقی و هنر را در جامعه اسلامی شرح می‌دهد ، و از زریاب معروفترین موسیقار مسلمان نامبرده میشود.

اقتباس از هنردیگران

اسلام اقتباس را چه در مسائل سیاسی ، اقتصادی ، علمی ، ادبی و نظامی از ملت‌های دیگر مانع نشد ، مسلمانان و آنانکه حل اسلامی را برای کشور های شان می‌خواهستند در مقابل مدارس عصری و اقتباس از علم اقتصاد و سیاست تماشاچی نبودند بلکه از تمام مدارس فکری برای بهبود جامعه اقتباس نمودند. شعار مسلمانان در اقتباس حدیث شریف «الحکمة ضالة المؤمن اُنی وجدها فهو احق الناس بها»⁶⁶. حکمت گمشده مؤمن است ، و هرکس که چیزی گم کرده آن را در هر نقطه که پیدا کند معطل نمی‌شود و برمی‌دارد.

⁶⁶. حدیث ضعیف است ، روایت نموده الترمذی و ابن ماجه ، اما معنی آن صحیح است. حکمت: یعنی سخن و مطلب محکم و متقن و منطقی و درست ، یعنی دریافت حقیقت. هر قانون و قاعده‌ای که با حقیقت وفق دهد و ساخته و هم و تخیلات نباشد ، حکمت ، است.

مسلمانان هنرهای ملل دیگر که شامل موسیقی و آواز خوانی بود اقتباس کردند و انواع و اقسام هنرها را احیاء نمودند. در سایه مدنیت اسلام، اکثر هنرها احیاء و ترقی کرد. مدنیت اسلام توجه بیشتر به هنر نقاشی، خطاطی، هنر موسیقی و آواز خوانی، هنر ادبی به مقارنه با دیگر فرهنگها داشت و در ساحت مدنیت اسلام و در جریان فتوحات اسلامی مسلمانان هنر را به دیگران به میراث گذاشتند و از هنر دیگران اقتباس و آموختند.

اسلام توجه و دقت به هنر ادبی داشت و مسلمانان ادبیات که از میراث قبل از اسلام بود آنرا حفظ و ادبیات فارسی و هندی و یونانی را نیز آموختند و با ادبیات عربی یکجا نموده ادبیات جدید را به جهانیان بنام ادبیات اسلامی معرفی کردند. در اسلام قراءت قرآن کریم و ترتیل و شنیدن آن در پهلوی عبادت، غذاء برای وجدان و روح نیز است، ادباء و دعوتگران مسلمان، ادبیات قرآنی را هضم و آنرا نشر کردند.

هنر، موضوع بسیار مهم و ضمناً خطرناک و با اهمیت نیز است، به دلیل اینکه ارتباط به وجدان و شعور انسان دارد، هنر در ساختار ذوق و میل و روش روانی و روحی و عقلانی و ادبی انسان رول براننده را دارد.

هنر مانند علم است، اگر برای خیر بشر استفاده شود و جامعه را به ترقی و تعالی برساند و ضمیر و وجدان انسان را زنده حفظ کند مفید است، و اما اگر برای شر و فساد استفاده شود، جامعه را به نابود و اخلاق را فاسد می سازد و میتوان گفت که هنر وسیله ای برای رسیدن به هدف و مقصد از آن است، لذا حکم آن ارتباط به اهداف و مقاصد از استفاده آن دارد، اگر در راه

حلال و خیر استفاده شود جواز دارد و اگر در راه شر و فساد استفاده شود جواز ندارد.⁷

موضوع بحث ما هنر موسیقی و غناء (آواز) است و به عبارت دیگر موسیقی و آواز خوانی است. قبل از اینکه نظریات فقهی را در این مسأله مورد بحث قرار داد، بهتر است تا در مورد هنر موسیقی و آواز خوانی در تاریخ اسلام بحث را آغاز کرد.

⁷. فضل غنی مجددی، روش فکر معاصر اسلامی، جلد اول، امریکا 2016.

هنر موسیقی و غناء در ادبیات و فرهنگ اسلام

بحث در مسأله هنر، خصوصاً موسیقی و آواز یکی از مهمترین قضیه در بین قضایای فقهی در تاریخ اسلام است. بحث روی این مسأله وقت بیشتر علماء و فقهاء را از قرن ها بدین طرف گرفت، و لیکن متأسفانه فیصله نهائی و اجماع در مورد جواز و عدم جواز آن تا هنوز صورت نگرفته است.

قابل تذکر است که موسیقی و غناء، قضیه اعتقادی و مسأله تعبدی در اسلام نیست، به عبارت دیگر در دائره حلال و حرام بحث نمی شود و در دائره جواز و عدم جواز قابل بحث است، اما چون نتایج مثبت و منفی، خوب و زشت را بالای فکر، وجدان و شعور افراد جامعه بجا می گذارد از این لحاظ بحث و تحقیق روی آن بیشتر قابل اهمیت می باشد.

بحث و مطالعه و سخن در مورد غناء «آواز» و موسیقی و استفاده از آلات موسیقی در عصر حاضر مانند عصرهای گذشته که موسیقی و آلات آن محدود بود نیست، همانطوری که علوم انسانی و سیانس و تکنالوژی به اوج تقدم رسیده است، موسیقی و آلات موسیقی و در نهایت علم موسیقی مضمون و شکل جدید را بخود گرفته است و با مقایسه با قرن های اول اسلامی تفاوت کلی دارد. امروز انسان صدای موسیقی و آواز خواننده را در تمام گوشه و کنارا استماع می نماید، تلویزیون، رادیو، تلفون های دستی همه موسیقی و آواز را در مدت بیست چهار ساعت با صوت و شکل پخش می کنند و ممکن نیست انسان گوشهای خود را از شنیدن آن باز دارد و موسیقی و آواز را استماع نکند.

اگر سؤال را به عدم جواز و یا حرمت ساز و آواز مطرح سازیم، باید جواب داشته باشیم که بکدام وسیله میتوان مردم را از شنیدن حرام مانع شد؟

و اگر به جواز موسیقی و غناء نظر اندازیم، سؤال مطرح می شود که چرا مردم را از شنیدن آواز زیبا و موسیقی و آلات موسیقی مانع شد؟

مهمترین مسأله در جواز و عدم جواز ساز و آواز عدم اجماع در حکم آن است و از نظر فقه اسلامی در مسأله ای که اجماع نباشد حکم آن حلال است و قضیه در باب کفر و ایمان، حلال و حرام بحث نمیشود، بلکه در دائره جواز و عدم جواز بحث می شود. برای محققین در این ساحه واجب است تا نظریات مختلف و متفاوت را بدقت و با کمال احترام مطالعه نمایند و دلیل قوی راجحت داده و حکم فقهی معاصر را در مسأله موسیقی معاصر بررسی نمایند و در بررسی و تحقیق از فکر و سطر اسلام نباید عدول کرد و در حکم باید به اصول اسلام پابندی کامل داشت.⁸

موسیقی از بارزترین هنر در بین هنرها است که انسان از زمان بسیار دور به آن بدون اینکه به علم آن آشنا باشد معرفت و آشنائی داشت. موسیقی عبارت از مجموع الحان است که سروده میشود، موسیقی نقش فعال و مهم را بالای نفس انسان دارد، و در بسا مواقع برای علاج نیز از آن استفاده می شود و درد و آلام را انسان کمتر احساس می نماید و همچنان به اثبات رسیده که موسیقی خوب سبب تقویت ذاکره نیز میشود. همچنان ساز و آواز بعضی سلبیات و نقاط ضعف و منفی نیز دارد و میتواند مزاج انسان را تغییر دهد و غم و رنج را در انسان بیشتر سازد و وقت انسان را بدون فائده ضایع کند، در صفحات بعدی در تأثیرات منفی و مثبت موسیقی و آواز اشارات مختصر خواهیم داشت.⁹

8. عبدالله بن یوسف الجذیع، الموسیقی و الغناء فی میزان الإسلامی /

www.goodreads.com

9. تأثیر الموسیقی علی الإنسان / mawdoo3.com

موسیقی عبارت از مجموع الحان است که خوانده و نوشته و نواخته میشود و نقش فعال رابالای احساس و وجدان انسان دارد و از قدیم الزمان موسیقی در علاج انسان نیز قابل استفاده بود.

در تاریخ مدنیت، موسیقی رکن مهم از ارکان مدنیت به حساب می آید. علاوه بر قواعد علمی، ذوق و عاطفه نیز در پیدایش موسیقی دخالت دارد. موسیقی ترجمه واژه Music انگلیسی که در ادبیات فارسی معادل آهنگ می باشد و غنا را خواندن با آهنگ می گویند که همان موسیقی آوازی است. موسیقی ترکیب (Composition) الحان (ملودی) و الحان به نغمه ها (Note) و نت ها دارای ریتم (Rhythm) هماهنگ است¹⁰.

أهل لغت و زبان غناء را «آواز خوش و طرب انگیز» دانسته اند و بعض فقها آن را صدای لهوی مناسب مجالس أهل فسوق و حرام می پندارند به این معنی غناء در شریعت معنی وسیع تر دارد.

با تأسیس بیت الحکمه در زمان عباسی ها و نهضت ترجمه واژه موسیقی جایگزین غنا عربی شد. واژه موسیقی در آثار فارابی، ابن سینا و رسایل اخوان الصفا آمده است. «الموسیقی معناه تألیف الالحن و اللغة یونانیه». موسیقی معنی آن تألیف الحان و کلمه یا لغت یونانی است.

در عربی الغناء معادل موسیقی آوازی است. در عصر حاضر واژه موسیقی به معنای صدای ابزارهای موسیقی و غنا آواز همراه با موسیقی می باشد. بنابر این هر غنایی موسیقی هست ولی هر موسیقی غنا نیست.

¹⁰. مترادف لحن: آوا، آواز، آهنگ، صوت، نغمه و نوا است. / <https://abadis.ir>

عنصر اصلی موسیقی، صوت و زیر و بم اصوات است که در اثر نسبت های ریاضی پیدا می شود. از طرفی تمام قواعد موسیقی به گونه ای است که به ذوق و قریحه سازنده هم مربوط می شود و به همین جهت آن را هنر می نامند.¹¹

موسیقی (از عربی)، یک نوع از هنر است که عناصر اصلی تشکیل دهنده آن، صدا و سکوت است. عناصر اصلی تشکیل دهنده موسیقی زیر و بمب (نواک) (تعیین کننده ملودی و هارمونی) و ضرب آهنگ (ریتم) است. همچنین موسیقی را هنر بیان احساسات به وسیله آواها گفته اند که مهمترین عوامل آن صدا و ریتم هستند و همچنین دانش ترکیب صدا ها به گونه ای که خوش آیند باشد و سبب انبساط و انقلاب روان شود.¹²

از تعاریفات موسیقی باین نتیجه می رسیم که ممکن است غنا بی معنی باشد به عبارت دیگر فقط آواز باشد بدون شعر و یا موزون و با ترتیب باشد. غنا ممکن است با موسیقی اجراء شود، یا بدون آلات موسیقی، به هر صورت غنا با هر شکل و روش که باشد بغیر از ترتیب معین و روش خاص غیر قابل پسند است.¹³

متأسفانه در افغانستان دانشمندان و محققین در مورد موسیقی و رابطه آن با مدنیت و ثقافت و فرهنگ کمتر توجه و تحقیق کرده اند و این ساحه مهم مدنیت را فراموش کرده اند. حکومت های افغانستان نیز توجه به علم موسیقی نداشتند و اخیر در پوهنهی ادبیات قسم هنر های زیبا تأسیس شد که بعداً از برنامه های تعلیمی حذف شد. در مورد موسیقی تنها دو کتاب

11. موسیقی و معیارهای آن در اسلام / هنر دینی ... <https://rasekhoon.net>

12. موسیقی / [FA.wikipedia.org/wiki/موسیقی](https://fa.wikipedia.org/wiki/موسیقی)

13. هل-الغناء-حرام / [www.madwoo3](http://www.madwoo3.com)

در کتابخانه های افغانستان موجود است: ساز و آواز در افغانستان، تألیف دکتر عنایت الله شهرانی، و کتاب سرگذشت موسیقی معاصر افغانستان، تألیف استاد عبدالوهاب مددی. کتاب داکتر شهرانی در کابل و کتاب استاد مددی در ایران به طبع رسیده است.

رابطه بین دین و هنر و نظریات ضد و نقیض و افراط و تفریط در مورد موسیقی نیز بحث علمی نشد، این ساحات تا هنوز خالی باقی مانده و بهترین ساحات برای تحقیقات جدید در پوهنتونها میباشد، امید است پوهنتون های افغانستان برای محصلین و محصلات فوق لیسانس رابطه بین دین و هنر را جهت تحقیقات علمی پیش کنند.

فقهائ از قرن ها قبل در موضوع شنیدن موسیقی (السماع) بحث های جالب را آغاز کردند و تا امروز تحقیق و بحث در مورد موسیقی و آواز در بین فقهائ معاصر ادامه دارد. تحقیقات جدید در مسأله جواز و عدم جواز یا حرمت و حلال بودن موسیقی بصورت تفصیلی و مجمل است و تاحال تخصصی نشده است. ممکن است سؤال مطرح شود که چرا بحث روی موضوع موسیقی و آواز تا امروز ادامه دارد؟ هر موضوع که به انسان و فکر انسانی ارتباط داشته باشد بحث روی آن تا زمانیکه انسان زنده است ادامه میداشته باشد و در جریان بحث ها نظریات متفاوت و در بسا موارد مخالف نظر به شرایط زمان و مکان و اصل موسیقی و آواز بوجود می آید.

موسیقی ارتباط به شعور و وجدان انسان و مدنیت دارد لذا انسان با طبیعت بشری که دارد نتوانست با تمام موانع از موسیقی و آواز خوانی مسافه گیرد. حیات اجتماعی عرب قبل از اسلام، با هنر موسیقی و لهو و لعب گره خورده بود و برای دعوتگران دین اسلام ممکن نبود علیه آن قیام فوری کنند لذا کوشش کردند در بدل منع، اصلاحات را بوجود آورند. مسلمانان اعتقاد

داشتند که اشیاء «اشیاء نکره است و شامل تمام اشیاء در جهان می شود»، در اصل حلال و مباح است، مگر آنچه را که خداوند حرام ساخته است. خداوند سبحانه و تعالی در قرآن کریم می فرماید: «من حرم زینة الله التي أخرج لعبادی و الطيبات من الرزق» (اعراف: 32). بگو: چه کسی زینت های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟

ابحاث و تحقیقات که در دست داریم اکثراً در بطلان موسیقی در اسلام است و اکثر محققین که مخالف موسیقی و آواز هستند، از موسیقی و آواز امروز در عدم جواز استنباط می کنند و علم هنر موسیقی را کاملاً فراموش می کنند و تفاوت بین موسیقی و آواز خوانی عصر حاضر و بین علم و هنر موسیقی و غناء تفاوت قائل نمی شوند، قابل دقت است اعمال زشت که داخل ساحه موسیقی شده وسیله برای بطلان اصل هنر شده نمی تواند.

تأثیرات منفی و مثبت موسیقی و آواز در عصر حاضر در نتیجه تقدم و پیشرفت تکنالوجی فوق العاده قوی و زیاد است. نباید باین فکر بود که موسیقی تنها تأثیرات منفی دارد و جانب مثبت آن را انکار کرد. مشاهده شده که بعضی زنان تصادفاً صدای آذان را بدون اینکه معنی کلمات آنرا بدانند شنیده اند و آواز جمیل مؤذن سبب شده تا در مورد اسلام تفکر کنند و اسلام آورند.

موسیقی قدیمترین هنر در بین هنرهای زیبا از حیث کلمه است، ملتی که در فرهنگ شان موسیقی جاه نداشته باشد در دنیا وجود ندارد. مدلول و اصطلاح موسیقی عبارت است از: موسیقی علم در بین علوم طبیعی مبنی بر قواعد ریاضی یعنی ترتیب و تعاقب اصوات مختلف، تألیف متناسب بحیث ترکیب الحان که گوش و احساس انسان آنرا به خوشی استماع و

استقبال می کند. گوش، حس سماع، بعد از دریافت اصوات موسیقی، آنرا به مغز انسان رسانده و انسان از استماع آن لذت می برد، برخلاف موسیقی زشت و کلمات نامناسب و صدای بلند موسیقی سبب اذیت گوش شده و گوش عاجز می ماند تا اصوات را به مغز برساند و در این حالت انسان مجبور می شود یا مجلس را ترک کند و یا گوشهای خود را ببندد، محافل عروسی و کنسرت های امروزی افغانان همینطور است.

هنر موسیقی منحصر به علم نواختن با آلات موسیقی است و آلات موسیقی مانند سائرادوات و آلات که در زندگی انسان از آن استفاده می کند در جریان سالها قابل تغییر و تحول است، در حالت تغییر و شکل آلات موسیقی حکم جواز و عدم جواز آن ثابت و قابل تغییر نمی باشد، بطور مثال در عصر اول اسلام طبل، دف «دایره» و عود (آله با تار) وسیله نواختن بود و امروز آلات جدید الکترونی در نواختن موسیقی قابل استفاده می باشد و حکم آلات جدید موسیقی همان حکم آلات موسیقی قدیم است، یعنی مباح است.

آلات موسیقی که در افغانستان مروج بود و تا حال در پهلوی آلات موسیقی جدید معاصر حضور دارند عبارت اند از:

دایره (دف): دایره عموماً در عروسیها، عیدها، میله ها و دیگر مراسم خوشی و سرور توسط زنان و دختران نواخته می شود.

رباب: این آله موسیقی اصیل افغانستان بیشتر از هزار سال قدمات دارد، نوازنده رباب اغلب مردها هستند.

سرند: این آله موسیقی بیشتر در قسمت های جنوب و جنوب شرقی افغانستان معمولاً بدون همراهی آله ضربی در محافل شادی توسط هنرمندان مرد نواخته می شود.

دنبوره: در صفحات شمال کشور و ولایات مرکزی افغانستان استفاده میشود.

دوتار: در ولایات غربی و جنوب افغانستان به ویژه در ولایت هرات بیشتر رواج دارد.

چنگ: یک آله کوچک فلزی است که توسط دختران و مردان در صفحات شمال و شمال غرب مورد استفاده است.¹⁴

غناء به اساس وزن موسیقی که لحن را تألیف میکند ارتباط دارد. موسیقی و لحن در آغاز بدون قانون و قاعده و وزن یا توازن بود به عبارت دیگر ابتدائی و بدائی و مستقیماً ارتباط به فطرت و احساس و شعور انسان داشت، اما با تقدم علوم، موسیقی نیز شکل و خط علمی را بخود گرفت و در بین علوم انسانی بحیث علم مستقل دارای قواعد و اوزان شد. دانشمندان مسلمان نقش فعال و مؤثر را در تدوین موسیقی در داخل جامعه اسلامی و خارج آن در طول تاریخ داشتند. در اندلس (اسپانیا)، دانشمندان مسلمان، هنر موسیقی اروپا معاصر را بوجود آوردند و در هنر موسیقی جدید از موسیقی عربی و یونانی و رومانی و فارسی استفاده کردند. دانشمندان مسلمان از قدیم الزمان سعی کردند تا علم موسیقی را بوجود آورند و موسیقی را با استفاده از علم فزیک و صدا تجزیه و تحلیل و اصلاح نمایند و علم وزن یا اوزان و مقام یا راگ ها را بوجود آوردند و در این راستا از کتاب علامه فارابی «الموسیقی»، و کتاب ابن سینا «شفاء» استفاده نمودند.

محققین باین نظر اند که اولین وسیله و آله موسیقی حنجره انسان بود و در

¹⁴ عبدالوهاب مددی، سرگذشت موسیقی معاصر افغانستان، حوزه هنری، تهران 1375، صفحات 40-41.

گذشته یگانه و سیله که آواز از آن خارج می شد نیز حنجره بود. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و صحابه و بزرگان دعوت اسلامی، اهمیت حنجره و صوت جمیل را در تلاوت قرآن کریم و آذان فراموش نکردند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم صوت جمیل را در ترتیل وحی الهی مهم میدانست و ابا محذوره را به سبب صوت جمیل اش دوست داشت و ابی موسی الأشعری را به «مزامیر داود» تشبیه کردند.¹⁵

انتخاب حضرت بلال برای وظیفه مؤذن به سبب صوت جمیل او بود و در بین صحابه بلال رضی الله عنه بهترین آواز را داشت. قابل تذکر است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و سلم مخالف قراءت قرآن کریم به روش غناء شعری بود و هدف از آن دور نگهداشتن مسلمانان از افکار شرک بود.

محترم محمد طه کوشان در تحقیق اش از چهار صنف موسیقی بحث میکند و می نویسد: در وطن عزیز ما افغانستان چهار نوع موسیقی رواج داشت:

1. موسیقی روحانی عارفانه خانقاهی.
2. موسیقی محفلی و مناسبتی.
3. موسیقی الف: لهو و لعب. ب: لغو و باطل.
4. موسیقی حماسی رزمی.

موسیقی روحانی همچنان بنام موسیقی معنوی یاد شده است، موسیقی معنوی با به کارگیری تناسب در حوزه معنا و بهره بردن از آرایه های بدیعی به وجود می آید.¹⁶

¹⁵. عبدربه، دارالمکتبة العربی، جلد 3، صفحه 176.

¹⁶. http://jria.isca.ac.ir/article_69706

موسیقی معنوی جدا از اینکه به شعر زیبایی و لطافت می بخشد ، از رهگذر بافت کلی و استحکام زبانی نیز آن را در مرحله عالی تری قرار می دهد. با ظهور تصوف باطل در جوار تصوف حق ، موسیقی و غناء تصوفی نیز آلوده با بدعتها شد و اعتبار معنوی خود را از دست داد.

اکثر دانشمندان و محققین تأثیر موسیقی روحانی را بحث نکردند و آثار و نتایج آن را در تکوین فکری و ذهنی شنونده بیان کرده نتوانستند. به عبارت دیگر تأثیر موسیقی و غناء بالای قلب انسان بحث علمی نشد. روایات در فرهنگ و ادبیات عربی است که پرنده ها و حیوانات وحشی به صوت نبی الله داود علیه السلام گوش می دادند ، و همچنان روایت است که هفتاد و دو نغمه از حنجره مبارک نبی الله داود خارج می شد. روایت ادبی است که انسان به صوت جمیل متأثر می شود.

ابو سلیمان الدارانی (متوفی 820 هجری قمری) می گوید: «السماع لا يجعل فی القلب ما لیس فیه» ، استماع در قلب اثر نمی گذارد اگر در قلب نباشد . الهجوری (قرن یازدهم) مؤلف کشف المحجوب ، آنانکه به موسیقی متأثر می شوند ایشان را به دو گروه تقسیم می کند:

1. آنانکه معنی روحی را استماع می کنند.
 2. آنانکه صوت مادی و غیر معنوی را می شنوند.
- او اضافه میکند ، برای هر حالت نتایج خوب و بد است ، اگر آواز نغمه های خوب را انسان شنید ، نتیجه آن خوب است ، و اگر آثار خبیثه را شنید ، نتیجه آن خبیث است ، و اگر مزاج انسان فاسد باشد ، حتماً آنچه فاسد است می شنود.¹⁷

¹⁷. شیما سادات منصوری ، الموسیقی المباح / www.diwanalarab.com

از گفتار المحبوب به صوت خوب و زشت آشنا می شویم ، متأسفانه صوت جمیل بعض از هنرمندان با کلمات غیر روحی و معنوی و جمیل سبب آن می شود تا مردم عادی و تعلیم یافته با هنر موسیقی مخالفت نمایند. کلمات و اشعاری که هنرمندان معاصر از آن در موسیقی و غناء استفاده می کنند تأثیر روحی و معنوی را شنونده از شنیدن آن احساس نمی کند . روحانی بزرگ ذو النون می گوید: « السماع تأثیر إلهی یحرک القلب لرؤية الله ، وإن أولئك الذين ینصتون إلیه بأرواحهم یصلون لله ، أما الذين ینصتون بحواسهم و شهواتهم فیسقطون فی المعصية » ، سماع تأثیر الهی است قلب را به رؤیت الله به حرکت می آورد ، اما کسانی که به حواس و شهوات شان گوش می دهند ، به معصیت سقوط می کنند .

تأثیرات مثبت موسیقی

موسیقی تأثیرات مثبت بالای ذهن، فکر و قلب انسان دارد. میتوان تأثیرات مثبت موسیقی را بالای انسان به نقاط ذیل خلاصه کرد:

1. موسیقی عقل و ذهن انسان را برای عملکرد مانند تمرینات جسمانی آماده می کند. مطالعات به اثبات می رساند که استماع مکرر موسیقی خلیاء عصبی دماغ را به حرکت و فعالیت می آورد.¹⁸
2. کم کردن مشکلات فکری، شنیدن موسیقی و نغمه های آرام بدون کلمات برای آرامش و کم کردن مشکلات و پریشانی انسان کمک می کند ، مطالعات نشان میدهد اشخاصیکه به امراض و حتی مرض

¹⁸ Medfordleas,20/20/2019,Retrieved4/7/2021, HOW DOES MUSIC AFFECT

THE MIND AND BODY

در مورد نظریات مدارس تصوفی به: فضل غنی مجددی ، مراحل تکوین تصوف و حرکت اصلاحی آن ، امریکا ، اکتوبر 2011 ، مراجعه شود.

سرطان مبتلاء اند با شنیدن موسیقی خوف و ترس شان کمتر می شود.¹⁹

3. موسیقی ذاکره را خوب و از سخته ای دماغی جلوگیری می کند.
4. موسیقی علاج برای امراض عقلی نیز است، دانشمندان و متخصصین امراض عصاب میگویند استماع موسیقی بعض مواد کیمیاوی عصبی را افزای می کند.²⁰
5. استادان درپوهنتون جونزهوبکنز می گویند، استماع موسیقی توجه و دقت را به تعلیم بیشتر می سازد و دماغ را آماده می کند.²¹
6. استماع موسیقی وزن را کم می کند، مطالعات و تحقیقات نشان می دهد که اماکن آرام با نور کمتر و موسیقی آرام جلوگیری از پر خوری می کند و کم کردن وزن را کمک می کند.
7. موسیقی آرام بعد از کارهای مشقت در روز، خواب را در شب منظم می سازد.²²

¹⁹ Pfizer Medical Team (30/8/2017) "10Health Benefits

ofMusic",gethealtystayhealthy,Retrieved 4/7/2021.

²⁰ Kendra Cherry (10/12/2019),"How Listening" verywellmind,Retrieved 4/7/2021.

²¹ Pavle Marinkovic (15/1) Can Music Have Negative Effects on people?" medium,Retrieved 4/7/2021.

²² برای معلومات بیشتر از فواید موسیقی مهربانی کرده به سایت ذیل مراجعه کنید:

www.chetor.com www.wikidedia.org/

نتایج منفی موسیقی

موسیقی مانند دیگر اشیاء اسلحه ذو حدين است به عبارت دیگر یا مفید تمام می شود و یا هم مضر ، مفیدیت و مضریت موسیقی ارتباط به استفاده از آن را دارد.

1. ممکن است استماع موسیقی و خواندن اشعار و بیت های غمگین

و دشمنانه، سبب شود که انسان به مردم و جهان به نظر سلبی ببیند.

2. ممکن است موسیقی درازد یاد دشمنی بین مردم کمک کند،

موسیقی در قدیم در شعله ور ساختن جنگ و ادامه آن استفاده می

شد و اشعار دشمنانه همراه با موسیقی به حقیقت تبدیل می شد.

3. شنیدن بیشتر موسیقی ضیاع وقت است.

نمی توان گفت که موسیقی تنها جنبه های منفی دارد ، حال آنکه موسیقی

مانند سایر هنرها می تواند در خدمت علم ، تربیت و کمال باشد ، احساسات

و عواطف انسانی را زنده و رشد دهد.

از آنجا که موسیقی احساسات را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد ، دارای

جنبه های منفی و مثبت است. البته گرایش به جنبه های منفی آن، جایگاه خود

را در دربار شاهان و خلفا بیشتر باز کرد. موسیقی عصر حاضر جنبه های منفی

آن از هر ناحیه بیشتر نسبت به جنبه های مثبت آن است.

موسیقی در فرهنگ و ادبیات عربی و اسلامی

در ماهیت ادبیات، گفته شده: ادبیات، عبارت است از آن سخنانی که از حد

سخنان عادی، برتر و والاتر بوده است و مردم، آن سخنان را در میان خود،

ضبط و نقل کرده اند و از خواندن و شنیدن آنها دگرگونه گشته و احساس غم و شادی یا لذت و الم کرده اند.²³

درفرہنگ زبان و ادبیات عربی آواز، غناء، عبارت از صوت است که از حنجره بیرون می شود، و موسیقی صوت و آواز است که از آلات موسیقی بیرون می شود.

در ادبیات عربی غناء یعنی آواز خواند، او را خوشحال کرد، آوازش را در گلون برگردانید و کشش داد و زیبا کرد. در ادبیات و فرهنگ زبان غناء به معانی زیاد استعمال شده است مثلاً: بلند کردن آواز، ترنم به کلام موزون و غیره، ممکن است آواز موزون با شعر و الحان دیگر باشد، یا بلند کردن صوت یا شعر و همچنان بلند کردن صوت با شعر با ترتیب معین و خواندن یعنی ترنم.

موسیقی دانان مسلمان از نژاد عرب، شعر را که رکن اول و اساسی هنر آهنگ و آواز است از آن در ساختار موسیقی و غناء اساس قبول کردند و این عمل و کار تا جای رسید که در ادبیات هنر موسیقی اصطلاح «موسیقی شعر» پدید آمد و تعداد از دانشمندان کتابهای شانرا زیر همین نام نوشتند مثل: «پیوند شعر و موسیقی آوازی».

شعر در ادبیات زبان اینطور تعریف شده است: «شعر کلامی است مرتب معنوی موزون، خیال انگیز و به قصد. شعر در حقیقت موسیقی کلمه ها و لفظ هاست و غناء موسیقی الحان و آهنگها و جمع میان شعر و موسیقی جمع میان موسیقی الفاظ و موسیقی الحان است. اصولاً شعر برای این بوجود آمد که بتوان با آن تغنی کرد و عرب نیز می گوید: انشد شعراً یعنی

²³. عبدالحسین زرین کوب، آشنایی با نقد ادبی، تهران: سخن، 1374، صفحه 25

فلان شعر را تغنی کرد و سرود و مسلمانان از صدر اسلام تا امروز شعر را کلامی که دارای عناصر زبان، موسیقی و تصویر است می‌شناسند.²⁴

موسیقی صدر اول اسلام با ادبیات و رکن اساسی آن یعنی شعر پرداخت به دلیل اینکه در آن عصر شعر و موسیقی توأم بوده است. در جامعه عرب قبل از اسلام شعر به اوج کمال خود رسیده بود و هنرمندان شعر را با موسیقی می‌خواندند. اسلام این روش را انکار نکرد بلکه در تقویت شعر و هنر کوشید و یکی از معجزه‌های اسلام ادبیات و روش شعری بود که شعراء عرب از آوردن مثل آن عاجز ماندند.

اسلام ادبیات را اصلاح کرد و خرافات و شرک را از آن دور ساخت و مسلمانان را به روش جدید در ساختار شعر و هنر موسیقی آشنا کرد و به عبارت دیگر ادبیات را ادبی و اخلاقی ساخت.

ادبیات، همواره و همیشه با اخلاق، پیوندی دیرینه داشته و بر مسئله مهم خود شناسی تأکید فراوان کرده است و از آن جا که در آموزه‌های اسلامی، خودشناسی، پایه و پیش نیاز خداشناسی معرفی شده است.²⁵ به همین ترتیب «تولستوی»، هنر و ادبیات را از عالی‌ترین تجلیات جمال الهی و به وجود آورنده عالی‌ترین لذت‌های روحی و معنوی برای انسان، تعریف می‌کند.²⁶

²⁴ مقاله «پیوند موسیقی و شعر» / حسین رضوی فرد / www.chouk.ir

²⁵ پیغمبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: آن کس خدا را می‌شناسد که خود را بشناسد،

ابو حامد غزالی، کیمیای سعادت، تهران، حکمت، 1360، جلد 1، ص 123.

²⁶ ر.ک: ادبیات و بازتاب آن، ویلیام جی گریس، مترجم: بهروز غریب‌نژاد، تهران: سیما

، ص 15.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم جنگ را علیه ادب نثر و شعر قبل از اسلام که بنام ادبیات عصر جاهلیت یاد می شد اعلان نکرد. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم با شعر و نثر جاهلیت سر دشمنی و مخالفت نداشت. برای مسلمانان معنی و مفهوم شعر قیمت داشت نه گوینده آن. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم شعری را مردود می دانست که از نظر اخلاقی و عقیدتی منحرف و گمراه کننده می بود. مسلمانان و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به اشعار و شاعران دوره جاهلی گوش می دادند و اگر شعرشان با مبادی اسلام در تضاد نمی بود به آن ارزش داده می سرودند و نسبت به شعر از شعرای عصر قبل از اسلام اظهار نظر می کردند و آنرا تأیید می نمودند.

دکتر عبدالصبور فخری استاد پوهنتون کابل در موقف نصوص شرعی پیرامون ابداعات ادبی می نویسد: نصوص شرعی با ابداعات ادبی نه تنها که مخالف نیست بلکه آنرا تأیید می کند و به سوی آن فرا میخواند. نصوص دینی ما خود نمادی بلند از زیبایی و ادبیات بلند هستند، زیرا که قرآن کریم بلند ترین سخن و احادیث نبوی هم زیبا ترین سخن بعد از قرآن کریم به شمار می روند. هم قرآن کریم هم سنت نبوی شریف با ابداعات ادبی لگام گسیخته و بی هدف مخالف می باشند و آنرا لغو می دانند و از به کارگیری و ارتباط با آن جلوگیری می کنند.

ابداع ادبی مانند هر فعل و سخن انسانی مسئولیت دارد، پس بر شاعران و نویسندگان ما لازم است که مسئولانه به سوی ابداع ادبی اقدام کنند. اشکالی نیست که ادیب و هنرمند ما از این آزادی برخوردار است که افکار و اندیشه

های ناب خود را در قالبها و فرمهای ادبی امروزمین در بیاورد، در صورتی که مفاهیم آن درست و مطابق اصول اخلاقی و عقیدتی اسلام باشد.²⁷

رسالت ادبیات: تأثیرات عمیق و ارزشمند آثار خوب و سالم ادبی بر جامعه، بر هیچ کس پوشیده نیست و این آثار، با جامعه، پیوندی استوار دارند، ادبیات به خاطر بیان و ترویج ارزش های اجتماعی و انسانی، برای کل جامعه بشری مفید بوده است.

رسالت ادبیات، آشنا کردن انسان با شیوه های زندگی بهتر و تلاش برای کمال و پیشرفت، از طریق آموزش، نقد و اصلاحگری، همدردی است و همواره بشر را به سوی آرمان های والای انسانی، هدایت کرده است.

موسیقی لازم و ملزوم ادبیات است، مولوی بزرگ می گوید علم موسیقی بر من چون شهادت است، چون مؤمن هستم، شهادت و ایمانم آرزوست. اگر ادبیات شعری نداشته باشیم، موسیقی را نمی توانیم بصورت علمی داشته باشیم به دلیل اینکه اول شعر است و دوم موسیقی. رابطه بین موسیقی و شعر رابطه بسیار قوی است و اگر شعر نباشد، موسیقی هم نیست و از طرف دیگر باید آهنگ باشد تا شعر را روی آن بگذارند، باین منظور موسیقی و ادبیات با هم گره خورده اند.

²⁷. گهیخ انجمن نویسندگان و ژورنالستان، چهارشنبه، حوت 25، 1400. /

یکی از گرفتاری‌های که موسیقی ما دارد و به شعر ما هم لطمه زده است، این است که خوانندگان ما شعر نمی‌دانند، آنها نمی‌دانند که چه شعری باید روی آهنگ بگذارند.²⁸

شعر سخن ادبی که بیان‌کننده‌ی عواطف و تحلیل‌گوینده است و با عناصری از قبیل وزن، قافیه و تصویر، شناخته می‌شود. سخنی زیبا و خوشایند که قابل عمل کردن نیست. در تعریف دیگر از شعر می‌خوانیم: شعر سخنی است دارای موسیقی و تأثیر، بنابراین مهمترین خاصیت شعر تأثیری است که بر آدمیان دارد و موسیقی و زیبایی یکی از عوامل مهم این تأثیرند و مراد از موسیقی، وزن و قافیه و تناسب حروف است، هر چه موسیقی شعر بیشتر باشد شعر عالی‌تر و تأثیرش بیشتر است و هر چه این موسیقی ضعیف‌تر باشد تأثیر شعر کمتر است.²⁹

قرآن کریم و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم هیچ‌گاه شعر را به معنی اصیل آن رد نکرده‌اند، به طور کلی شعر که بنیان آن تخیل است با قرآن که متکی بر حقایق الهی است در تضاد نیست و هر کدام در جایگاه خود قرار دارند. اما عناصری غیر از خود شعر از منظر اسلام ارزیابی قرار گرفته است که عمدتاً به مضمون شعر بر می‌گردد نه به خود شعر و هنر شاعری.

دین مبین اسلام برای ادبیات و شعر و ادباء و شعراء مقام خاص و ارجمند را قائل است و نویسندگان و شعراء را می‌ستاید و از شعراء و ادباء با تعبیر «امراء الکلام» یا می‌کند.

²⁸. موسیقی و ادبیات هیچگاه در تاریخ از یکدیگر جدا نبوده‌اند /

www.saba.honar.ac.ir

²⁹. انوری، صفحات 1386-1409 / <https://payandaneshjo.ir>

قرآن کریم هنری است که احساس به جمال و ذوق انسان دارد و شعر و ادبیات عنصر مهم آن است، قرآن کریم هنر و جمال و زینت و شعر و ادب را تأکید و تأیید میکند و انسان را متوجه جمال و زیبایی که خداوند خلق نموده می سازد و مسلمانان را قرآن کریم امر به استفاده از جمال ادبی و زینت می کند. بطور مثال در سورة النحل آیات (5 و 6) خداوند حیوانات را برای منفعت و خوردن توصیف می کند و می فرماید: ولکم فیها جمال.. و در آیه 8 همین سوره خداوند کلمه زینت و جمال را می آورد.

زینت یعنی، متعه جمالی و هنری و ادبی. در سورة اعراف آیه 31 می خوانیم: یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد... و قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق. ای فرزندان آدم بگیریید زینت خود را (یعنی لباس خود را) نزدیک هر نماز و بخورید و بیاشامید و از حد مگذرید هر آئینه خدا دوست نمیدارد از حد گذارندگان را.

خوردن و نوشیدن، برای ضرورت جسم و زینت ضرورت و حاجت برای وجدان است.

قرآن کریم معجزه جمالی است (در بلاغت، ادب، جمال صوت و آواز)، علماء می گویند شنیدن قرآن کریم تنها دین و عبادت نیست بلکه شنیدن قرآن کریم همچنان هنر و هنر جمال نیز است. قرآن کریم احساسات، شعور، عقل، عاطفه و قلب انسان را متوجه جمال و زیبایی ها در طبیعت می کند، جمال و زیبایی های طبیعت با چشم مشاهده می شود و اما جمال کلمات و صوت جمیل با گوش استماع می شود. ادبیات و هنر قرآن کریم عقل انسان را تازه و وجدان و روح انسان را زنده می سازد، اگر به روش و طریقه صحیح و سالم و دور از بدعت ها باشد.

هنر ادبیات در گفتار و قول (سخن). هنر شعر، نثر، مقام، قصه و سائر هنر هایی که ارتباط به این دسته از هنر است. مسلمانان شعر می گفتند و نبی الله صلی الله علیه و سلم شعر را استماع می کردند و لذت می بردند.

چقدر زیبا و قشنگ می فرمایند: «إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ سِحْرًا، وَإِنَّ مِنَ الشَّعْرِ حِكْمًا» ، «إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ حِكْمَةً» ، «و إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا». در بیان سحر است و در شعر حکمت.³⁰ اسلام به هنر، ادبیات و شعر و موسیقی توجه خاص دارد و هنر ادبی در صدر اول اسلام به مراتب عالی خود رسیده بود. هنر با تمام انواع و اقسام آن از نظر اسلام ثقافت و مدنیت است ، و در تاریخ اسلامی و غیر اسلامی هنر ضمن مدنیت اسلام مورد مطالعه قرار دارد.

هنر مانند علم است، اگر در خیر استفاده شود، نتیجه آن خیر است و اگر در شر استفاده شود نتیجه آن شر و فساد است. هنر در اصل و ذات خود، وسیله برای رسیدن به هدف و مقصد است، مقصد و هدف نتیجه نهائی هنر را می سازد ، اگر هدف از نشر هنر خیر و فلاح و مدنیت باشد، جواز دارد ، و اما اگر هدف و مقصد از هنر شر و فساد اخلاقی باشد بدون شک جواز ندارد.

وظیفه دولت اسلامی است تا زمینه های لازم را در راستای بهره مندی مناسب و مطلوب از انواع موسیقی و شعر و ادبیات بارعایت فرهنگ اسلامی آماده کند. هدف از هنر و موسیقی و سروده ها نشر فرهنگ و ثقافت و صلح و دوستی و مبارزه با فساد اخلاقی و فقر است. دولت مکلف است تا برای تأمین هنرمندان بودجه خاص داشته باشد تا هنرمندان با خاطر آرام به کار خود ادامه دهند. تأسیس انجمن شعر و ادبیات، موسیقی و برنامه مناسب

³⁰. فضل غنی مجددی ، هنر هایی زیبا ، مجله فقه اسلامی ، شماره یکصد و نود هفتم ،

جنوری 2014.

و خوب در راستای فعال سازی موسیقی محلی و متناسب با هویت و فرهنگ افغانی و اسلامی از وظائف عمده نظام سیاسی در اسلام است.

اسلام، هر نوع هنر، موسیقی، ادبیات و شعر که سبب نشر فساد و بداخلاقی در جامعه اسلامی شود منع و علیه آن مبارزه میکند. اشعاری که سبب نشر فتنه و فساد و اختلاف مذهبی و قومی و نژادی شود در دولت اسلامی اجازه نشر آن نیست. موسیقی و ساز و آوازی که سبب بداخلاقی و فحشات در جامعه اسلامی گردد اجازه نشر آن نمی باشد. در مجموع هر موسیقی و هنر و شعر که سبب نشر فتنه و فساد شود در جامعه اسلامی مکان ندارد و قابل پذیرش نمی باشد.

غناء و موسیقی در نظام اسلامی

هنر با تمام انواع و اقسام آن، نقش و دور مهم را در ساختار و بناء مدنیت یک ملت دارد، هنرچنانکه قبلاً اشاره شد، وجدان و احساسات داخلی انسان را می سازد. بناء تعمیرات و ساختمان ها (مساجد، قصور، مدارس و معابد) رسم، نقاشی، موسیقی، شعر سبب تقویت روابط اجتماعی بین افراد بشر با اختلاف زبان ها و فرهنگ ها می شود.

موسیقی نوع از انواع هنرها است که توجه و اهتمام به تألیف و توزیع الحان دارد. علم موسیقی مطالعه میکند مبادئ نغمه ها را از حیث توافق و اختلاف و به دو بخش تقسیم می شود:

1. علم تألیف که کیفیت نغمه ها را از چندین جهت مورد بررسی قرار می دهد.

2. علم ایقاع که به ساختار موجود بین زمان و سکون های وارد شده و نقره ها و نغمه ها می پردازد. علم ایقاع آن چنان مورد توجه نبوده و تنها حجم کوچکی از تألیفات را در برگرفته است و عملکرد نظریه به پردازان برای ارائه صورتی از این علم رضایت بخش نیست.³¹

میتوان موسیقی را بدین ترتیب تقسیم کرد:

موسیقی: نغمه ها - وزنها - مقامات - ایقاعات. (ایقاع: هماهنگی صداها و آهنگ ها و ارتباط آن در خواندن و نواختن است).³²

³¹. علم ایقاع چگونگی جا به جا شدن صداها در زمان های محدود و نسبت های معین، وزن موسیقی.

³². مفهوم - الغناء - ووردز / www.arwordshub.com

در مفهوم زبانی و لغوی موسیقی آمده: موسیقی هنر تکوین اصوات زیبا و جمیل که خوشی و سعادت را در انسان می آورد، و ادارک می شود از طریق الحان تألیف شده با نواختن آلات موسیقی.

محققین در هنر معماری باین نتیجه رسیده اند که موسیقی نقش برآورنده و مهم را در هنر معماری دارد و مهندسين ساختمانى از عصر قدیم تا عصر حاضر در تشکیلات هنری شان از تشکیلات هنر موسیقی استفاده می کنند. در آخرین بحث زیر عنوان رابطه بین هنر موسیقی و هنر هندسی می خوانیم: هنر ساختمانی و هنر موسیقی هر دو متأثر است با وضعیت اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و دینی هر جامعه و تعبیر کننده از فرهنگ ملل در مراحل مختلف تاریخ میباشد.³³

غناء: غناء صادر کردن آواز که شامل سه عنصر اساسی میباشد: موسیقی، کلمه و صوت. غناء شکل از اشکال طبیعی برای تعبیر که در تمام جوامع و فرهنگها در جهان وجود دارد.

در معجم الوسیط در تعریف غناء آمده: طرب، ترنم با کلام موزون همراه با موسیقی.

مدارس فلسفی، طریقه های تصوفی و ادیان سماوی و غیر سماوی، نقش فعال و مثبت را در پخش و استفاده از هنر در ایجاد و تقویت قاعده ملی و دعوت به آن داشتند و دارند. در بین مدارس فلسفی و ادیان غیر سماوی،

³³ . فی العالقة بین العمارة و الموسيقى ، نحو صياغة جديدة لمعالقة /

<https://fuje.journals.ekb.eg...PDF>

مطالعه ای این تحقیق برای محققین در رشته هنرهای زیبا و انجینران و مهندسين توصیه میشود.

ادیان سماوی خصوصاً اسلام و یهودیت و عیسویت که ریشه واحد و رابطه قوی با یکدیگر دارند مواقف مختلف را در قبول و رد هنر دارند، و پیروان ادیان سه گانه نظریات و آراء متفاوت را نسبت به هنر و استفاده از آن برای دعوت به دین دارند.

در بین ادیان سماوی، دین اسلام رابطه قوی به هنر و مدنیت دارد و در مراحل تاریخ علمای اسلام زحمات زیاد را در نشر هنر به اقسام مختلف آن کشیدند و مدنیت اروپا مدیون هنر اسلامی میباشد. در این اواخر علمای غرب به مقارنه با علمای جهان اسلام تحقیقات بیشتر در مورد هنرهای زیبا که موسیقی رکن از ارکان مهم آن است داشتند و تحقیقات علمای غیر اسلامی در عصر حاضر مرجع مهم برای محققین میباشد. دانشمندان غرب مدنیت اروپا را میراث مدنیت و هنر اسلامی می دانند.

هنر سرحد و حدود نمی شناسد، هنر میراث انسان است، هنر با تمام اقسام آن قبل از اسلام در جزیره العرب وجود داشت و باشندگان جزیره العرب از هنر خصوصاً هنر موسیقی استفاده می کردند و بعد از اسلام و ایجاد رابطه بین نژاد عرب و غیر عرب سبب آن شد تا هنر و موسیقی در دولت اسلامی قوت و عظمت بیشتر را کسب نماید. مسلمانان از هنر مصر قدیم، یونان، فارس، هند و چین اقتباس نمودند و هنرهای مختلف را با اضافات و زیادت و اصلاحات، هنر اسلامی ساختند.

در بین ادیان سماوی باقی ماند (یهودیت، عیسوی و اسلام)، اشتراکات در ساحت هنر موجود است، با مشترکات، اختلاف نیز وجود دارد خصوصاً آنچه به عقیده و روش عبادت ارتباط دارد. پیروان عیسویت و یهودیت نظر خوب به هنر نداشتند، عیسویت مردم را به ترک دنیا و زیبائی آن می نمود و هنر را از ملذات دنیا می دانست. در کتاب مقدس انجیل آمده که مردم باید

از لذت‌ها دور باشند و از جمال و زیبایی طبیعت و هنر استفاده نکنند و از جانب دیگر دعوت‌گران به دین عیسوی در عصرهای بعدی کوشش کردن از هنر و موسیقی برای دعوت استفاده کنند و مردم را به کلیسا بیاورند به عبارت دیگر هنر و موسیقی را در خدمت دین قرار دادند.

یهودیت هر نوع رابطه با موسیقی و هنر را رد می‌کند و در اصل یهودیت با هنر در تضاد است. یهودیان با این باور بودند که هنر و موسیقی قبل از یهودیت مردم را به بی‌دینی دعوت میکرد، در سفر الخروج در عقیده یهودیت هنر کاملاً حرام شده بود. هنر در عهد نبی الله داود و سلیمان علیهما السلام به کمک مردم مصر و فینیقی‌ها به اوج خود رسیده بود، و یهودیت با اینکه از حضرت داود و سلیمان پیروی می‌کردند لیکن با هنر مخالف بودند و حاضر نبودند در معابد از مجسمه و انواع هنرها استفاده شود.

موقف و نظر اسلام از هنر نسبت به ادیان دیگر متفاوت است، اسلام از هنرهای زیبا و موسیقی برای دعوت و عبادت استفاده نکرد مثلیکه ادیان غیر سماوی از آن استفاده کردند، عبادات در اسلام، کاملاً معنوی و روحی و قلبی بود و ممکن نبود با موسیقی اداء شود. با اینکه اسلام در عبادات دینی از هنر استفاده نکرد، هنر را نیز تقبیح و نفی ننمود و برای هنر قواعد علمی و ادبی و اخلاقی وضع کرد و در سایه اسلام هنر به اوج کمال رسید و هنرمند مقام ارجمند یافت. هنرهای زیبا در اعمار مساجد و قصور و مدارس بهترین نمونه از نقش مسلمانان در این ساحه به حساب می‌آید. سه عامل مهم در پیشرفت هنر اسلامی رول مهم را داشت:

1. اتحادیه‌های هنری.

2. حسبه.

3. اوقاف.

اتحادیه های هنری دور فعال در تقدم و پیشرفت هنر و صنعت هنری داشتند، هر صنف از اتحادیه، در رأس آن شیخ یا رئیس قرار داشت. حسب کار و رول هنرمندان و صنعت کاران را کنترل می نمود. اوقاف منابع مالی برای هنر بود.

اسلام هنر را احترام و تقدیر نمود و لیکن مانند عیسویت از هنر در دعوت و عبادت استفاده نکرد، و مانند یهودیت علیه هنر قیام ننمود و برای هنرمند آزادی کامل داد تا هنر را زیباتر و خواهشات نفسانی و روحی و معنوی را در هنر انعکاس دهد اما بشرطیکه هنر داخل دائرة اخلاق اسلام باقی ماند.³⁴

ادیان سماوی آمدند تا برای بشر زندگی با سعادت را در دنیا آماده کنند و بشر را اجازه دادند تا از زندگی لذت برد، و برای استفاده از ملذت دنیا قوانین وضع کردند، قوانین که بین روح و جسم توازن را حفظ کند.

اسلام سیر و مراحل تاریخ را در نشر عقیده و دعوت مراعات کرد، و تحولات اجتماعی و انسانی را در منع و جواز یک امر اعتبار داد. عصر اسلام، آغاز مدنیت جدید بود که به کلمه «اقرا»، که جوهر آن اخلاق، و نهایت آن تکامل بود شروع شد، اسلام در تمام امور از انسان تعادل و وسط بودن را خواست و پیامبر صلی الله علیه و سلم دین اسلام را دین وسط معرفی کرد. وسط و اعتدال در خوشی، تبسم با میزان، حزن و سرور به میزان، ناامیدی و امیدواری با میزان، طعام و نوشیدن و لذت بردن جنسی حلال با میزان.

قوانین اسلام در تمام امور زندگانی وسطی بود، اسلام در تدوین قوانین و امر و نهی طبیعت بشر را مراعات و غریزه انسانی را تنظیم و احترام کرد و

³⁴. محمد مرزوت، الإسلام و الفنون الجميلة، الهيئة المصرية العامة، العربية الجديدة 2015، مارچ 2022.

علیه خواهشات نفسانی معقول مبارزه نکرد و قیودات و زنجیرهای که در اطراف انسان کشیده شده بود برداشت و طبیات را حلال و خبائث را حرام ساخت و اعتدال را جواز و اسراف را غیر جواز دانست.

«کلوا و اشربوا و لا تسرفوا» (اعراف: 31) ، از نعمت های الهی بخورید و بیاشامید ، ولی اسراف نکنید.

«یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا زینة الله التي أخرج لعبادة و الطبیات من الرزق». (اعراف: 32) ، بگو: چه کسی زینت های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟

«و ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (الحج: 78). در دین بر شما سختی قرار نداده است.

آیات مبارکات همه دعوت به اعتدال و وسط بودن در تمام امور زندگی میکند ، زینت کلمه عام است و شامل تمام زینت ها می شود و طبیات یعنی خوبی ها نیز مانند زینت شامل تمام اشیاء پاکیزه و خوب می باشد. قرآن کریم مسلمانان را امر و دعوت به استفاده و لذت بردن از اشیاء پاکیزه و طیب و زینت البته با اعتدال می کند و اسراف را در تمام امور زندگی منع می کند.

قصه ای صحابی بارسول اکرم صلی الله علیه وسلم بهترین مثال از خوشحالی و سرور برای انسان است . در حالیکه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم علامات منافق را شرح می نمودند ، حنظله گفت: یا رسول الله من منافقم؟ رسول الله گفت: به چه دلیل یا چرا؟ حنظله جواب داد: زمانیکه با شما و در مجلس شما هستم دوزخ و جنت را یاد می کنم مثلیکه با چشمانم می بینم و زمانیکه از مجلس شما دور می شوم و با خانواده و اطفال مشغول می باشم طور دیگر می باشم. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: ساعة ، ساعة

یعنی یا حنظله یک ساعت اینطور و یک ساعت آنطور. باین معنی که لهُو و تفریح جزء از زندگی انسان است و انسان در زندگی به آن ضرورت دارد و مبادئ اسلام آسانی و رفع مشقت و آوردن سرور در نفس انسان را مد نظر دارد. دیالوک بین رسول اکرم صلی الله علیه و سلم با حنظله نشان دهنده نقش خوشی و سرور و تفریح در زندگی اجتماعی مسلمانان است، اسلام تفریح و خوشگذرانی را تأیید و جزء از زندگی برای انسان میداند.

در توجیهات رسول الله صلی الله علیه و سلم برای حنظله، بهترین دلیل برای رعایت ضرورت‌ها و احتیاج انسان به تفریح و ساعتی مییابد. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ضرورت‌های انسانی اصحاب و مسلمانان را میدانست و حیات روحی و معنوی و خواهشات روانی مردم را احترام می‌کردند.

اسلام در اوقات معین نمازهای نفل و در بعض روزها گرفتن روزه نفل را منع می‌کند، علت منع دادن وقت و فرصت برای تفریح و خوشگذرانی است. بازی کردن با اطفال و خانواده، اسب سواری، آب بازی همه در جمله لهُو و لعب و برای تفریح و از جمله اسباب راحت برای انسان مؤمن مییابد.

«روحوا عن قلوبک ساعة بعد ساعة» ساعت به ساعت از دلت دور شو، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «قتل المتنطعون، إن هذا الدین یسر» متشدین یا کسانی که غلو می‌نمایند نابود شدند، این دین آسانی است، یا این دلیل آسانی در دین است. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از تشدد و غلو در دین و امور زندگی منع فرمودند.³⁵ اسلام اکثر مناسک و حدود و قوانین

³⁵. فضل غنی مجددی، غلو و افراط گرایی از نظر فرهنگ اسلامی و غرب مسیحی، از نشرات فقه اسلامی، امریکا، نو فمبر 2011، صفحات 133 و بعد از آن.

ادیان سماوی را با تعدیلات به جامعه جدید مدنی مطابق عصر و زمان پیشکش نمود و جامعه انسانی را از بدویت به عهد جدید مدنی رسانید.³⁶

غناء و موسیقی در صدر اسلام

قبل از اینکه موضوع غناء و موسیقی در صدر اسلام بحث شود، لازم دیده می شود تا بطور خلاصه صدر اسلام از ناحیه تاریخی مطالعه شود.

صدر اسلام از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم، (ظهور اسلام) سال 610 میلادی آغاز، و عصر خلفاء الراشدین را شامل و به قیام دولت اموی سال 41 هجری ختم می شود. در این عصر زنان نقش برآورده را با مردان در میدان ادب و شعر داشتند، در بین طبقه زنان شاعران بزرگ که در فصاحت زبان هیچ مردی با ایشان برابری کرده نمی توانست ظهور کردند و میتوان بصورت فشرده از تعداد زنان در ساحه ای ادب یاد کرد:

الخنساء: الخنساء در ادبیات و شعر و خطابه علامه زمان و عصر خود بود. روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم شعر الخنساء را می پسندید و به اشعار او استناد می نمود.

اروی بنت الحارث: اروی بنت الحارث در مقدمه شعراء بود. روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: ما يمنع القوم الذین نصر و رسول الله سلاحهم أن ینصروه بألستهم؟ چه چیز مانع می شود قومی را که رسول الله را به اسلحه شان نصرت دادند، به زبان شان نصرت دهند؟ به دعوت رسول اکرم ده ها شاعر و بیشتر شان از زنان حاضر شدند رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و مسلمانان را با استفاده از اسلحه شعر و ادبیات نصرت دهند، مانند میمونه بنت عبد الله، صفیه بنت عبد المطلب، هند بنت أثاثه، و اروی بنت

³⁶. الموسیقی والأدیان / www.maghress.com>tetouan

الحارث بن عبدالمطلب زینب بنت العوام بن خویلد خواهرالزبیر 487 و دیگران. تاریخ فرهنگ و ادبیات صدر اول اسلام اشعار، شعراء را تا امروز ثبت دارد.

عدهٔ باین باوراند که شعر و ادب عربی و هنر در این عصر نظر به مشغولیت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و ادباء و شعراء به دعوت و جهاد ضعیف شد، درحقیقت حرکت شعر و ادب و هنر در این عصر بامشغولیت های صحابه و مسلمانان توقف نکرد. اسلام در تهذیب شعر و هنر و غزل و هجاء سهم مهم را گرفت و مسلمانان با حفظ هنر و ادبیات عصر جاهلیت، هنر اسلامی را بیشتر تقویت و زیباتر ساختند.³⁷

عصر دولت اموی

عصر اموی از آغاز خلافت معاویه سال 41 هجری شروع و تا 132 هجری ادامه داشت و به قیام دولت عباسی سقوط کرد. در این عصر اشعار سیاسی به سبب اختلافات سیاسی بین احزاب سیاسی در موضوع خلافت شروع و به اوج کمال رسید و تأثیرات منفی را بالای ادبیات شعری هنر و موسیقی بجا گذاشت. خلفای اموی از شاعران برای مقاصد سیاسی سود می بردند و در برابر این خدمات، شاعران را در کار خود، آزاد می گذاشتند و شاعران، اشعار عاشقانه را بیشتر می سراییدند. اسلام غزل اباحی را که در ایام جاهلی رواج داشت محدود کرد، اما در عصر امویان و پس از آن عصر اول عباسی، غزل عربی، به عنوان قابل توجه مطرح بوده است. در این عصر غزل اباحی

³⁷. شوقی ضیف، تاریخ الأدب العربی، العصر الإسلامی، دارالمعارف، مصر، صفحه 42.

احیاء شد و شاعر با گستاخی تمام، آنچه را که در دل دارد، در کالبد شعری ریزد و بدون هیچ پوششی سخن می گوید.³⁸

در این عصر دو نوع غزل: یکی غزل العذری و دومی غزل صریح روی کار آمد و هنرمندان در موسیقی و غناء از نوع جدید غزل و شعر استفاده کردند.³⁹

عصر خلافت دوم اموی در اندلس (اسپانیا)

نقل مدنیت اسلامی به قاره اروپا

مدنیت اسلامی که هنر و موسیقی یکی از ارکان آن بشمار می آید از سه طریق به اروپا انتقال یافت: از طریق جنگهای صلیبی، از جزیره سیسیلی در ایتالیا، و اندلس (اسپانیا).

در عصر خلافت دوم اموی در اندلس، هنرها بطور عموم به اوج خود رسید. هنر معماری، موسیقی، علمی از اندلس به اروپا انتقال کرد. پوهنتون ها، قصرها و شفاخانه ها و مساجد در اسپانیا تا امروز شاهد مدنیت اسلام در اروپا میباشد.

³⁸ مجله هنری، غزل - اباحی - mawdoo3.com / cafecatharsis.ir

³⁹ غزل عذری در بادیه رایج داشت، در این نوع غزل، نوعی عفت و پاکبازی رعایت می شد و چون در قبیله بنی عذره که در بادیه حجاز می زیستند، بیشتر این نوع از عشق رواج داشت، غزل عذری منسوب به قبیله آنان شهرت یافت. از ویژگی های غزل صدق عاطفه، پاکی عبارات و کوتاهی قطعات شعری است، این شاعران قصاید بلند کم تر سروده اند. غزل صریح: آن که هر چه در دل دارد آشکارا بیان می کند، به عبارت دیگر شاعر آنچه در دلش خور می کند بی پرده در شعر می آورد.

هنرموسیقی از بغداد به شمال آفریقا و از آنجا به اسپانیا راه یافت. خلفاء اموی توجه زیاد به هنر موسیقی داشتند و از استادان موسیقی پذیرائی و استقبال نمودند و برای تأسیس مدارس موسیقی سرمایه زیاد را اختصاص دادند.

ابوالحسن علی بن نافع، زریاب، در سال 161 هجری/777 میلادی از خانواده کردی فارسی در بغداد تولد یافت. زریاب هنرموسیقی را در مدرسه ابراهیم الموصلی آموخت. عصر هارون الرشید، عصر علوم و هنر بود. مدیر موسیقی در اندلس «رینالدو مانزانو» می گوید که بغداد در عصر هارون الرشید معهد مدنیت و هنر موسیقی بود، رینالدو و اذالف لیل و لیل و بیت الحکمه یاد میکند. کتب یونانی در بیت الحکمه بزبان عربی ترجمه شد و ارقام هندی از طریق الخوارزمی داخل حساب عربی گردید.

زریاب بغداد را به صوب قرطبه ترک کرد و خلیفه اموی عبدالرحمن دوم از زریاب استقبال کرد. زریاب عرش موسیقی شرق و غرب را جلوس نمود و اولین مدرسه موسیقی را در اروپا تأسیس کرد.

زریاب تغییرات زیاد را در آلات موسیقی بوجود آورد و درعود تاریخم را اضافه کرد.

زریاب در هنرموسیقی توجه خاص به هنرمندان زن داشت، به فضل زریاب زنان مرکز ممتاز را در جامعه هنری یافتند. مؤرخ ابن حیان القرطبی در کتابش «المقتبس فی تاریخ الأندلس» اسم 50 زن هنرمند را می آورد، معروفترین شان «غزلان و هنیده» بودند.

دکتور «مانویلا کورتس» می گوید که زریاب معارف افلاطونی جدید و موسیقی را یکجا کرد و تأثیرات آنرا بالای جسم انسان معرفی نمود.

مانویلا کورتس اضافه میکند که در عصر زریاب قصائد از کتاب الأغانی، اصفهانی خوانده میشد.

زریاب موسیقی عربی اسلامی را تجدید کرد و در تاریخ هنر و ادبیات زریاب به عنوان مجدد هنر و موسیقی یاد شده.

زریاب امتیازات مادی و معنوی زیاد از طرف خلیفه عبدالرحمن دوم دریافت کرد. خلیفه او را اجازه تأسیس مدرسه موسیقی از سرمایه خلافت داد. ابن حیان در کتابش «المقتبس» می نویسد که خلیفه دروازه مخصوص در قصر برای زریاب ساخت. شاگردان مدرسه زریاب، تهداب موسیقی اروپا را گذاشتند و تاریخ مدنیت اروپا مدیون هنر زریاب است. زریاب در سال 857 میلادی وفات کرد. قبل از وفات بنام سرتاج موسیقی اروپا شناخته شد. هیچ خیابان در غرناطه، قرطبه، اشبیله در اسپانیا نیست که لوحه بنام زریاب در آن نباشد.⁴⁰

عصر عباسی

عصر عباسی از سقوط دولت اموی سال 132 هجری تا سقوط دولت عباسی بدست تاتار در سال 656 هجری است. عصر عباسی، عصر تقدم نهضت فرهنگ و ثقافت اسلامی میباشد. در این عصر ادبیات و هنر عربی به هنر فارسی متأثر گردید و هنرمندان و ادباء عرب سعی نمودند تا جوهر هنر اسلامی عربی خالص را قدر امکان حفظ کنند. موسیقی و آواز نیز در این عصر شکل و مضمون دیگر را بخود گرفت و هنر موسیقی و غناء غیر عربی داخل غناء و موسیقی عربی گردید.⁴¹ در این عصر انواع جدید از شعر و غزل

⁴⁰. فلم وثائقی، الجزیره عربی، 14 جون 2022

⁴¹. حنا الفاخوری، الجامع فی تاریخ الأدب العربی، الأدب القدیم، صفحه 385.

روی کار آمد و شعر و موسیقی و غناء عربی به موضوعات جدید توجه بیشتر کرد مثل: شعر التهانى، شعر التعليمى، شعر الزهد و التصوف و شعر لهُو و جنون و غیره.⁴²

هنر، غناء، شعر و آلات موسیقی، جزء از حیات اجتماعی و ثقافتی مردم مکه و مدینه منوره بود. غناء، موسیقی و شعر، علامه بارز از لهُو و لعب و وسیله تفریح در آغاز نزول وحی در این دو شهر به حساب می آمد. اسلام همانطوری که حیات اجتماعی و فرهنگی مردم را تنظیم کرد، موسیقی و غناء را نیز اصلاح نمود تا معادل احکام اسلام و داخل دایره اخلاق و آداب عمومی جامعه باشد. محققین افغان در تحقیقات خود تاریخ فرهنگ و هنر و حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه مکه و مدینه قبل از اسلام را بحث نکردند. محققین جوان افغانستان از خوف و ترس نتوانستند این ساحه مهم اجتماعی را برانزده سازند، اما حال وقت آن رسیده تا حقایق جامعه صدر اسلام را تحقیق و حیات اجتماعی و فرهنگی مکه و مدینه را در عصر اول اسلامی خصوصاً آنچه ارتباط به تفریح و ساعتی و خوشگذرانی دارد روشن ساخت.

در این اواخر، غناء و موسیقی در جزیره العرب بصورت عموم، و در منطقه حجاز خاصتاً و خصوصاً در شهر مکه و مدینه، مورد اهتمام دانشمندان و مؤرخین که تاریخ فرهنگ و هنر را بررسی می کنند قرار گرفته است. در بین مؤرخین و دانشمندان اسلام، الأصفهانی زندگی اجتماعی و هنری مردم مکه و مدینه قبل از اسلام و عصر اول اسلامی را در کتاب معروفش بنام «الأغانى»

⁴². دکتور راضیه لرقم، النص الادبی القديم - شعر، وزارة التعليم العالی و البحث العلمی، جامعة الإخوة - قسنطینة، الجزائر 2020. این اثر معتبر علمی را در سایت LARKEM- RADIA.PDF مطالعه فرماید. تهانی: بهترین آرزوها.

بحث مفصل کرد. ابن عبدربه در کتاب معروف خود بنام «العقد الفريد» فصل مستقل از غناء در صدر اسلام دارد، او اختلاف علماء را در مسأله فقهی نیز بحث نمود. همچنان الطبری در کتاب «تاریخ الطبری تاریخ الرسل و الملوك» و المسعودی در کتاب «التنبیه و الإشراف»، و السیوطی در کتاب «المزهر فی علوم اللغة» و ابن خلدون در کتاب «المقدمه» حیات فرهنگی و هنر موسیقی صدر اول اسلام را تحقیق و بحث کردند.

اکثر علماء و فقهاء از قرن اول اسلامی تا عصر حاضر بیشتر در جواز و عدم جواز، به عبارت دیگر در حلال و حرام بودن موسیقی و غناء، خصوصاً اگر آواز خوان زن باشد بیشتر بحث داشتند و عدۀ از فقهاء غناء و موسیقی را حرمت و عدۀ دیگر مباح دانستند که در فصل اخیر نظریات و آراء فقهاء را در این باب به بحث خواهیم گرفت.

هنر موسیقی در مکه مکرمه قبل از رسالت موجود بود، اکثر هنرمندان از طبقۀ ذکور و نسوان از جمله غلامان و کنیزان بودند. عموماً از موسیقی و آواز در مجالس شراب و منکرات و در جنگها استفاده می شد. در مکه قبل از هجرت، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نتوانست این عادت زشت را اصلاح کند. اما در مدینه منوره که مسلمانان استقلال عمل را بدست گرفتند، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در اصلاح آنچه خلاف عقیده اسلام بود اقدام نمودند.

موسیقی و هنر در عصر رسالت، ابتدائی بود و تعداد خوانندگان محدود و انگشت شمار بودند، آلات موسیقی محلی بود، موسیقی و هنر در مکه و مدینه متأثر به هنر خارجی نبود. انصار در مدینه منوره علاقه به موسیقی خصوصاً در مناسبت های خوشی بیشتر از مهاجرین داشتند و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در دعوت به عرف و علاقه مردم احترام داشتند.

در عصر اول اسلامی، موسیقی عربی دو نوع بود: موسیقی و غناء بادیه، موسیقی و غناء قریه و دهات. در ابتداء موسیقی و غناء عربی بدون وزن و ترتیب بود و آواز خوان اشعار، شعراء را بدون در نظر داشت و مراعات وزن و قافیه و همچنان در عدم مراعات موسیقی زمان اجراء می کرد. غناء بادیه به مقارنه با غناء قریه و دهات بسیط و ساده تر بود. نوازندگان در شهرهای بزرگ، علم موسیقی و روش غناء روم و فارس را داخل غناء و موسیقی عربی کردند، اما آلات موسیقی در عصر اول اسلامی ساده و بسیط و محلی بود.⁴³

غناء و موسیقی در جزیره العرب بصورت عام و منطقه حجاز (مکه مکرمه و مدینه منوره) به صورت خاص، مورد اهتمام مؤرخین که تاریخ مدنیت و زندگی فرهنگی جامعه را بررسی و مطالعه می کردند بود. علامه اصفهانی در موسوعه معروفش «الأغانی» احوال و اخبار آواز خوانان زن و مرد را با شواهد و روایات ثبت کرد. ابن عبدربه در کتابش بنام «العقد الفرید» فصل مستقل در مسأله غناء و اختلاف مردم دارد. او در تحقیق خود اخبار غناء را در صدر اسلام مورد مطالعه قرار داد و دیگران مطالعات و تحقیقات علمی در مورد موسیقی صدر اسلام دارند.

مطالعات معاصر در مورد موسیقی و غناء در صدر اسلام زیر عنوان «موسیقی در جزیره العرب» بالخصوص در مدینه منوره و مکه مکرمه از اهمیت زیاد برخوردار است. احمد تیمور باشا در کتاب اش «الموسیقی و غناء عند العرب»، خلیل مردم در کتاب اش «جمهرة المغنین»، محمد محمود سامی حافظ در کتاب اش «تاریخ الموسیقی و الغناء العربی» و دیگران. بحث های اکادمی

⁴³. عباس العزاوی، من تاریخ الموسیقی: الغناء العربی فی البوادی و الأریاف /

و جالب را در مورد غناء و موسیقی جزیره العرب دارند که مطالعه آن برای محققین در ساحت فرهنگ و ثقافت اسلامی حتمی و ضروری می باشد.

در نشرات انستوت تاریخ علوم عربی و اسلامی در فرانکفورت زیر عنوان مطالعات «دراسات فی الموسیقی الشرقیة» به نشر رسیده، در جلد اول آن تاریخ و نظریه و در جلد دوم آلات موسیقی شرقی معرفی شده است. و همچنان مجموعه از ثبت شده صوتی که از شرق شناس هولندی «سنوک» در کتابخانه پوهنتون لیدن (الأغنانی المکیة) در نیمه قرن نهم میلادی موجود است. همه این تحقیقات و مراجع هنر غناء و موسیقی را در عصور اول اسلامی و خصوصاً در مکه مکرمه و مدینه منوره و منطقه حجاز به بحث گرفته که قابل استفاده برای محققین جوان کشور می باشد.

غناء در عهد رسول اکرم صلی الله علیه و سلم

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم تغنی یعنی غناء را در خواندن قرآن کریم تشویق و ترغیب می کردند. روایات صحیح تاریخی است، زمانی که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم با سیدنا ابوبکر الصدیق به مدینه منوره موصلت کردند، مردان و زنان به استقبال شان خارج شهر مدینه برآمده و با خواندن اشعار و زدن دف از نبی الله استقبال نمودند و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در زدن دف مانع مردم نشدند.

امام بخاری و امام مسلم از عائشه رضی الله عنها روایت می کنند که گفت: ابوبکر داخل منزل شد، در آنوقت دو دختر انصار آواز می خواندند، ابوبکر گفت: مزار شیطان در بیت رسول الله؟ این حکایت در روز عید بود. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: یا ابوبکر برای هر قوم عید است و این عید ماست.

از حدیث مبارک نتیجه گرفته میشود که دو دختر بسن جوانی بودند یعنی جوان بودند ، اگر صغیر السن می بودند ، حضرت ابوبکر مخالفت نشان نمی داد. رسول اکرم صلی الله علیه خواندن دو دختر جوان را در حضور خود برای بی بی عائشه ممانعت نکرد.

همچنان به روایت عائشه رضی الله عنها که امام بخاری و مسلم آورده اند آمده: یکی از دختران انصار را عائشه رضی الله عنها عروسی کرد ، نبی الله گفت: « یا عائشه ! ما کان معکم من لهُو؟ فَإِنَّ الْأَنْصَارَ يَعْجِبُهُمُ اللَّهُو » ، ای عائشه بین شما لهُو نبود؟ انصار لهُو را دوست دارند. مقصد از لهُو آواز بود. احادیث که در موضوع هنر و موسیقی در کتب معتبر اسلامی آمده و علماء در مورد صحت و غیر صحت آن بحث نموده اند در بحث جواز و عدم جواز ، حرام و حلال بودن موسیقی و هنر بحث خواهیم کرد.

عصر رسالت و خلافت راشده خصوصاً عهد خلافت حضرت ابوبکر و عمر رضی الله عنهما با عصور ما بعد آن فرق و تفاوت کلی دارد. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بیشتر وقت را در بیان عقیده و توحید و ساختار نظام اسلامی و دولت گذشتاند و به همین ترتیب خلیفه اول و دوم مشغول تکمیل نظام اسلامی که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آنرا پایه گذاری کرده بود ، بودند و وقت کافی برای هنر و موسیقی نداشتند.

رأی و نظر کبار صحابه در مورد غناء و موسیقی

اول (موقف حضرت ابوبکر رضی الله عنه از غناء :

مدت خلافت حضرت ابوبکر رضی الله عنه (11- 13 هجری/ 632-634 میلادی) ، بسیار محدود و کم بود. در این مدت خلیفه مشغول حفظ نظام و

مبارزه با مخالفین اسلام و دولت اسلامی شد و وقت کافی برای مسائل دیگر پیدا نکرد.

در روایت صحیح که دو دختر در منزل بی بی عائشه آوزا می خواندند ، موقف حضرت ابوبکر را از آواز خوانی میتوان درک کرد. حضرت ابوبکر بشدت مخالفت کرد و گفت مزار شیطان در بیت رسول الله، اما بعد از اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم نظر و رأی ابوبکر را در مورد غناء اصلاح کرد، ابوبکر الصدیق نشست و استماع نمود. همچنان در روز وصول رسول الله صلی الله علیه وسلم به مدینه ، جوانان می خواندند و دف می زدند و ابوبکر الصدیق با رسول الله همراه بود و مانع نشد.

قابیل در تحقیق اش می آورد ، زمانیکه رسول الله صلی الله علیه و سلم از یکی از غزوات پیروزمندان برگشت، زن جوان سیاه رنگ آمد و گفت: یا رسول الله من نذر کرده بودم که اگر خداوند شما را سلامت به ما برگستاند ، دف می زنم و می خوانم، رسول الله برایش گفت: اگر نذر کرده بودی ، پس بزن و بخوان.

ابوبکر الصدیق رضی الله عنه نیز در این موقع حضور داشت و استماع کرد. از این روایات باین نتیجه میرسیم که حضرت ابوبکر در اول شدیداً با غناء و دف و آلات موسیقی مخالفت نشان می داد ، اما بعداً پذیرفت.

دوم: موقف حضرت عمر رضی الله عنه (13-23 هجری/ 634-644 میلادی) از موسیقی و غناء: عصر عمر رضی الله عنه، عصر فتوحات، حمایت سرحدات دولت و تطبیق قوانین بود ، عمر رضی الله عنه مانند ابوبکر الصدیق رضی الله عنه وقت و فرصت کافی در ایجاد هنر نداشت. از جانب دیگر دولت در عصر عمر رضی الله عنه منابع سرشار اقتصادی نداشت به عبارت دیگر منابع

دولت محدود و کم بود. هنر در جامعه فقیر و ناتوان رشد نمی کند، لذا ما ترقی و تعالی هنر را در مرحله اول مشاهده نمی کنیم.

حضرت عمر در تطبیق قوانین بشدت در تاریخ شهرت دارد و مسلمانان از رسیدن او به خلافت ترس داشتند، اما بعد از تولی خلافت و گرفتن مسئولیت روش عمر رضی الله عنه کاملاً تغییر کرد. میتوان روش و نظر خلیفه دوم را در استماع غناء و موسیقی از مطالعه روایات دانست.

السائب بن یزید می گوید: رباح برای ما آواز می خواند، در این اثناء عمر بن الخطاب داخل مجلس شد و گفت: این چه است؟ عبدالرحمن (یعنی بن عوف) جواب داد: در این چه مانع است یا عمر؟ ما وقت خود را خوش می گذاریم، عمر گفت: اگر می خواهید پس به شعر ضرار بن الخطاب شروع کنید. در مورد این روایت شیخ الجذیع می گوید صحت دارد.⁴⁴

ثابت است که عمر رضی الله عنه موسیقی را کراهیت نداشت، اما غناء و موسیقی زشت را نمی پسندید و آنرا منع می نمود. ابن القیه الهمزانی روایت میکند که عمر یک بار دید چند نفر غناء را با دف می خوانند و می گویند (لا یعفو الله عنه)، خداوند او را عفو نمی کند، عمر ایشان را منع کرد و با عصا زد.

عمر بن الخطاب رضی الله عنه غناء را با صوت و آواز جمیل دوست داشت. یکروز از نزدیک منازل یک قوم می گذشت، صدای بلند شنید و پرسید چه

⁴⁴. روایت کرده البیهقی (224/10)، ابن عساکر می گوید که سند آن صحیح است، احمد (1668)

خبر است؟ گفتند: عروسی است. عمر گفت چه شما را مانع شده است که با دف های خود بیرون نشوید. یعنی چرا با دایره یا دف های بیرون نمیشوید.

محمد قایل در کتابش لحنی را نسبت به عمر بن الخطاب میدهد، او از نوشته دکتور محمد أحمد الحنفی اقتباس می نماید. دکتور محمد در مقاله در مجله الموسیقیه سال 1923 ، عدد 12 به عنوان « عمر بن الخطاب فی الموسیقی ». در این تحقیق آمده که عمر رضی الله عنه ضد موسیقی و غناء نبود و اما غناء بی موزون و موسیقی فاسد را اجازه نمی داد.⁴⁵

از قول عمر روایت شده، که میگفت غناء زاد (احتیاج) مسافراست، (الغناء من زاد الراكب). می گویند که عمر آواز خوانی بنام (خوات) داشت که در وقت سفر آواز می خواند. عده ای باین باور اند که این قول عمر نیست و عده میگویند که قول عمر است و عمر خلاف شریعت چیزی نگفته به دلیل اینکه غناء چه در سفر و چه در غیر سفر مباح است.⁴⁶

ابن منظور در لسان عرب میگوید، عمر اجازه به ترنم یعنی غناء میداد.⁴⁷ تعداد از اهل حدیث این روایت را ضعیف می دانند و میگویند که از روایات ابن ابی شیبة والبیهقی از عمر است و سند آن ضعیف است. در سایت الکترونی

⁴⁵ www.albawabhnews.com / استاد الباز تحقیق محمد قایل را نقد کرده می نویسد: مؤرخین ذکر کرده اند که محمد قایل در این روایت اشتباه کرده است. لحن و علاقه به موسیقی را به عمر بن الخطاب نسبت داده ، در حالیکه نسبت دارد به عمر بن عبدالعزیز. عمر بن عبدالعزیز برای غناء لحن ساخته بود نه عمر بن الخطاب ، این به این معنی نیست که بین دین و موسیقی تناقض است. برای معلومات بیشتر به: الدستور ، سه شنبه 29 مارچ سال

2022 مراجعه شود. / www.dostor.org

⁴⁶ ibn-mahmoud.com

⁴⁷ aalkablani.com/showarticles-163-page51

الحديث زیر عنوان شرح و تخریج حدیث ذکر شده که عمر رضی الله عنه لحن را ساخت (ومن رأى عمر بن الخطاب عرف أنه خلق غناء للإسلام) ، از مصنف ابن ابی شیبة⁴⁸

در مورد حالت غناء عربی در عصر عمر بن الخطاب ، ابو الفرج الأصفهانی در کتاب اش «الأغاني» می نویسد: غناء عربی در زمان عمر بن الخطاب معروف نبود یعنی لحن و موسیقی خاص بنام لحن عربی نبود . در آغاز صدر اسلام لحن خوب در ترتیل قرآن و اذان و سرود شعر بود. و قدیمترین ضرب دف در وقت ظهور اسلام در مدینه منوره توسط جوانان بنی نجار بود. جوانان بنی نجار از رسول علیه الصلاة والسلام در وقت هجرت شان به مدینه «دف» می زدند و نشید می خواندند.⁴⁹

سوم) عهد حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه:

عصر حضرت عثمان رضی الله عنه ، عصر تحول اقتصادی و اجتماعی بود. در این عصر ساحت دولتی اسلامی بزرگتر شد ، امپراطوری فارس سقوط کرد و مسلمانان با ملت های دیگر تا سرحدات چین ارتباط پیدا کردند. در جبهه دیگر مسلمانان ، قوای روم شرقی را از شام و مصر اخراج کردند و بین دولت اسلامی و قاره افریقا خصوصاً شمال افریقا روابط مستقیم قائم شد. روابط مسلمانان با ملت های غیر عرب ، تنها روابط سیاسی و نظامی و اقتصادی نبود ، بلکه روابط فرهنگی و ثقافتی نیز بود. مسلمانان فرهنگ و ثقافت فارسی و هندی و رومانی را مطالعه کردند و با تغییرات بسیط داخل فرهنگ و ثقافت اسلامی نمودند و ثقافت اسلامی جدید را بوجود آوردند.

48. ارشیف الإسلام / islamarchive.cc

49. الغناء العربی فی عهد الخلفاء الراشدين / Yabeyrout.com

مردم عرب به مدنیت و فرهنگ و ثقافت کشورهای مغلوب، خصوصاً مدنیت فارسی و یونانی آشنا شدند، عرب ها با نزدیکی و همکاری با اسیران جنگی تحت تأثیر فرهنگ ملت های مغلوب رفتند. درمسأله موسیقی و غناء نظریه و فکر جدید دور از غلو و افراط و تفریط درجامعه روی کار آمد. در این زمان شعروادبیات به کمال رسید و عرب ها در مجلس هنر و ادب حضور و اشتراک کردند و در حضور داشتن در مجالس هنری و ادبی مانع شرعی ندیدند. حسان بن ثابت رضی الله عنه، آواز کنیز آزاد شده خود (شرین) را که یکی از معروف ترین آواز خوان عصر خود بود می شنید. تاریخ مدنیت و ثقافت، عصر حضرت عثمان رضی الله عنه را عصر آغاز مدنیت در نظام اسلامی می داند.

موسیقی و غناء در این عصر با مقارنه عصور ماقبل آن متغیر است. رفاء اقتصادی در ترویج و ارتقاء هنر نقش مهم را دارد. حضرت عثمان رضی الله عنه شخصیت آرام و صلح دوست بود، تاریخ شاهد است که عثمان رضی الله عنه آواز زنی که نذر کرده بود و در حضور رسول اکرم صلی الله علیه و سلم دایره میزد و آواز می خواند، استماع و مخالفت به آن نکرد. در زمان خلافت عثمان رضی الله عنه، هنرمندان فارس از طبقه ذکور و اناث به مدینه آمدند و مدارس هنری را تأسیس کردند.

چهارم) عصر امام علی کرم الله وجهه:

عصر امام علی کرم الله وجهه، همانطوریکه عصر فتنه و عدم استقرار در دولت اسلامی به حساب می آید، آغاز عصر جدید در تاریخ مدنیت اسلامی نیز بود. یکی از دلائل مهم نهضت ادبی و هنری، شوق و علاقه امام علی رضی الله عنه به شعر و هنر بود.

حضرت علی رضی الله عنه علاقه به شعر و هنر نسبت به دیگران بیشتر داشت ، ادبیات شعری در عهد او به اوج کمال رسید و هنرمندان از شعر جدید در سروده های شان استفاده کردند. در عهد امام علی رضی الله عنه ، نقل هنر فارسی و یونانی که از عهد ما قبل شروع شده بود تقویت بیشتری یافت.

در این عصر ادبیات و شعر و هنر به سبب جنگهای داخلی برای یک مدت توقف کرد ، و در عصر دولت اموی که شرقاً و غرباً توسعه یافت حرکت هنری و فرهنگی عصر امام علی احياء و تقویت بیشتر شد و خلفای اموی در تقویت هنر و موسیقی عصر امام علی رضی الله عنه زحمات زیاد کشیدند. الحان عربی در این عصر شکل و مضمون دیگری بخود گرفت و در غناء عربی الحان (الثقیل) الأول ، و (الثقیل) الثانی ، و خفیف الثقیل و الهزج و الرمل داخل شد.⁵⁰

در بین بزرگان صحابه بغیر از خلفاء راشدین تعداد زیادی بودند که به هنر و موسیقی علاقه داشتند مانند:

حضرت حمزة بن عبد المطلب رضی الله عنه: در صحیح مسلم (4/658) ، ثبت است که نزد حضرت حمزة آواز خوان بود و در مجلس او آواز می خواند.

عبد الله بن جعفر رضی الله عنه متوفی (80 هجری) : عبد الله رضی الله عنه برای جوارى خود (جاریه جمع آن الجاری ، دختر جوان ، دوشیزه ، خدمتگار) لحن موسیقی می ساخت. عبد الله بن جعفر بانواختن تار سروده های

⁵⁰. خیر الدین الزرکلی، الأعلام ، جزء 7 ، صفحه 223.

ثقیل: گرانبار ، که اکنون بدین تنگ غار اندری گریزان بسنگین حصار اندری الهزج: صوت رعد ، و همچنان از جمله آغانی که در آن ترنم میبشد. هزج در خواندنش ، یعنی ترنم ، طرب در خواندن.

دوشیزگان را استماع میکرد. مؤرخین می نویسند که عبدالله بن جعفر رضی الله عنه موسیقی و آواز را در زمان خلافت امام علی و معاویه رضی الله عنهما استماع می نمود و در آن عیب نمی دید.⁵¹ در عقد الفرید آمده که عبدالله بن جعفر در استماع غناء مانع نمی دید.

مؤرخ بزرگ ابوالفرج اصفهانی می نویسد که عبدالله بن جعفر رضی الله عنه نقش برازنده را در ترویج موسیقی صدر اسلام داشت تا جایی که نویسندگان هنر موسیقی و نوازندگان از او در موسیقی روایت می نمودند.⁵²

به استناد گزارش های متواتر گفته می شود که در سده اول هجری ، هیچ کس به اندازة عبدالله بن جعفر در تربیت موسیقی دانان- از طبقه زنان و مردان- حمایت نکرده بود ، و تعداد از نوازنده ها و سرودگران در حمایت و سایه او پرورش یافتند ، در قسمت معرفی نوازندگان و سرودگران در مورد آنها اشاره خواهیم داشت.

عبدالله بن زبیر غناء و موسیقی را بدون کدام مشکل استماع می کرد. روزی عبدالله بن عمر به مجلس او داخل شد و عود (تار) را دید و گفت: یا صاحب رسول الله این چه است؟ ابن الزبیر جواب داد: بواسطه آن عقل میزان می شود.⁵³

الحافظ بن حجر در کتابش بنام «الإصابة فی تمیز الصحابة» اسماء تعداد از آوازسریان را که در مدینه بودند می آورد مانند: أرنب المدینه المغنیه ، اسماء مغنیه عائشه، جميله المغنیه ، حمامه المغنیه از خدمتگاران انصار.

⁵¹. الشوکانی در رساله اش بنام «إبطال دعوی الإجماع علی تحریم مطلق السماع» ، ص 17.

⁵². ابو الفرج اصفهانی ، الأغانی ، جلد 3 ، صفحه 280.

⁵³. دکتور صلاح الراشد ، الغناء و الموسيقى - نظرات و مراجعات - صفحات 38- 45.

امام الشوکانی اسماء صحابه که غناء را استماع می کردند می آورد. او از عبدالله بن الزبیر (73 هجری/693 میلادی)، نام می گیرد و می نویسد عبدالله بن الزبیر آواز خوانان داشت که با زدن عود می خواندند همچنین از عبدالله بن ابی جعفر بن ابی طالب (80 هجری/700 میلادی) یاد میکند و می نویسد که عبدالله در آواز خواندن نسوان مانع نمی دید.

المواردی (450 هجری/1059 میلادی) نقل میکند که عمرو بن العاص (43 هجری/664 میلادی) و معاویه بن ابی سفیان (60 هجری/681 میلادی) نواختن عود را در منزل ابن جعفر استماع می کردند.⁵⁴

در کتب حدیث نبوی روایات از بعض صحابه شده که غناء را استماع می کردند. در کتاب (المستدرک علی الصحیحن) از امام محدث ابی عبدالله الحاکم النیساپوری (405 هجری/1015 میلادی) از عامر بن سعد (بن ابی وقاص ت 106 هجری/724 میلادی) آمده که گفت: داخل شدم در مجلسی که قرظہ بن کعب (الأنصاری ت 37 هجری/658 میلادی) و ابی مسعود الأنصاری (عقبه بن عمرو ت 42 هجری/663 میلادی) رضی الله عنهما در عرس حضور داشتند و غلامان آواز می خواندند.

گفتم شما اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم و از اهل بدر این فعل را انجام میدہید؟ گفتند: اگر میخواستیم بنشیند با ما و اگر میخواہید برخیزید و مجلس را ترک کنید، برای ما در عرس شرعاً لہو رخصت است، یعنی اجازہ است. این حکایت را عامر بن سعد می کند و الذہبی در «السير» می آورد و امام الذہبی شخصیت مورد اعتماد و ثقہ بود.

⁵⁴. عود (ساز) ار رده سازهای زهی زخمه ای است که در خاور میانه و کشور های عربی و شمال آفریقا رواج دارد و با تار می باشد مانند ریاب نواخته می شود.

همچنان روایت شده ، بلال و عمرو بن أمیه الصمری در عروسی حضرت علی و فاطمه دف می زدند و هر دو از جمله صحابه بودند و همچنان حمزة بن یثیم با بلال در حضور نبی الله صلی الله علیه وسلم آواز خواند.

عصر تابعین و بعد از ایشان

تابعین و تبع تابعین و آنانکه بعد از ایشان آمدند ، روش گذشته گان را در مورد موسیقی و آواز تعقیب کردند و در مجالس غناء حضور یافتند. غناء در تاریخ صدر اول اسلام ، جزء از هنر و ادبیات بود . ابن خلدون می گوید غناء ارتباط به عدالت و مروت دارد. ابن خلدون نیز در باره هنر و مهارت موسیقی (صناعة الغناء) سخن گفته است و آن را از جنس تقطیع صوت می داند که می تواند در کلام و صوت انسان (مانند شعر) و نیز آلات موسیقی جاری گردد.⁵⁵

در ترجمه الذهبی در کتاب « تذهیب تهذیب الکمال فی اسماء الرجال » آمده که امام تابعی مفسر عکرمه البربری (ت 107 هجری/ 726 میلادی) ، از جمله غلامان آزاد شده ای عبدالله بن عباس (68 هجری/ 788 میلادی) غناء را استماع می کرد. همچنان در کتب التراجم و رجال الحدیث قصه آواز خوان زن (سلامة القس) با صاحب و محدث مکی از رجال حدیث در « صحیح » آمده و فقهای بزرگ تابعین از او روایات فقهی که در کتاب « الأم » از امام شافعی (ت 204 هجری/ 820 میلادی) آمده است کرده اند.

⁵⁵ . مختاری، غنا موسیقی ، رساله فی الغناء 1419 ، جلد 3 ، صفحات 2561-2569 .
Fa.wikipedia.org/ موسیقی در جهان اسلام.

تقطیع صوت: هجایند ، کوتاه گویی ، کوتاه گفتن ، تجزیه کردن شعر به اجزا و ارکان عروضی برای معین کردن موزون یا ناموزون بود شعر کنایه از: پیمودن. تجزیه کردن شعر به اجزای عروض و گذاردن هر جزء در برابر جزئی از افاعیل که در وزن با آن برابر باشد تا موزونی یا ناموزونی شعر آشکار شود.

مؤرخ بزرگ ابن الاثیر در کتاب « الکامل » از محدث عبدالرحمن بن ابی عمار القرشی (ت نحو 110 هجری/729 میلادی) روایت می کند که فقهی بزرگ و در تقوی معروف بود، خواندن دوشیزه جوان آزاد شده ای سلامه را استماع میکرد، قصه عاشق شدن فقیه بزرگ از کنیز آزاد شده در بین مردم مکه انتشار یافت و کتاب تاریخ و ادبیات آنرا حفظ نمود.

امام ومحدث المزی الشافعی (ت 742 هجری/1341 میلادی) ، در کتاب «تهذیب الکمال» از فقیه مدینه نبوی تابعی یعقوب بن ابی سلمه القرشی ملقب به الماجشون (ت 124 هجری/743 میلادی) یاد میکند و می نویسد که او آواز خوانی رایا دداشت و آواز خوان زنانه نیز داشت (الجواری المغنیات = القیان) داشت⁵⁶. و عروۃ بن الزبیر (ت 74 هجری/694 میلادی) و عمر بن عبدالعزیز (ت 101 هجری/720 میلادی) در مجلس او حضور می یافتند. المزی اضافه میکند: الماجشون اولین شخصی بود که علم و هنر غناء را از مردم المروءه در مدینه آموخت. در آن زمان علماء نه تنها موسیقی را استماع می کردند بلکه علم غناء و صنعت موسیقی را نیز می آموختند.

الذهبی از امام محدث الخطیب البغدادی (ت 463 هجری/1071 میلادی) در « تاریخ بغداد » می نویسد: ابراهیم بن سعد الزهری - اکثر مردم مدینه از او حدیث روایت کرده اند - ، در سال 184 هجری/800 میلادی به بغداد آمد و خلیفه هارون الرشید از او استقبال کرد. الرشید از او راجع به غناء پرسید ، او فتوا به حلال بودن آن داد. در نهایت مجلس الرشید (عود را برای ابراهیم بن سعد الزهری داد و سعد ابیات شاعر الغزلی عمر بن ابی ربیع المخرومی (ت 93 هجری/713 میلادی) را سرود.

⁵⁶. قینه / جمع قیان: کنیز، آواز خوان زن ، مشاط گر.

علم موسیقی در مدینه منوره بسرعت انتشار یافت و جوانان زیاد هنر موسیقی را آموختند، در بین آنها می توان از امام مالک بن انس (179 هجری/ 796 میلادی) که در سن طفولیت از استادان مدینه علم موسیقی را آموخت نامبرد.

در همین مورد امام ابو عبدالله القرطبی المالکی (ت 671 هجری/ 1272 میلادی) در «جامع لأحكام القرآن» در تفسیر آیه 6 سوره لقمان می گوید: ابن خویر منداد (ت 179 هجری/ 706 میلادی) گفت: مالک عالم در صناعت موسیقی بود و مذهب او موسیقی را تحریم می کرد و گفت، مالک گفت: علم موسیقی را در سن جوانی آموختم، مادرم گفت: ای پسر این علم در جوانی صحیح است امام علوم دینی را تعلیم بگیر، پس شاگردی ربیعة (بن عبدالرحمن ت 136 هجری/ 754 میلادی) را کردم و خداوند خیر زیاد در آن گذاشت.

در قصه خلیفه هارون الرشید (ت 193 هجری/ 808 میلادی) با امام محدث و عالم در هنرالموسیقی ابراهیم بن سعد الزهری که قبلاً بدان اشاره شد آمده که الرشید از او پرسید: آیا راجع به مالک در مورد غناء چیزی شنیده اید؟ گفت: الزهری گفت: بخداوند نشنیده ام، مگر آنچه پدرم حکایت کرده در یک ولیمه در بنی یربوع جمع بودند، و در آن زمان همه از بزرگان، علماء بودند و مالک اقل علم و فقه نسبت به ایشان بود، با ایشان آلات موسیقی مانند (دف و معازف) بود و بدست مالک دف مربع شکل بود و غزلیات الحافظ الخطیب البغدادی را می خواند.

الجزیره نت، در مورد سهم علماء و فقهاء در ساحة هنر موسیقی تحقیق مفصل را به نشر سپرده بود، در این جا لازم دیده میشود یک قسمت آنرا که ارتباط به عنوان تحقیق دارد اقتباس کرد.

استعداد های هنری

در جمله علماء قرن دوم هجری - معاصر به امام مالک - که در ساحة غناء و هنر موسیقی بدرجات عالی رسیده بودند عبارت اند از: إسماعیل به جامع القرشی المکی (ت 192 هجری/ 807 میلادی) ، مؤرخ ابن تغری بردی (ت 874 هجری/ 1470 میلادی) ، درکتاش بنام « النجوم الزاهرة » می نویسد که إسماعیل حافظ قرآن کریم و حدیث بود و در غناء در زمانش مانند و مثال نداشت.

در قرن های بعدی، ابن حجر در کتابش «الدرر الکامن» والذهبی در مشیختش ، می نویسند که شرف الدین صالح بن محمد بن عربشاه الهمدانی (716 هجری/ 1316 میلادی) در هنر موسیقی و آواز خوانی استاد زمان خود بود.

الحافظ ابن حجر العسقلانی (ت 728 هجری/ 1448 میلادی) در « إنباء العمر » می گوید محدث حنبلی فخرالدین محمد بن احمد بن محبوب (792 هجری/ 1390 میلادی) از شاگردان شیخ الاسلام ابن تیمیه (ت 728 هجری/ 1228 میلادی) که محدث بزرگ و فقیه و مفتی و از جمله فضائل زمان اش بود ، هنر خیاطی ، نجاری، معماری، و موسیقی را داشت. ابن حجر اضافه میکند که موسیقی در جمله اهتمامات و مواهبه های خاص او بود.

تخصصات

اکثر فقهاء و محدثین از مذاهب مختلف در هنر موسیقی و غناء درایت و دست بالا داشتند ، در مقدمه همه آنها شاگردان امام مالک می آمدند. فقهاء و محدثین نه تنها در علم موسیقی دانش واسع داشتند ، همچنان در صناعت موسیقی و غناء نیز استاد بودند و تخصص داشتند. امام اسحاق بن ابراهیم الموصلی (ت 235 هجری/ 849 میلادی) یکی از شاگردان امام مالک فقهی

و محدث بود. امام الذهبی در «سیر أعلام النبلاء» او را موسیقار عظیم می داند. امام علامه الحافظ ذوالفنون با اینکه فقهی عظیم بود در هنر موسیقی، شعرو ادبیات نیز علامه و استاد زمان خود بود.

الذهبی از زندگانی علامه الموصلی حکایت کرده می نویسد که الموصلی گفت: مدت از عمر را بعد از فجر هر روز نزد هشیم (بن بشیر الواسطی ت 183 هجری/ 799 میلادی) ، محدث می رفتم ، بعد از آن نزد الکسانی (ت 189 هجری/ 805 میلادی) و یا الفراء (207 هجری/ 823 میلادی) حضور می یافتم و جزء از قرآن کریم را تعلیم می گرفتم، بعد از آن نزد ابی منصور زلزل (ت نحو 186 هجری/ 802 میلادی) حضور می یافتم و یک پارچه یا دو پارچه از لحن غناء را می آموختم ، بعد از آن نزد عاتکه بنت شهده (ت قبل 200 هجری/ 815 میلادی) و ابا عبیده (معمربن المثنی التیمی ت 207 هجری/ 822 میلادی) حضور می یافتم و از ایشان علوم ادبیات و لغت را درس می گرفتم.

در بین فقهاء مذهب شافعی ، که عالم به هنر موسیقی و غناء بودند میتوان از فقیه مشهور کمال الدین بن یونس الموصلی (ت 639 هجری/ 1241 میلادی) نامبرد. الذهبی تعداد از فقهاء و محدثین را ذکر میکند که در هنر موسیقی و غناء نیز به مقام استادی رسیده بودند. الذهبی می نویسد که ابن خلکان (قاضی القضاة و مؤرخ ت 681 هجری/ 1282 میلادی) گفت: شیخ ماکه فقهی و در علوم قرآن و حدیث استاد بود و منطق و علوم فلسفه، حساب، الجبر و موسیقی را نیز تمرین میکرد و در تمام علوم دانش و معرفت داشت، در جمله به علوم موسیقی.

السیوطی در «حسن المحاضر» از فقیه حنفی قیصر بن ابی القاسم ابن مساهر (ت 649 هجری/ 1251 میلادی) یاد میکند و می نویسد که این فقیه حنفی عالم به ریاضیات و انواع موسیقی بود.

از جمله علمای شافعی که در موسیقی اشتغال داشتند و در هنر موسیقی استاد بودند مهمترین شان قاضی مفتی فخرالدین عثمان بن الأنصاری (ت 717 هجری/ 1317 میلادی) بود. او قاضی در شهر قوص جنوبی مصر بود. فخرالدین مفتی و فقهی همچنان در ادبیات و هنر موسیقی استاد زمان خود بود. ابن حجر در «الدرر الکامنه» می آورد که شمس الدین احمد بن یحیی البکری (ت 741 هجری/ 1340 میلادی) فقیه و عالم به هنر موسیقی و خط بود.

فقهاء مذهب حنبلی، استماع و استفاده از موسیقی را منع میکردند، اما از قرن هشتم هجری / 14 میلادی خصوصاً بعد از حرکت حیائی مدرسه ابن تیمیه این موقف تغییر میکند. فقهاء مذهب حنبلی از عدم جواز موسیقی بیرون شده و در موسیقی تخصص گرفتند و از آن استفاده کردند و در هنر موسیقی تألیفات داشتند. ابن محبوب از فقیه حنبلی محمد بن حنکلی (ت 741 هجری/ 1340 میلادی) یاد میکند و می گوید که این فقیه بزرگ حنبلی در علوم ادبیات عربی و موسیقی و شطرنج و نرد استاد بود و در صدقه برای طلاب علم و فقراء مانند و مثال نداشت.

الصفدی در «الوافی بالوفیات» از شیخ حنبلی بنام شمس الدین ابن بکر البغدادی (763 هجری/ 1362 میلادی) یاد میکند و می نویسد که این امام حنبلی، امام عصر خود در علم موسیقی بود.

در قرن نهم هجری / پانزده میلادی ، امام بزرگ حنفی کمال بن الهمام (ت 861 هجری / 1457 میلادی) ، که همه اتفاق دارند که او بزرگترین عالم در فقه حنفی بود. او در پهلوی علم و فتوا و شریعت و ادبیات صناعت موسیقی را نیز میدانست و در هنر و صناعت موسیقی استاد بود.

السیوطی در کتاب « بغية الوعاة » از امام ابن الهمام یاد میکند و می نویسد که او در علوم ادبیات عربی و تصوف و قراءات .. استاد بود ، و حدیث را از الجمال الحنبلی درس گرفت و در بین دانشمندان در نشر علوم و در بین مردم ستاره درخشان بود. ابن الهمام علامه در فقه و اصول و نحو و تفسیر و معانی البیان و تصوف و موسیقی بود.

مؤرخ الجبرتی (ت 1240 هجری / 1825 میلادی) در «عجائب الآثار» تعداد از فقهای مذاهب مختلف که در هنر موسیقی علم داشتند می آورد ، او اسم فقیه بزرگ حنفی حسن افندی ابن حسن الضیائی المصری (ت 1180 هجری/ 1794 میلادی) را نام میگیرد و می گوید که الضائی المصری شیخ و عالم بزرگ بود و در علوم موسیقی معرفت کامل داشت. الجبرتی از جمله فقهاء مذهب شافعی و محدث بزرگ محمد بن شاهین الأزهری (ت 1188 هجری/ 1902 میلادی) یاد می کند و می گوید که او در اکثر علوم و حدیث نبوی بحر زمان بود و به اصول موسیقی معرفت کامل داشت.

در بین جماعت قراء تعداد زیادی بودند که در موسیقی علم کامل داشتند ، مؤرخین اسماء و صفات تعداد از این گروه را می آورند. واعظین مانند فقهاء و قراء در صنعت موسیقی و اناشید دست بالا داشتند و در مجالس صوفیان موسیقی و نشید بود.

در خانواده تصوف اسلامی، تعداد کثیری از متصوفین و واعظین با تمام تقوی و زهدی که داشتند، موسیقی و نشید را نیز استماع میکردند. امام الغزالی در کتابش إحياء علوم الدين، باب مستقل بنام «السماع والوجد» دارد. أهل تصوف با نوازندگان بزرگ رابطه مستقیم و محکم داشتند و اناشید را بدقت استماع می نمودند. موسیقار المبارک بن الأعز التوشی (ت 583 هجری/ 1187 میلادی) که در عصرش آواز خوان بغداد بود و ریاست نوازندگان رابعه ده داشت در باب موسیقی تصانیف زیاد داشت، مؤرخ الذهبی در «تاریخ الإسلام» از مؤلفات او یاد میکند.

ابن حجرمی نویسد صوفی عارف بن محمد العجمی القاهری (780 هجری/ 1378 میلادی) عالم به هنر موسیقی بود و ریاست انجمن موسیقی را بعهد ده داشت. از جمله متصوفین متأخرین الجبرتی از فقیه حنفی شیخ إسمعیل أفندی بن خلیل الظهوری المصری (ت 1211 هجری/ 1707 میلادی) یاد میکند و می گوید که انسان شریف و قانع بود و معرفت کامل به علم موسیقی و الحان و نواختن عود داشت و اشعار و قصیده ها را ترتیب می نمود.⁵⁷

نشأت هنر موسیقی و غناء در جامعه اسلامی

تاریخ نشأت غناء و موسیقی اسلامی عربی از نصف اول قرن هجری در مکه و مدینه آغاز می شود، اسحاق الموصلی، حافظ و نگهبان و حمایت کننده میراث و گنجینه هنر موسیقی و غناء در تاریخ فرهنگ و هنر اسلامی به شمار می آید، او سعی کرد تا هنر موسیقی را حفظ کند. هنر غناء در عصر اموی با

⁵⁷. محمد الصیاد، الجزيرة نت، جنوری 2022/

یکجا شدن به روش جدید ، شکل و مضمون جدید را بخود گرفت و در عصر خلافت عباسی به درجه اکمال یا تکامل رسید.

هنر غناء و موسیقی عربی از هنر فارس و روم استفاده و اقتباس کرد و هنرمندان عرب استعمال و استفاده آلات موسیقی خصوصاً نواختن عود را از هنرمندان فارس و روم آموختند و آلات موسیقی جدید را هنرمندان مکه و مدینه ، با وزن و ذوق و اشعار عربی یکجا و هنر جدید را بنام هنر عربی اسلامی تأسیس کردند.

حضرت معاویه بن ابی سفیان ، کارگران را از فارس و روم برای تعمیر منزل خود به مکه آورد ، بعداً عبد الله بن الزبیر در زمان حکومتداری اش از کارگران فارس و روم در تعمیر دیوارهای کعبه که در اثر حریق منهدم شده بود استفاده کرد. در خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه کارگران فارس و روم در تعمیر پایتخت جدید سهم فعال گرفتند. کارگران در جریان کار آواز می خواندند و مردم عرب هنر آواز خوانی و موسیقی را از آنها آموختند و از آلات و لحن جدید در ساختار موسیقی عربی استفاده و مدرسه ای بزرگ موسیقی را تأسیس کردند که نسل های بعدی تا عصر حاضر از آن بهره بردند.

هنر موسیقی در جریان چهل سال اول قرن هجری تکوین و تکمیل شد ، و الحان دوره ای اموی به عصر عباسی انتقال کرد ، در عصر عباسی الحان و علم موسیقی برای اولین بار نوشته شد و نوت های موسیقی ترتیب گردید. فضل اول در تدوین کتاب موسیقی به اسحاق الموصلی میرسد. ابوالفرج الأصفانی در کتابش « الأغانی » الموصلی را زعیم و امام و معلم صناعت موسیقی می داند ، الموصلی در صناعت موسیقی و غناء سعی و کوشش کرد تا روش هنری عصر اموی را حفظ کند. الموصلی هنر موسیقی را از پدرش به

ارث برد و بعد از وفات پدر بحیث استاد موسیقی بر کرسی استادی جلوس کرد.

به کوشش اسحاق الموصلی، غناء تدوین و بصورت کتاب درآمد. خلیفه المأمون در مورد الموصلی می گوید: الموصلی دیندار ترو عالم ترو با عفت تراز بزرگان قضا و علماء بود، او می گوید اگر شهرت او در غناء نمی بود بحیث قاضی نظر به عدالت خواهی اش تعیین می شد. در مجلس خلفاء الموصلی با علماء و فقهاء و نوازندگان و خوانندگان داخل می شد و در مقدمه آنانکه داخل مجلس میشد می بود.

زریاب در قرطبه (اندلس) در حضور شاهان اندلس الحان نوازندگان و هنر مندان مکه و مدینه و بغداد را می خواند.

خلیفه اموی عمر بن عبدالعزیز در جوانی غناء را دوست داشت، او الحان را نوشت، همچنان الولید بن یزید الحان معروف را تحریر کرد، الولید نواختن آلات موسیقی مانند عود و طبل و دف را با الحان غناء یکجا ساخت و بهترین الحان موسیقی را نوشت. در عصر اموی اولین کتاب در الحان و موسیقی تألیف شد. اصوات و نغمه ها از تألیف یونس کاتب بود.

تاریخ اسلامی حکایت میکند که علیة بنت خلیفه المهدی شهرت زیاد در ساختن الحان و غناء داشت. مشهورترین ابناء خلفاء در الحان ابو عیسی احمد بن الرشید بود. خلیفه الواثق معروفترین مؤلف الحان و بهترین آواز خوان عصر خود بود، الموصلی در مورد او می گوید واثق عالم ترین خلفاء در غناء و نواختن عود بود.

بعد از انحطاط وضعف دولت اسلامی، دعوت به تحریم غناء در عصر ممالیک و عثمانی روی کار آمد. چنانکه مؤرخین می گویند بعد از سقوط

دولت عباسی و قیام دولت ممالیک و عثمانی دعوت به حرمت موسیقی در اثرونتیجه عقب گرائی مسلمانان شروع شد.⁵⁸

مشهور ترین آهنگ سازان و سر آینده گان مکه و مدینه

در صدر اول تاریخ اسلامی نویسندگان موسیقی، هنرمندان، آواز خوانان، نوازندگان آلات موسیقی در حیات اجتماعی جامعه و آوردن سرور و خوشحالی برای مردم تنها از طبقه ای ذکور نبود بلکه شامل طبقه ای نسوان نیز می شدند.

هنر مندان موسیقی و الحان و سر آینده گان صدر اسلام از طبقه ذکور

طوبیس (11- 92 هجری) ، اسم کوچک اش طاووس بود. الأصفهانی و ابن عبدربه و ابن خلکان و دیگران از او یاد کرده اند. ابو عبد المنعم عیسی ابن عبد الله ، غلام آزاد شده ای بنی مخزوم که در خانه ای (آروی) ، مادر حضرت عثمان رضی الله عنه بزرگ شده بود ، از مشهور ترین آوازن خوان دوران خلفای راشدین بود. او در اواخر خلافت حضرت عثمان در مسابقه ای بزرگ با آواز خوان مشهور مکه مکرمه بنام ابن سریج شرکت کرد.

ابو الخطاب مسلم بن محرر (توفی 140 هجری) ، در جمله اعلام غناء مکه در صدر اسلام بود. ابو الخطاب به فارس و روم سفر کرد و صنعت موسیقی و

⁵⁸ . الموسیقی العربیة / مجلة ثقافية موسیقیة ، تصدر عن المجمع العربی للموسیقی (جامعة الدول العربیة) مجلة الموسیقی العربیة، دیسمبر 2018/29 / www.arabmusicmagazine.com / مملوک ، جمع آن ممالیک ، عبارت از غلامان بودند که از شمال افغانستان و وسط آسیا خریداری می شدند. مملوک در قوای نظامی کار میکردند. ممالیک دو قسم بودند: ممالیک بحری و ممالیک برجی. ممالیک در مصر قوی شدند و بعد از انقلاب به قدرت رسیدند. قطز مملوک از شمال افغانستان و از ولایت بلخ بود. او قوای تاتار را در عین جالوت شکست داد و جهان اسلام را نجات داد.

الحان را آموخت و هنر فارسی و رومانی را به مدینه و مکه انتقال داد. او از مجموع نغمه های فارسی و رومانی صناعت الحان مکی را ساخت و لقب (صناع العرب) را کسب نمود. ابوالخطاب موسیقی عربی را تجدید و مدرسه غناء جدید را بنام «غناء الزوج» تأسیس کرد.⁵⁹

ابوجعفر سائب بن یسار ملقب به (سائب خاثر) (توفی 64 هجری)، از غلامان آزاد شده ای فارس و از جمله بردگانی که از غنائم کسری شمرده میشد بود. بیک روایت سائب را عبدالله بن جعفر خرید و آزاد کرد.

سائب موسیقار معروف عصرش و اولین آواز خوان در مدینه منوره بود و در آواز خوانی از عود استفاده میکرد. حکایت است که مردی ایرانی بنام نشیط به مدینه آمد و نوازنده گری و آواز خوانی کرد. سائب خاثر به عبدالله گفت: «من نظیر آنچه را این هنرمند به فارسی ساخته، به عربی می سازم»، پس ترانه ای ساخت که باین مصرع آغاز می شد: لمن الدیار رسومها ققر؟ (این سرای کیست که آثارش ویران شده است). گویند این نخستین بار در تاریخ اسلام بود که یک آهنگ عربی به ساختار استوار و فنی عرضه شد. سائب خاثر به گزارش ها، نخستین کسی بود که در مدینه ساز عود ساخت و با آن نوازنده گی کرد.⁶⁰

ابو جعفر در نواختن عود و آلات دیگر موسیقی استاد زمان خود بود و در مجلس معاویه آواز می خواند. او روش هنر موسیقی فارس را با هنر و غناء و موسیقی عرب یکجا ساخت و هنر موسیقی جدید را معرفی کرد.

59. خیر الدین الزرگلی، الأعلام، جزء هفتم، صفحه 223.

غناء الزوج: غناء دو گانه.

60. موسیقی - در اسلام - اکبر - ثبوت / 37291 / dinInline.com

از مدرسه سائب شاگردان معروف در هنر موسیقی مانند ابن مسجح فارغ شد، ابن مسجح غناء فارس را به غناء عرب مکه انتقال داد و در هنر موسیقی مذهب یا روش خاص را بجا گذاشت که بعداً استادان دیگر مانند ابن محرز، معبد، ابن سریج و الغریض از آن پیروی کردند.⁶¹

معبد بن وهب (44 هجری/126 میلادی) از بنی مخزوم بود، او یکی از اعلام غناء مدینه به حساب می آید. معبد موسیقی را از سائب خاثر آموخت و لقب «امیر المغننی» را دریافت کرد.

یونس بن سلیمان الکاتب (توفی 135 هجری)، موسیقار و آواز خوان مشهور در مدینه منوره بود. او هنر موسیقی و آواز را از ابن سریج و معبد و ابن محرز آموخت. در فهرست ابن الندیم آمده که یونس اولین شخصیت هنری بود که هنر غناء را نوشت و در هنر غناء کتاب معروف داشت.⁶²

سعید بن مسجح (توفی 85 هجری)، سعید یکی از معروفترین آواز خوان در مکه بود. او هنر موسیقی و آواز خوانی را از روم و فارس آموخت و در تاریخ موسیقی، سعید اولین شخصیتی بود که الحان را از فرهنگ های کشورهای همسایه حجاز اقتباس نمود.⁶³

ابن سریج، موسیقی دان و آهنگساز و سراینده مشهور سده اول هجری، در مکه متولد شد و برخی گفته اند وی نخستین کس است که ساز عود را از فارس به مکه آورد و در آن مهارت بسیار یافت و آواز خود را با آن همراه

61. مجلة الرسالة / العدد 297 / الموسیقی / ar.wilisource.org/wiki

62. ابو عباس ابن الندیم، الفهرست، تحقیق ناهد عباس عثمان، صفحه 227، هنری جورج فارمر، تاریخ الموسیقی العربیة، صفحه 101.

63. الأغانی، جلد 4، صفحه 209.

ساخت و در ساختن آهنگ ها شهره بود. وی در انتقال موسیقی عربی از مرحله اقتباس به تکامل ، نقش مهمی داشت. ابن سریق را رکن موسیقی عرب می دانند.

نشیط: نشیط غلام ایرانی بود و عبدالله بن جعفر او را خرید و آزاد کرد. این نوازنده و سراینده در مدینه شهرت عظیم یافت. نشیط استاد برخی از هنرمندان موسیقی زن و مرد نیز بود.⁶⁴

مالک طایی: مالک طایی موسیقی و نوازندگی را در منزل عبدالله بن جعفر آموخت.⁶⁵

در بین خلفای اموی، خلیفه عبدالملک بن مروان موسیقار عظیم بود، او در نوشتن و ساختن الحان استاد بزرگ به شمار میرفت. یزید بن عبدالملک، آواز خوان معروف بنام «حبابه» را به 4 هزار دینار که قیمت بسیار گزاف در وقت اش بود خرید.

عبدالله بن جعفر بن ابی طالب حساس راحت نمی کرد تا اینکه (سائب خاثر) را استماع نمی کرد. سکینه بنت الحسین رضی الله عنهما از پدرش حکایت می کند که او غناء و موسیقی را دوست میداشت و هنرمندان را تکریم می نمود، و منزلش مکان نوازندگی و غناء و موسیقی بود. سکینه اضافه می کند که یک زمان از او طلب کرد تا (حنین الحیری)، آواز خوان (الحیره) را دعوت کند، او حنین الحیری و معروفترین سراینندگان حجاز مانند ابن سریق و معبد و الغریض را یکجا دعوت کرد.

⁶⁴. فارمر، تاریخ الموسیقی العربیة، صفحه 110.

⁶⁵. همان مرجع.

رعایت الولید بن یزید از موسیقار بزرگ (معبد) و پرستاری از او در وقت
مریضی اش در قصر خلافت، اشتراک در جنازه اش بزرگترین دلیل از احترام
و تقدیر از مقام هنر و موسیقی و هنرمندان در آن زمان بود.

خلیفه الواثق از جمله بزرگان هنر موسیقی و موسیقار معروف بود، او در
نواختن عود و غناء شهرت داشت.

تألیف موسیقی در عصر خلافت اموی آغاز میشود، یونس الکاتب، کتاب
(کتاب النغم) و کتاب (کیان القیان) را در موسیقی تألیف نمود.

خلافت عباسی، در تاریخ هنر و موسیقی و ادبیات و شعر عصر ازدهار و طلائی
بود، موسیقی در این عصر به مقام ارجمند ارتقاء یافت و آلات موسیقی به
انواع و اقسام آن در بازار موسیقی و هنر رسید. عرب ها در این عصر به هنر و
موسیقی افتخار می کردند و فرزندان بزرگان دولت داخل مدارس و ساحه
موسیقی و هنر شدند.

معروفترین موسیقار در عصر عباسی ابراهیم الموصلی، اسحاق الموصلی،
فلیح بن ابی العوراء، یحیی المکی، حکم الوادی، زلز، مخارق، بذل المغنیه
و ابن جامع بودند.

منصور الزل (توفی 176 هجری / 791 میلادی)، اهتمام و توجه بیشتر به
درجات موسیقی داشت و درجه در مقام موسیقی «بوسطی زلز» را ترتیب و
نوشت. همچنان صفی الدین الأرموی و زریاب از معروفترین موسیقی دانان
و موسیقار عصر عباسی بشمار می آیند.⁶⁶

⁶⁶ زلز (منصور) الموسوعة العربية / www.arab-ency.com حسین علی الهنداوی،
الموسیقی والصنعة فی شعر صدر الإسلام / www.rabiat-awaha/May28,2016

هنرمندان موسیقی و الحان و سرآینده گان صدر اسلام از طبقه نسوان

طبقه نسوان نقش فعال را در ساحة هنر موسیقی و سرآینده گی در تاریخ صدر اسلام داشتند. تعداد از زنان مسلمان بدرجه استادی در موسیقی و آواز رسیده بودند و مدارس مهم هنری را رهبریت می کردند. در این قسمت در مورد معروفترین شان معلومات ابتدائی تقدیم می شود.

جمیله (متوفی تقریباً 135 هجری) ، جمیله کنیز آزاد شده ای بنی سلیم مشهورترین زن آواز خوان در سده اول هجری بود. جمیله از ستون اول و اصل از اصول غناء مدینه به حساب می آید. از جمیله بزرگان موسیقی و آواز ، علم هنر موسیقی را درس گرفتند مانند: معبد ، ابن عائشه ، حبابه ، سلامة ، عقيلية العقیقیة ، الشماستان خلیدة المکی ، ربیحة . معبد راجع به جمیله می گوید: « جمیله اصل غناء و مافرع آن».⁶⁷

جمیله موفق ترین استاد موسیقی از طبقه نسوان بود. معروفترین نوازندگان و آواز خوانان عرب در مدرسه او تربیت یافتند . برخی او را عالم ترین انسان در هنر موسیقی می دانند.⁶⁸

برای استفاده تحقیقات در تخصصات علمی و اکادمی در مورد موسیقی به کتابخانه ، عین الجامعة زیر عنوان: « اللغة العربية » الموسیقی الداخلية فی شعر الهدایة فی عصر صدر الإسلام و آثارها الفنية و الدلالية ، مراجعه شود. در این آدرس بیشتر از 153000 کتاب موجود است. ebook.univeyes.com/104120/pdf.

⁶⁷. صلاح الدین الصفدی، کتاب الوافی بالوفیات ، صفحه 236.

⁶⁸. دانشنامه جهان اسلام ، جلد 1 ، صفحه 791.

جمیله اولین مدرسه موسیقی عربی را در مدینه تأسیس نمود و شاگردان زیادی را تربیه نمود.⁶⁹

روایت است که عبد الله بن جعفر به منزل جمیله رفت ، جمیله به عبد الله گفت: « ای سرور من و سرور پدرانم ! چگونه رضایت دادی که به خانه کنیزت قدم نهی؟ » ، او پاسخ داد: « من شنیده ام که تو سوگند خورده ای که جزء در خانه خود آواز نخوانی و آمده ام تا شعر امرؤ القیس را که موجب نجات گروهی از مسلمانان از مرگ شده ، با آواز خوش تو بشنوم ». جمیله گفت: « فدایت شوم ! دستور می دادید ، من به خدمت می رسیدم و کفاره آن سوگند را هم خودم می دادم » عبد الله گفت: « من نخواستم چنین باری بر دوشت بگذارم ». پس جمیله عود را برگرفت و شعری را که عبد الله خواسته بود ، با ساز و آواز برایش خواند و عبد الله و همراهانش سبحان الله گفتند و چون آواز را به پایان برد ، به عبد الله گفت: « بیشتر بخوانم؟ » او پاسخ داد: « کافی است ».⁷⁰

این حکایت و روایت برای جامعه اسلامی معاصر اهمیت فوق العاده دارد ، شهزاده عرب و نواسه آل بیت به منزل کنیز تشریف می آورد و از جمیله تقدیر می کند و به هنر او احترام و ارج می گذارد.⁷¹

⁶⁹ الموسیقی العربیة ، ترجمه: عبد الله نعمان ، صفحه 29. برای معلومات مفصل و دقیقتر از موسیقی عربی مراجعه شود: مجلة علوم و فنون ، از انتشارات پوهنتون حلوان ، مصر ، این مجله در هر سه ماه به نشر میرسد و مخزن معلومات از هنر موسیقی عربی میباشد.

⁷⁰ dinoline.com

⁷¹ ابو الفراج الأصفهانی ، أغانی ، جلد 8 ، صفحات 227-229.

عبد الله بن جعفر و نقش او در ترویج موسیقی ، در نشریه ماهوار دین آنلاین ، 30 آذر 1400 به چاپ رسیده است ، مطالعه آن برای محققین جوان در رشته هنرهای زیبا خصوصاً

سلامة القس (توفیت نحو 130 هجری) ، سلامة از بزرگان مدرسه موسیقی مدینه بود، او غناء را از جمیله درس گرفت. سلامة و خواهرش (ریا) در مجالس غناء مدینه شرکت می داشتند و شهرت سلامة در آسمان مدینه و حجاز بالا گرفت تا درجه که ابن عبد الملک او را خرید. مقام سلامة نزد ابن عبد الملک تا حدی بلند بود که شخصاً در جنازه اش شرکت کرد و می گویند در وفات سلامة عبد الملک گریه کرد.

بصبص: بصبص از مواید شهر مدینه بود، او یکی از قشنگ ترین و زیبا ترین دختران مدینه به حساب می آمد. بصبص علم و هنر موسیقی را از استادان و سرآینده گان طبقه اول آموخت.

حبابة (توفیت 105 هجری) ، حبابة یکی از دختران ممتاز غناء حجاز بود. او هنر موسیقی و سرآینده گی را از ابن سربج و ابن محرز آموخت. یزید بن عبد الملک حبابة را به ارزش چهار هزار دینار خریداری کرد. حبابة از عقلاء و با فضیلت در جامعه بود، او نه تنها آواز قشنگ و زیبا داشت همچنان در هنر موسیقی استاد بود، او شاعر و قاری قرآن کریم و ادیب زبان عربی نیز بود.

عزة المیلاء (توفیت نحو 115 هجری) ، عزة قدیمترین هنرمند و نوازنده و سرآینده در بین طبقه نسوان در مدینه منوره بود. الأصفهانی می گوید عزة المیلاء آله موسیقی بنام (المعازف) را در خواندن استفاده می کرد و در غناء از گذشته گان مانند سرین و زریاب و خونه و الرباب و سلمی و رائقه اقتباس و پیروی می نمود و همچنان از هنر ساز و آواز فارس تقلید می کرد. او در نواختن العزف و عود استاد بود. ابن سربج معروف ترین موسیقار صدر اول

موسیقی بسیار قابل اهمیت میباشد. کتاب بشکل pdf در اینترنت موجود است و بدون مقابل
میباشد. همچنان دیده شود: الغناء العربی فی العصر الجاهلی www.du.edu.eg/pdf

اسلام در مورد عزة می گوید: بهترین مردم در غناء بود. طویس می گوید: ملکه در بین زنان آواز خوان بود.⁷²

صاحب در کتابش «الإصابة فی تمييز الصحابة» در تراجم ثلاث از سرآینده گان مدینه می نویسد: (أرنب المدينة)، (زينب الأنصارية) و (حمامة). او راجع به حمامة می گوید: حمامة سرآینده و از کنیزان آزاد شده ای انصار بود، نام او در حدیث عائشه در وقتیکه ابوبکر داخل منزلش در روز عید شد و در آنروز دو دوشیزه برای عائشه آواز می خواندند آمده است، یکی از این دو دختر حمامة بود. حدیث در صحیح البخاری آمده اما اسم حمامة در آن ذکر نشده است. ارنب المدينة مشهورترین آواز خوان مدینه در عصر رسالت بود، انصار به مجلس او برای استماع آواز اش جمع می شدند، ارنب در مجلس عروسی و خوشی آواز می خواند. اسلام عرف مردم را که مخالف عقیده و اصول اسلام نبود احترام می کرد و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مانع غناء برای انصار نشدند.

دختران در مرگ اشتران شان تغنی میکردند و همچنان دختران جوان در وقت تنهایی از ترس و خوف مشغول غناء می شدند و غناء را بنام ترنم یاد می نمودند، ترنم خواندن شعر به شکل غناء بود. در غناء دختران از (دف) که نوع ابتدائی از آلّه موسیقی بود استفاده می کردند و اسلام زدن دف و عود را مباح می دانست.

غناء در صدر اسلام، تکرار اشعار بود، مثل نشید و ترنم اشعار با استفاده از دف و عود، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم استفاده از دف و عود را در

⁷² العازف: نوازنده، ساز زن، سازنده.

عزف: (مصدر)، صدای دایره زنگی.

غناء در مراسم خوشی اجازه می دادند. در روایت که از عائشه رضی الله عنها شده دختری از انصار را به ازدوج داد و رسول الله گفت: (فهل بعثتم معها بجارية تضرب بالدف، و تغنی)، آیا با عروس دختر جوان را فرستادید تا با زن دف بخواند. و اضافه کردند: (إن الأنصار قوم فيهم غزل)، انصار قومی اند که در بین شان غزل است، به معنی دیگر انصار غزل و غناء را دوست دارند.⁷³

زنان نقش اساسی و مهم را در نشر موسیقی عربی قبل از اسلام داشتند. موسیقی قبل از اسلام شبیه موسیقی قدیم شرق میانه بود، اکثر مؤرخین اتفاق نظر دارند که در محیط عربی، انواع و اقسام موسیقی بین قرن 5-7 میلادی موجود بود.⁷⁴ در این نوع موسیقی و غناء کلمات اهمیت بیشتر و بالاتر را نسبت به لحن داشت.

موسیقی شرق میانه با اختلاف در فرهنگ و ثقافت و زبان، شامل موسیقی عربی، ترکی و فارسی می باشد که به فضل اسلام اشتراکات زیاد بین شان بوجود آمد. آذان، تلاوت قرآن کریم، موسیقی و لحن خاص را بخود بعد از اسلام گرفت.

با انتشار اسلام و توسعه سرحدات دولت اسلامی، در عصر خلافت عباسی، زیرباف موسیقار عظیم در تاریخ اسلام سهم فعال را در موسیقی شرق میانه

⁷³. حصّة بنت هند بن العتیبی، الدور الحضاری للمرأة المسلمة فی العهد النبوی و الراشدی، جامعة الإمام عبد الرحمن بن قیصل، صفحات 502/506، همچنان دیده شود: الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق علی محمد معوض، و عادل احمد عبدالموجود، دار الکتب العلمیة، بیروت جلد 4، صفحه 486، و أسد الغابة فی معرفة الصحابة، جلد 7، صفحه 321.

⁷⁴. www.courses.minia.edu.eg>attach/pdf.

داشت، زریاب هنر «الموشحات» و مقامات را بوجود آورد و آلات موسیقی جدید را داخل هنر موسیقی اسلام کرد. عصر عباسی، عصر تقدم ثقافت در تمام مناطق اسلامی بود.⁷⁵

قرن نهم، آغاز تحول موسیقی اسلامی بود، و هنرمندان موسیقی و غناء، قادر شدند تا موسیقی را در نوشته بیاورند و ثبت کتاب کنند، موسیقی دانان از طبقه مردان و زنان نقش مهم را در نشر موسیقی جدید در قصر شاهی براه انداختند. همچنان موسیقی فارسی بعد از دخول اسلام بلاد فارس، شکل و مضمون اسلامی بخود گرفت. ابونصر فارابی، یکی از موسیقارهای معروف دنیا، موسیقی میراثی را در عالم اسلامی معرفی کرد و کتاب معروف خود را بنام «الموسیقی الکبیر» به طبع رسانید. در زمان خلافت حضرت عثمان

⁷⁵ الموشحات: الموشح، خروج از عمود شعر خلیلی به شمار می رود. اما این خروج به منزله قطع ارتباط کامل از شعر نیست و استثناءات در آن زیاد نیست و یک قاعده مستقل که دارای زبان و اوزان خاصی باشد را تشکیل نمی دهد بلکه تجربه ای است که از عمق شعر بیرون آمده است تا با خروج از عرف و اسلوب ریتم و تغییر یافتن روند پیشرفتش را توسعه دهد. یک تجربه نقدی و مخالفت بود نه اینکه تجربه ای ویران کننده باشد، چرا که بر منطق تحول و تکمیل استوار بود نه بر منطق تبدیل، از این رو این پژوهش بر روی ریتم و آهنگ شایان توجه است که رابطه بین آهنگ موسیقایی و موشح را مورد بررسی قرار دهد. موشح برای آواز خواندن سروده شده است نه اینکه که مانند شعر خوانده شود. www.sid.ir موشحات، جمع موشحه، نوعی از شعر که دارای تقاطیع و قافیه های مختلف باشد. این نوع شعر از اختراع شاعران و سخنگویان اندلس است.

مقامات در اصطلاح موسیقی، پرده های موسیقی. مقامات در موسیقی چهار باشد: راست، عراق، زیرافکند، اصفهان. مقامات موسیقی، پرده های موسیقی. اهل مقامات

یعنی موسیقی دان. www.vajehyab.com

هنر و موسیقی انتظام بیشتر بخود گرفت و قرن سیزدهم، قرن ارتقاء موسیقی در تاریخ هنر اسلامی به حساب می آید.

در مورد انتقال و اقتباس از هنر موسیقی و آواز خوانی و نوازندگی، از فرهنگ و هنر موسیقی فارس توسط هنرمندان بزرگ عرب در عصر اول اسلامی، پژوهشگران همچون هنری جورج فارمر می نویسد که موسیقی اعراب تا پیش از اسلام بسیار محدود بود. در نتیجه فتح فارس توسط مسلمانان باعث آشنایی اعراب با موسیقی فارس شد، و اعراب بسیاری از ایرانیان نوازندگی را فرا گرفتند.⁷⁶

بعد از فتوحات ساحه دولت اسلامی وسعت بیشتر یافت و مسلمانان با دانشمندان و هنرمندان فارس آشنائی بیشتر یافتند و همکاری بین هنرمندان مسلمان از نژاد عرب و فارس بدون تعصب آغاز یافت و در نتیجه ادبیات و هنر مضمون و شکل جدید را بخود گرفت.

فرهنگ و هنر شعری و غناء و موسیقی عربی بیشتر به فرهنگ و هنر فارسی متأثر شد. اموی ها و عباسی ها نظام مجالس را از مجالس فارس اقتباس کردند. الجاحظ در کتابش «التاج فی أخلاق الملوک» در باب المنادمة می نویسد که خلفاء از مجالس عهد اردشیر بابک، تقلید می کردند. خلفاء در اوقات فراغت مجالس شعر داشتند، اما بعداً غناء جای شعر را گرفت، معاویه و مروان و عبدالملک و الولید مجالس غناء داشتند، اما بین خلفاء و هنرمندان پرده بود تا سرآینده ها حرکات و طرب خلفاء را مشاهده نتوانند. در عهد الولید الثانی، موسیقی شامل غناء شد، در این عصر خلفاء وقت

⁷⁶ . موسیقی ایران پس از اسلام - ویکی پدیا، دانشنامه آزاد /

www.fa.wikipedia.org/wiki

www.Anndishe.online موسیقی در قرآن

بیشتر را در استماع موسیقی با غناء صرف می کردند و هدایاء به هنرمندان به سخاوت تقدیم می کردند.⁷⁷

در قرن اول و دوم هجری، (القیان) نقش مهم را در ارتقاء و پیشرفت هنر موسیقی داشتند.⁷⁸

موسیقی به عنوان یکی از ارکان اصلی شعر و ادبیات فارسی و عربی، به دلیل پیوند های خاص زبانی مورد توجه ناقدان دو زبان بوده است. تاریخ موسیقی، بیانگر تأثیر پذیری شعر فارسی از زبان عربی در اصول موسیقایی خود است. این علم همراه با پیشرفت دیگر علوم، شاهد تحولات و رویکرد های متفاوتی در دو زبان بوده است که گاه برخی ناقدان به شرح و توضیح اصول گذشته پرداخته و گاه برخی دیگر - به خصوص در دوره ی معاصر - در برابر اصول ثابت گذشته ایستاده و داعیه ی نوآوری داشته اند.⁷⁹

بعد از خروج یهود در قرن پانزدهم میلادی از اسپانیا و سقوط دولت اسلامی در آنجا، موسیقی از اروپا با مهاجرین یهود و مسلمان به شمال افریقا و بالقان و ترکیه و فلسطین انتقال یافت. انتقال هنر موسیقی از اسپانیا به شمال افریقا، همراه با انتقال هنر موسیقی غرب به جهان اسلام بود و موسیقی دانان

⁷⁷ . موقع الحوزة الاعلامی / مجالس - الغناء - و الطرب - الاموی /

hawzah.net/ar/Article/view/79284

⁷⁸ . القیان، غلام و کنیز، چه آواز خوان باشد و نباشد، و اکثراً اطلاق میشود به سرآینده.

دیده شود: مختار الصحاح (قین)، همچنان دیده شود: المنجد فی اللغة (القیان)

⁷⁹ . نرگس انصاری، نظریه های موسیقی در شعر فارسی و عربی با نگاهی مقایسه ای به آثار

محمد رضا شفیعی و کد کنی و کمال ابو دیب / www.elmnt.ir>keyword

مسلمانان از تجربه های موسیقی و الحان غربی در موسیقی شرقی و اسلامی استفاده کردند.⁸⁰

در جریان بحث و مطالعه از هنر غناء در مکه مکرمه و مدینه منوره در سده اول اسلام ملاحظه میشود که غناء و موسیقی در عهد دولت اموی و عباسی به کمال رسید. دولت اموی و عباسی توجه و عنایت بیشتر به موسیقی و آواز با مقارنه با عصر حضرت عثمان داشتند.⁸¹

در مناسبت دیگر استاد شوقی ضیف می گوید که مکه مکرمه توجه و عنایت بیشتر به غناء و موسیقی داشت و درین میدان با مدینه مسابقه می کرد و خلفاء دمشق سرآینده ها را از مدینه دعوت میکردند و مکه نیز آواز خوانان را از مدینه دعوت می کردند.⁸²

در بغداد، خلفای عباسی چون هارون الرشید و مأمون از موسیقی حمایت می نمودند، در زمان متوکل و منتصر هم چنان موسیقی در دربار خلافت رونق داشت، در این دوره بسیاری از موسیقی دانان برجسته چون ابن طاهر خزانی، قریص جراحی، جحظة برمکی جذب دستگاه خلافت شدند.⁸³

خلیفه عباسی هارون الرشید در انتخاب بهترین اصوات و آوازا در غناء روش خاص را بخود داشت. او اولاً صد صوت یا آواز را از هر عصر انتخاب

80. الموسیقی فی الشرق الأوسط و شمال افريقيا / Fanack.com

الموسیقی فی الإسلام - المعرفة / www.marefa.org

81. شوقی ضیف، الشعر و الغناء فی المدینة و مكة لعصر بنی أمیة، صفحه 46.

82. همان مرجع، صفحه 47.

83. موسیقی در جهان اسلام - یگی پدیا، دانشنامه آزاد / fa.wikipedia.org>wiki

می نمود و بعداً از بین صد صوت، ده صوت را انتخاب میکرد، و در نهایت سه لحن را انتخاب می نمود.⁸⁴

از بین اصوات، شعرو الحان که انتخاب می شد مهمترین آن قرار ذیل می بود:

1. معبد از (خفيف الثقيل الأول) از شعرا بی قطیفة.
2. ابن سریق از (الثقيل الثاني) از شعر عمر بن ابی ربیعة.
3. ابن محرز از (الثقيل الثاني) از شعر نصیب.

آلات موسیقی

النویری در کتاب «نهاية الأرب» شرح مفصل از آلات موسیقی صدر اسلام دارد مثل: الدف، الیراع، الأوتار، الطنبور (تنبور)، الشبابة، الطار دارد.⁸⁵

خاور شناس بریطانی هنری فارمر در یکی از مطالعات خود که در کتاب «هنری جورج فارمر»، که (ایکهارنویبار، دراسات فی الموسیقی الشرقية) به نشر رسانیده آلات موسیقی را شرح مفصل داده است. این تحقیق علمی در کتابخانه ملی اسپانیه در مدیریت زیر عنوان (كتاب الإمتاع والانتفاع بمسألة سماع السماع) موجود است. دکتور محمد ابن شقرون، استاد تعلیم عالی در پوهنتون محمد الخامس در رباط، مراکش، این کتاب قلمی را که در کتابخانه ملی اسپانیه در مدیریت تحت نمبر (1334) است تحقیق نموده و می نویسد که مؤلف آن ابو عبد الله محمد بن عمر بن محمد بن سلیمان الأنصاری السبتي، معروف بابن الدراج السبتي، متوفی سال 693 هجری است.

⁸⁴ محمد محمود سامی، تاریخ الموسیقی والغناء العربی، صفحه 68.

⁸⁵ الیراع: یراع، نی، نی که با آن بنوازند.

کتاب ابن الدراج با اینکه مخصوص احکام غناء و سماع آلات موسیقی است، اما در فصل دوم شرح کامل از آلات موسیقی صدر اسلام دارد مانند: المعزف: از جمله تنبور ها. المزمار: آلات نفع با واسطه پف کردند. در فرهنگ اسلامی بنام مزمار من مزامیر داود نیز ذکر یافته است. مزمار کلمه فارسی است و مترادف آن در زبان عربی «القصابة» ، کلمه مزمار همچنان استفاده شده در نوشته ها و مصادر تاریخی قدیم و اشاره به النای (نی) نیز شده است. الطبل: مانند طبله.

العود THE Lute

الکمان The ViolesReed

قصبات النای Reed – Pipes

النای الزنامی The Oboe

القصابة و الشابة The Flute

الدف The Tambourine⁸⁶

أهل موسیقی المعازف (آلات موسیقی) را به ترتیب ذیل تقسیم می کنند:

1. آلات وترية: مانند عود، الکامنجه، الأمون، تنبور الربابة

2. آلات نفع: مثل المزمار و النای (نی)

⁸⁶. برای معلومات بیشتر از آلات موسیقی مراجعه شود به :

خالد عباس طاشکندی الغناء و الموسيقى فی صدر الإسلام .. التاريخ المغیب فی زمن الصحوة ، نوفمبر 2019 / Okaz.com.sa و
journals.yu.ed.jo/lla/jjAlssues/vo13no1_2010pdf/02pdr

3. آلات ایقاع: مثل الطبله والرق ، دف ، دایره ، طبل.

دف در کتب اسلامی زیاد ذکر شده و در جمله المعازف است. در مورد دف می گویند: دف از جمله المعازف مباح به دلیل قطعی است به دلیل اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم برای زنی که میخواست نذر خود را وفاء کند اجازه داد دف را استفاده کند و اگر دف حرام میبود بدون شک رسول الله صلی الله علیه وسلم اجازه نمی دادند که زن با استفاده از آن نذر خود را وفاء کند.⁸⁷

قابل تذکر است ، آلات موسیقی در عصر نبوت و قبل از 1400 سال مانند آلات موسیقی که امروز معروف است نبود ، در عصر نبوت و قرن اول اسلامی تنها آلات ابتدائی دف و طبله و نی بود ، جای شک نیست اگر آلات موسیقی عصر حاضر میبود ، مسلمانان از آن استفاده می کردند.⁸⁸

⁸⁷ حکم سماع الغناء و المعازف / www.kulalsalafiyenn.com

الرق آله موسیقی که از پوست حیوان ساخته میشود.

⁸⁸ الحوار المتمدن ، العدد : 5208 / 2016/6/29.

مسأله فقهی موسیقی و غناء جواز یا غیر جواز

در ابتداء خواستم تا اصطلاح حرام و حلال را در مورد موسیقی و غناء بکار برم ، اما مشوره استاد گرامی القدر داکتر صاحب سیرت این بود تا در بدل حرام و حلال ، جواز و غیر جواز استفاده شود به دلیل اینکه حرمت نیست مگر آنچه را که خداوند متعال به نص صحیح صریح و ثابت حرام کرده باشد.

موسیقی و غناء در جمله موضوعات و مسائل فقهی است که تا حال مورد بحث میباشد . بیشتر از هزار سال این مسأله بین فقهاء و علماء مورد مناقشه قرار دارد و حکم نهائی در مورد آن تا هنوز صادر نشده و اجماع بین علماء صورت نگرفته است . من اولین شخص نیستم که این مسأله را بحث می کنم و همچنان آخرین شخص نخواهم بود ، بحث روی مسأله موسیقی و غناء در آینده نیز ادامه میداشته باشد ، علامه القرضاوی موضوع موسیقی و غناء را مسأله قدیم و جدید می داند .

موضوع ارتباط به فقه و نظریات فقهاء دارد ، لذا لازم است تا قبل از داخل شدن به موضوع بحث ، بصورت فشرده فقه را تعریف کرد . استاد گرامی داکتر صاحب عبدالستار سیرت در مقدمه کتاب بنده « مطالعة تمهیدی در فقه حنفی و جعفری - تفاوت و توافق - » ، فقه را عالمانه تعریف نموده اند ، در این قسمت خلاصه آنرا می آوریم .

توقفی در باب فقه

کلمه فقه ، فهم و دانش توأم با ادراک دقیق و تفکر عمیق را افاده می کند ، هنگامیکه از درک مطلق یک امر بدون در نظر داشت پیمانه ادراک حرف میزنیم تعبیر: فهم ، درک و علم را بکار می بریم ، اما اگر فهم و ادراک یک امر باتمام اسرار و اهداف و ابعاد آن مطرح باشد آنگاه تعبیر (فقه) استخدام می

شود، گویا اگر علم به سویه علم الیقین ارتقا نماید و یا به آن وصف نزدیک شود این پیمانۀ علم به فقه تعبیر می شود.

مشتقات کلمه (فقه) در قرآن کریم بیست مرتبه در مواقع مختلف و با تعبیرات ایجابی و سلبی (مواقف مثبت و منفی) ذکر شده اند.

مثال تعبیر مثبت آیه کریمه (.. قد فصلنا الآيات لقوم يفقهون - الأنعام: 98).
«ما آیات قرآنی و نشانه های قدرت خود را برای کسانی بیان داشته ایم که آنها فقه یا درک و فهم کامل آنرا دارند».

مثال تعبیر منفی در این آیه کریمه است (.. لهم قلوب لا يفقهون بها) (الأعراف: 179). «آنان یعنی اهل دوزخ دلهایی دارند - که بدان رهنمایی بخیر و کمال را - بخوبی نمی فهمند».

و آیه کریمه (و طبع علی قلوبهم فهم لا يفقهون - التوبة: 87). «بر دلهایشان - منافقین و متخلفین از جهاد - مهر زده شده و ایشان نمی فهمند».

اصطلاح فقه اسلامی در آغاز نشأت و استعمال آن در صدر اسلام تا وقتی که علوم اسلامی هر یک به صورت مستقل تدوین نگردیده بود، فقه اسلامی مرادف شریعت اسلامی تلقی میگردید و ساحه فقه اسلامی شامل ارکان عقیده و ارزش های اخلاقی و احکام عملی میگردید و از همین لحاظ بیان اساسات شرعی بنام (فقه اکبر) یاد می شد و یا چنانکه در تعریف فقه امام اعظم ابوحنیفه (رحمه الله علیه) فرموده بود که: معرفة النفس ما لها و علیها - یعنی فقه شناسایی حقوق و واجبات هر شخص است.

تفاوت در سطوح فکر و استدلال و استعداد های بشری که منجر به ایجاد نظام های متعدد حقوق میگردد ناشی از طبیعت و فطرت انسان و سنت

خلقت بشری است، خداوند عزوجل میفرماید: و لو شاء ربك لجعل الناس امة واحدة ولا يزالون مختلفين (هود: 118). اگر پروردگارت (ای پیغمبر) میخواست همه مردم را یک ملت واحد می ساخت (همه یک دین میداشتند و هیچ اختلافی میان آنها وجود نداشت) ولی آنان همیشه در حال تفاوت و اختلاف بسر می برند.

درمقابل این اختلاف فکری و تفاوت طبیعی که اساس تعدد و تفاوت احکام و مؤسسات فقهی می باشد و به خیر و صلاح جوامع اسلامی است یک اختلاف و تفرقه مذموم نیز وجود دارد و آن تفرقه و نفاق میان مسلمین و انحراف از اساسات ثابت و عمومی اسلام است که بنیان اجتماع اسلامی را متزلزل می سازد و بوحدت امت اسلامی صدمه میرساند، به ارتباط این نوع تفرقه قرآن کریم میفرماید: ولا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا بعد ما جاءهم البينات و أولئك لهم عذاب عظیم (آل عمران: 105). و مانند کسانی نباشید که از هم پراکنده شدند و اختلاف ورزیدند بعد از آنکه نشانه های روشن (آیات پروردگارشان) به آنان رسید و ایشان را است عذابی بزرگ.⁸⁹

امام محمد الغزالی درمورد فهم صحیح از فقه اضافه میکند و می گوید: فقه با عجز و ناتوانی از فهم قرآن کریم و عجز و ناهمپی از زندگی در دنیا نیست. در نخست لازم است تدبیر و دقت به قرآن کریم نمود و طبیعت دنیا که در آن زندگی داریم دانست. الغزالی میخواهد ما را متوجه ربط احکام اسلامی با روش زندگی معاصر در دنیا سازد زیرا فقه برای تدوین و تنظیم امور زندگی است. متأسفانه عده زندگی را بالای مردم بسیار مشکل میسازند و استدلال

⁸⁹. فضل غنی مجددی، مطالعه تمهیدی در فقه حنفی و جعفری (توافق و تفاوت)، مراجعه پروفیسور دکتور عبدالستار سیرت، صفحات 7-12. ، 2010، از نشرات فقه اسلامی امریکا. این کتاب چهار بار به طبع رسیده است.

به احادیث ضعیف و یا احادیث که اصل ندارند می کنند و مردم را مکلف به تطبیق آن می سازند.⁹⁰

دکتر یوسف القرضاوی در تعریف و اصطلاح فقه می گوید: در سورة انعام خداوند می فرماید: «قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذاباً من فوقکم أو من تحت أرجلکم أو یلبسکم شیعاً و یدیق بعضکم بأس بعض، انظر کیف تصرف الآیات لعلهم یفقهون» (الأنعام: 65). بگو: او (جل جلال) قادر است که از بالای سر شما (از هوا و آسمان) یا از زیر پای شما (از زمین) عذابی بر شما بفرستد، یا شما را به صورت گروه های مختلف بهم در اندازد و (طعم) جنگ و اختلاف را به برخی از شما بوسیله برخی دیگر بچشاند، ببین چگونه آیات (قرآن) را به طرق گوناگون بیان می کنیم تا باشد که آنها (حقیقت امر را) خوب درک کنند.

و «هو الذی أنشاکم من نفس واحدة، فمستقر و مستودع قد فصلنا الآیات لقوم یفقهون» (الأنعام: 98). اوست (خداوندی) که از یک نفس واحد آفرید، پس برای شما محل استقرار (زندگی در روی زمین و یا آرامگاه رحم) و امانت گاه (آرامگاه قبر یا اصلا ب بشری) آماده ساخت، یقیناً ما آیات (کتاب و قدرت خود) را به تفصیل برای کسانی که بخوبی می فهمند (اهل دانش و تفکر) شرح نمودیم.

فقه دردو آیه فوق معنی آن معرفت و بصیرت به سنن الله در انفس و افاق و سنن الله در خلقت او است، و عقوبت خداوند برای آنانکه از راه مستقیم انحراف شده اند. القرضاوی ادامه داده می نویسد: فقه در لغت قرآن، فقه اصطلاحی

⁹⁰ . محمد الغزالی ، السنة النبویة بین أهل الفقه .. و أهل الحدیث ، دار الشروق ، القاهرة

نیست، بلکه فقه در آیات الله و درس‌ن کائنات و حیات و جامعه است. مقصد از فقه، فقه تقلیدی نیست، فقه تقلیدی هیچ نتیجه و حاصل و ثمر ندارد.⁹¹

یک عده در فقه قرآن درایت کامل ندارند و بیشتر به احادیث نظر دارند، احکام را صادر و فتوا می‌دهند و مردم را به حیرت و بی‌نظمی میرسانند. الغزالی امت اسلامی را هوشدار از مردمی می‌دهد که بصیرت‌شان از قرآن کریم کم و ناقص، و گفتارشان از اسلام با جرأت، و اعتمادشان به روایات که مقام و منزلت شانرا نمی‌دانند بسیار زیاد است و شئون زندگی را برای مردم مشکل‌تر می‌سازند.

بزرگان صحابه مانند عمر بن الخطاب، علی بن ابی طالب، عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود رضی الله عنهم، از جمله صحابه در بین اصحاب بودند که توجه عمیق به قرآن کریم و سنت صحیح داشتند و در بین همه اصحاب بیشترین توجه را در این باب ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها داشت.

الاستدراک: استدراکات عائشه رضی الله عنها مهمترین نقد در حدیث است. ام المؤمنین روایات را بدقت مطالعه می‌کرد و اگر اشتباه، و اضافات یا نقصان

⁹¹. دکتر یوسف القرضاوی، أولویات الحركة الإسلامية فی المرحلة القادمة، صفحات 26-

افاق: علوم که ارتباط به معرفت کائنات دارد. انفس: مطالعه علوم انسانی و علمی که به انسان ارتباط دارد. اسلام مسلمانان را امر به ادراک و فهم امور دنیا و کائنات می‌سازد. متأسفانه توجه بیشتر به فقه و وضوء و طهارت و نجاست در جوامع اسلامی نسبت به معرفت به کائنات و علوم انسان است. میتوان تمام تعلیمات وضوء و نجاست و نماز را در یک صفحه خلاصه کرد، اما متأسفانه صدها کتاب در مورد آن تألیف شده و مسلمانان مشغول مطالعه آن هستند. و مطالعه و تفکر به علوم کائنات و مسائل مهم که امروز در زندگی مسلمانان پیش آمده توجه کمتر و حتی ناقص و نزدیک به صفر است.

در متن حدیث می بود بدون در نظر داشت راوی آن به هر مقام و منزلت که می بود آنرا اصلاح می کرد.

بطور مثال، از عمر بن الخطاب روایت شد، در گریه اقارب مرده، مرده عذاب می شود. به عبارت دیگر به گریه زنده مرده عذاب میشود. (إن الميت يعذب ببكاء أهله عليه)، أم المؤمنین سؤال میکند: سبحانه قول خداوند متعالی در بین شما کجا شد «لا تزولوا زره و زر آخری» (الأنعام: 164)، هیچکس گناه شخص دیگر را بدوش نمی گیرد.⁹²

⁹². برای مطالعه مثلها ی بیشتر مراجعه شود: محمد الغزالی، السنة النبوية بین أهل الفقه و أهل الحديث.

الاستدراک: الدرک، اسم مصدر از الإدراک. طلب دریافتن، درک کردن، تلافی و رفع خطاء و توهّم نمودن، اصلاح خطا و تکمیل آنچه نواقص باشد. کاری که قبلا دیگران انجام داده اند و شخص دیگر آنرا تکمیل و اصلاح نماید. المجموع الوسيط - مجمع اللغة العربية بالقاهرة - 1379 هجری/ 1960 م. مجمل بنت أحمد بن حمید الجدة عانی، الاستدراک الفقهي تأسیلا و تطبیقا، 1434 هجری. مطالعه این اثر ارزشمندان را برای محققین جوان

توصیه می نمایم. / www.maajim.com / www.almougem.com/

استدراکات أم المؤمنین مراجع مهم برای محققین میباشد.

برای مطالعه استدراکات أم المؤمنین مراجعه شود:

قراءة فی استدراکات أم المؤمنین عائشه علی روایات الصحابة / <https://Ketabonline>

کتاب سيرة السيدة عائشه أم المؤمنین - الأصول التي تنبئ عليها

قراءة فی استدراکات أم المؤمنین عائشه علی روایات / www.proquest.com

الحکم المستطابة من استدراکات أمنا عائشه علی الصحابة - اسلام ويب /

www.islamweb.net

الإمام بدرالدین الزرکشی، الإجابة لإيراد ما استدركه عائشه علی الصحابة.

أمانة جابر عبدالطيف احمد، استدراکات عائشه الفقهية علی الصحابة فی العبادات، 2008/

جلال الدين السيوطي، عبر الإجابة فی استدراک عائشه علی الصحابة.

اختلاف فقهی

اختلاف در لغت به معانی زیادی چون: فرق، تباین، تنوع، نزاع و خصومت استفاده شده است. اما در اصطلاح فقهاء اختلاف عبارت است از عدم توافق رأی مجتهدین در رابطه به یک حکم شرعی که امکان اختلاف در آن وجود داشته باشد و هر یک از آن ها رأی خویش را از ادله شرعی استنباط نموده و در زمینه، دلیلی از قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم به رأی خویش داشته باشند.

ممکن سؤال مطرح شود که چرا ائمه با موجود بودن قرآن کریم و سنت نبوی با هم اختلاف نموده اند؟ امامان با هم اختلاف نموده اند زیرا مصدر دین که خداوند آنها برای بندگان خود شرع نموده است در نصوص است. این یک موضوع طبیعی در زندگی است که مردم در اتکا به حرف یعنی ظاهر لفظ و اتکا بمعنی مفهوم یعنی روحیه نص با هم اختلاف مینمایند.

همچنان واژه خود لغت، گاهی لغت و واژه زبان اسباب اختلاف می گردد. خداوند جل و عظمت در سوره بقره آیه: 228 میفرماید: «المطلقات یتربصن بانفسهن ثلاثه قرؤا». واژه قروء چیست؟

در فرهنگ لغت آمده است که قروء بمعنی حیض است و همچنان آمده است که قرأ بمعنی طهر است (پاکی از حیض). از همین جا است که ائمه به تبع تفسیر لغوی این کلمه اختلاف کرده اند.

همچنان از اسباب اختلاف یکی اختلاف ائمه در ارزیابی ادله و اعتبار آن است. و دیگر اسباب اختلاف ائمه، اختلاف در دلالت امر و نهی، عام و

خاص، مطلق و مقید، منطوق و مفهوم و غیره که علم اصول فقه آنرا تفصیل داده و مشخص گردانیده است میباید.⁹³

اختلاف بین فرقه ها و مذاهب اسلامی اصل قتال و جنگ و قطع رابطه و متهم ساختن به خارج شدن از دین در مراحل مختلف تاریخ اسلامی نبود. با وجود اختلاف بین متکلمین و معتزله و اشاعره، و بین این گروه ها و بین فقهاء و محدثین، و بین همه این ها با فلاسفه مثلیکه بین حجت الاسلام الغزالی و فلاسفه بود. اختلاف عموماً در دائره نظری و بین فقهاء خلاصه میشد و به درجه اکراه و بسویه اجتماعی نمی رسید.⁹⁴

⁹³ دکتر یوسف القرضاوی، اختلاف ائمه و حکم تقلید شان، ترجمه: قاضی یحیی الدین بهاء، ناشر، فقه اسلامی، امریکا 2007.

⁹⁴ متکلمان قدیم به مسایل کلامی، صرفاً نظری بود و آنان به پیامد های عملی گزاره های دینی چندان توجهی نداشتند. اما متکلمین معاصر از شبهات و اشکالاتی که متوجه باورهای اعتقادی، اخلاقی و حقوقی دین است، ناظر به پیامد های عملی آنهاست. معتزله از جریان های اصلی کلامی در میان اهل سنت است، ایشان بر خلاف اهل حدیث که انبوه حدیث های اصیل و جعلی پیامبر و صحابه را مورد توجه خود قرار داده بودند، عقل و خرد را به تنهایی برای پیروی از اسلام راستین کافی می دانستند، گاهی نظرات فلاسفه را با دین مخلوط می ساختند. تأکید معتزله بر روی عقل آنچنان جدی بود که بر خلاف بسیاری از فقهاء که حدیث را مطلق می دانستند آنان اعتقاد داشتند که در تعارض حدیث با عقل، عقل مقدم است.

اشاعره: برخاستند و جانشین اهل حدیث شدند، اشاعره را می توان جمع میان معتزله و اهل حدیث دانست ولی آن ها نیز عقاید معتزله را مردود می دانستند.

تاریخ اسلام شاهد اشکال و انواع اختلافات و تعددی در رأی مذاهب اسلامی است، جامعه ای اسلامی تعددی را حفظ نمود بدون اینکه دشمنی و قتال باشد، و در بسیاری حالات قتال ریشه سیاسی داشت نه دینی.

نقد علمی را علماء و دانشمندان صدر اسلام، خصوصاً موضوعاتی که ارتباط به عقیده و اصول اولیه اسلام می داشت، نقدشخص نمی دانستند. ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها اولین ناقد در تاریخ اسلام به حساب می آید، او حضرات ابوبکر و عمر رضی الله عنهما که مقام ارجمند و بالا را در بین مسلمانان داشتند در روایات حدیث نقد کرد، و نگذاشت احادیث و اقوال نبی الله صلی الله علیه و سلم که شریعت است بدون دقت به نسل های بعدی انتقال کند.

مفاهیم فقهی

رأی فقهاء: مترادف رأی: اندیشه، فکر، نظر، اعتقاد، باور، عقیده، حکم، فتوا، حدس، قیاس، راه.

فقیه: از واژه « فقه » مشتق شده است، و فقه در لغت چنانکه در بالا ذکر یافت، به معنای دانستن و فهمیدن است، اما فقیه در اصطلاح علوم اسلامی، به معنای مجتهد و متخصص در علم فقه به کار رفته است. بنابراین، فقیه به کسی می گویند که قادر به استنباط احکام شرعی فرعی از منابع فقه اسلامی که عبارتند از قرآن، سنت، اجماع و عقل باشد.

نصوص: چهار نوع نصوص داریم:

1. قطعی الثبوت وقطعی الدلالة: مثل: « من کذب علی متعمداً فلیتبوا مقعده من النار ». هر کس عمداً بر من دروغ بزند، باید نشیمنگاهش را از آتش قرار دهد.

2. قطعی الثبوت وظنی الدلاله: مثل: «أولامستم النساء. ثلاثة قروء»
لمس کردن نسوان، سه قروء، اختلاف در قروء، قروء جمع قرء بر وزن قفل، هم به معنای عادت ماهیانه و هم پاک شدن از آن آمده است.

3. ظنی الثبوت وقطعی الدلاله: مثل: «إن الله وتر يحب الوتر، فأوتروا یا أهل القرآن». یا أهل القرآن، نماز وتر بخوانید که الله وتر (فرد) است و (نماز) وتر را (که تعداد رکعات آن فرد است) دوست دارد.

4. ظنی الثبوت وظنی الدلاله: مثل: «أزرعها أو امنحها أخاك». پستی برادر باشد، برادر را باش.

نصوص قطعی الثبوت وقطعی الدلاله محل اجتهاد نبوده و در آن اختلاف جواز ندارد، درحالی که سه نوع اخیرالذکر هم محل اجتهاد است و هم اختلاف در آن جواز دارد.

جواز: اصطلاحی در اصول فقه به معنای هرکاری که از نظر شرعی حرام نباشد یا صرفاً کار مباح شرعی است.

استعمال قرآنی: واژگانی از این ریشه به دو معنای اخیر در قرآن کریم آمده است. به نوشته راغب اصفهانی، جواز به معنای روا بودن، در واقع به مفهوم سپری کردن و گذاشتن از میانه راه (جوز الطریق) است.

در احادیث هم این واژه به معنای یاد شده و معانی دیگر، مانند آسان گرفتن (تساهل) و سبک کردن رفته است.

معنای عام: جواز به این معنا - که در برابر حکم « حرمت » قرار دارد و شامل احکام تکلیفی چهارگانه (و جوب، استحباب، کراهت و اباحه احکام خمسّه) می گردد و گاهی جواز به معنای اعم (بالمعنی الاعم) خوانده می شود.⁹⁵

حجت: حجیت مصدر جعلی حجت است که به معنای دلیل و برهان است. حجت در اصطلاح علم اصول هر چیزی است که حکمی از احکام الهی را اثبات می کند، بی آنکه موجب قطع و اطمینان به حکم شود. معنای دیگر حجیت جعل طریقت است، یعنی دلیل ظنی معتبر، تعبدا در حکم دلیل علمی است که قطعاً منجزیت و معنویت نیز دارد.

دلالت: دلالت به معنای راهنمایی و هدایت است، در اصطلاح، به حالتی در یک شیء گفته می شود که سبب علم به شیء دیگر می گردد، شیء اول را «دال» و شیء دوم را «مدلول» می گویند. در این تحقیق مراد از قطعی الدلاله، غیر قابل تردید بودن معنای متبادر به ذهن است.

سماع و استماع: در این بحث سماع و استماع در بدل شنیدن بیشتر استفاده شده است، لذا لازم دیده میشود تا فرق و تفاوت بین این دو را از باب زبان تعریف کرد.

السمع: شنیدن، ممکن است به صورت قصدی باشد و یا غیر قصدی.

استماع: بصورت قصدی یعنی شنیدن به قصد شنیدن، و ممکن است برای استفاده باشد، مثلاً توجه شاگرد برای شنیدن آواز.

⁹⁵. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة «جوز»، ابن منظور، لسان العرب «جوز»، حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن. / جواز <fa.wikifeqh.ir>

اصغاء: بالاترین درجه شنیدن، که در جریان آن توجه و دقت قلب و شعور و احساس بیشتر به آنچه شنیده میشود میباشد.

انصات: ترک تمام امور که انسان را بخود مشغول می کند و آماده شدن به شنیدن، به معنی دیگر عالیتترین درجه توجه برای شنیدن⁹⁶

سمع فعل تلقی اصوات از طریق گوش است، اما استماع یعنی بذل جهد برای ادراک آواز را معنی میدهد.

قبل از اینکه مسأله فقهی هنر و موسیقی را به بررسی گرفت قابل تذکر است که احکام شریعت اسلام واضح و قابل فهم است. مولوی حبیب الله حسام در این مورد می گوید: خوشبختانه احکام اسلام روشن و آشکار است، حلال و حرام، معروفات و مشروعات، منکرات و محرمات واضح است، فهم آن برای مردم رموز و اسرار پیچیده ندارد و اقیانوس های تسخیر ناپذیر نمی باشد. اسلام دین خدا و برای بندگان خدا و احکام آن مطابق ظرفیت، عقلانیت و قدرت انجام و عمل بر مکلفین فرض شده است.

فقه اسلامی در مسأله و موضوع موسیقی و غناء مواقف ارزشمندانه نظر به دائره اختلاف بین مذاهب و زمان و مراحل تاریخی دارد. بغیر از نصوص اسلامی و سنت نبوی، عرف محل و منطقه در آراء اثرگذار است.

در مسأله موسیقی و غناء در قدم اول، دلالت های قرآنی شرعی و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم اهمیت اولی را در جواز و غیر جواز میداشته باشد. در قسمت کیفیت تفسیر نصوص اسلامی از جانب آنانکه موسیقی را حرمت میدهند، خصوصاً مذاهب چهارگانه تسنن و مذاهب تشیع و سلفی ها و

⁹⁶ العلوم التربوی - الفرق - بین السماع - والاستماع - والانصات / e3arabic.com/

حرکت های معاصر اسلامی و فقهاء و مجتهدین معاصر قابل بحث و بررسی است و در این بحث در مورد آن توجه بیشتر می باشد. تعداد از علماء و فقهاء رأی به جواز موسیقی می دهند و عده ای هم به حرمت آن رأی دارند ، همچنان اهل تصوف مانند ابو حامد الغزالی ، پیروان مدرسه «المشائیه» که متأثر به فکر یونانی اند مانند الکندی و ابن سینا و ابن فاربی و متفکرین معاصر مانند محمد عبده و محمد رشید رضا آراء شان قابل تأمل و توجه می باشد.⁹⁷

از قدیم الزمان تا عصر حاضر معلوم و مشهور است که علماء و دانشمندان و عامه ای مردم در مسأله غناء و موسیقی بین حرمت و حلال ، جواز و عدم جواز رأی و نظر داشتند و این مسأله تا عصر حاضر در بین جواز و غیر جواز ، حلال و حرام بحث و مطالعه میشود.

به رسیدن نهضت اسلامی طالبان به کرسی حکم در افغانستان ، یکبار دیگر مسأله هنر های زیبا و در جمله آن موسیقی و غناء و بالاخص اگر خواننده زن

97. برای مطالعات از مدارس فلسفی در اسلام ، دیده شود: السید کمال الحیدری، المدارس الفلسفیه فی العصر الإسلامی.

مدرسه المشائیه همچنان بنام (حکمت المشائیه) نیز یاد میشود و در زبان انگلیسی School Peripatetic. المشائیه مدرسه فلسفی یونان قدیم است ، پیروان این مدرسه به افکار و نظریات فیلسوف یونان ارسطو متأثر می باشند. فلسفه المشائیه از زبان یونانی به محیط عربی توسط مترجمان در عهد ترجمه اسلامی انتقال یافت ، و مهمترین فلاسفه مسلمان یعقوب بن إسحاق الکندی می باشد ، مگر نقش او فقط در شرح و تفسیر خلاصه میشود ، الکندی کوشش نمود تا افکار اساسی این فلسفه را با افکار اساسی در دین اسلام مطابقت بدهد. اتباع این فلسفه به منهج عقل در قدم اول در سیاست و مسائل که متعلق به اخلاق باشد اهمیت میدهند.

دیده شود: الحیدری ، مرتضی ، مدخل إلى الفلسفة ، دار نور المصطفی ، 2007 ، صفحه 11

www.almaaref.org.and: **Error! Hyperlink reference not valid..**

النمیری بن محمد الصبار ، اتحاف القاری ، بالرد علی مییح الموسیقی و الأغانی.

باشد مورد توجه بیشتر قرار گرفت، و حکم فقهی آن به عدم جواز بیشتر شد و مردم سؤال میکنند: آیا حرم را استماع کنند یا خیر؟ در بین علمای افغانستان هستند کسانی که موسیقی و غناء را از اعمال شیطان می دانند، و غناء و موسیقی را بصورت مطلق شر دانسته و حرمت آن را بالاتر از حرمت قمار و شراب می رسانند.

نهضت های اسلامی و جهادی افغانستان با هنر و هنرمندان از راه خصومت و دشمنی پیش آمدند و اقسام هنر را مخالف شرع دانستند. متأسفانه حرکت های اسلام سیاسی، قوت و نفوذ هنرمندان و تأثیر هنر را بالای جامعه نادیده گرفتند و از هنر در دعوت استفاده نکردند، هنرمندان قدرت این را دارند تا مردم عادی را علیه نظام سیاسی تحریک کنند.

مسأله تاجای رسید که افراد عادی، هنرهای زیبا، رسم، خط، نحت و تصویر و موسیقی را از منازل خود دور ساختند. فقه میراثی و فقه بدوی، عدم دقت و توجه به اجتهادات معاصر و عدم توجه به دلیل قوی در مسأله موسیقی و غناء سبب شد تا مسلمانان در حیرت باشند و در نتیجه فکر افراط و تشدید قوت بیشتر گرفت و فکر معتدل و وسط اسلامی متضرر شد.

در مبدأ اساسی اسلام، حرام محدود و خداوند متعال آنرا تعیین کرده است. در مقابل حلال مساحت و اندازه آن بسیار وسیع و باز است و آنرا به جزء قناعت انسان و رأی جامعه و قانون مقید ساخته نمی تواند. قرآن کریم خطاب به مؤمنان کرده می گوید بیاید آنچه را که خداوند حرام ساخته حساب کنیم و نمی گوید بیاید آنچه را خداوند حلال کرده حساب کنیم، به دلیل اینکه حرام بسیار کم و قابل حساب می باشد در حالیکه حلال فوق العاده زیاد و قابل حساب نیست. هیچ نص صریح برای تحریم هنر نازل نشده است. عده ای در مراحل تاریخ کوشش کردند تا تمام انواع هنر و خصوصاً موسیقی و غناء را

بالای مردم حرام سازند و برای مسلمانان تمام هنرها را حرام کردند و اگر مسلمان بخواهد خوشی و سرور را در نفس خود بیاورد، باید از ساحة حلال خارج و داخل ساحة حرام شود.

خداوند متعال برای بشر اشیاء را خلق نکرده است که بعداً بالای شان حرام سازد. خداوند فقط اشیاء نا پاک و خبیث را حرام نموده. در اسلام تحریم نیست مگر به نص صحیح و صریح مثل قول خداوند متعال: «وقد فصل لكم ما حرم عليكم إلا ما اضطررتم إليه» (انعام: 119). و حال آنکه خداوند (گوشت) آنچه را که به شما حرام ساخته است مفصل بیان فرموده (تا از آن نخورید) مگر اینکه (حالت اضطرار باشد). به عبارت دیگر حرام آنست که خداوند متعال در کتاب خود بصراحت از آن نام گرفته باشد و یا رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به امر خداوند آنرا حرام گفته باشد. در اشیاء و مواردیکه خداوند در مورد آن سکوت نموده یعنی ذکر نکرده و نص صریح صحیح در مورد آن نیامده عفو است و جواز نیست که حرام ساخته شود. سکوت رحمت خداوند است نه اینکه خداوند آنرا فراموش کرده باشد، خداوند چیزی را فراموش نمی کند، «وما ربک نسیا» (مریم: 64). و پرورگارت هرگز چیزی را فراموش نخواهد کرد.

در مورد حلال و حرام، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: «ما أحل الله فی کتابه فهو حلال، وما حرم فهو حرام، و ما سکت عنه فهو عفو، فاقبلوا من الله عافيته، فإن الله لم یکن لینیسی شیئاً» و بعداً تلاوت کردند: «و ما کان ربک نسیا».⁹⁸ آنچه را خداوند در کتاب خود حلال کرده، حلال است، و آنچه

⁹⁸. روایت کرده الحاکم عن ابی الدرداء و صحت گذاشته البزاز. در مورد صحت حدیث کلام زیاد است، شیخ البانی در سلسله احادیث صحیح آنرا آورده است. اما در مورد مضمون حدیث بین دانشمندان اتفاق است.

را حرام کرده، حرم است، و از آنچه سکوت کرده عفو است، عفو خداوند را قبول نماید، هر آهینه خداوند چیزی را فراموش نمی کند.

هموطنان گرامی و خصوصاً علماء و نویسندگان بسیار متوجه کلمه حرام باشند و نباید کلمه حرام را ساده تصور کرد و در بحث ها و نوشته های خود خداوند را حاضر دانست، کلمه حرام، بسیار خطرناک است، معنی آن عقوبت خداوند بالای فاعل آن میباشد، کلمه حرام به تخمین و به مزاج انسان و با حدیث ضعیف و با نص از کتاب قدیم نیست، کلمه حرام به نص ثابت صریح، و یا اجماع معتبر صحیح میباشد، در غیر آن دایره عفو و مباح و سعت دارد.

اصل حکم شرع در شنیدن (سماع) آوازه ها (اصوات) قشنگ، چه مصدر آن انسان باشد و یا پرنده و یا هم صدای آلات موسیقی مباح است. آواز قشنگ و زیبا و سماع آن از امور فطری است به این معنی که انسان با فطرت که خلق شده می خواهد آواز قشنگ و زیبا را استماع کند، و ممکن نیست تأثیرات صدای قشنگ و زیبا را بالای شنونده انکار و نادیده گرفت. هیچ انسان عاقل نیست که بگوید شنیدن آواز قشنگ و زیبا قابل شنیدن نیست، صدای قشنگ و زیبا از طبیبات یعنی خوبی های دنیا است که نفس انسان را زنده و عقل انسان را تازه می سازد. صدای قشنگ لذت برای گوش است مثلیکه غذاء خوب و لذت لذت برای معده و مناظر قشنگ و زیبا لذت برای چشم و بوی خوش لذت برای حس شامعه میباشد.

جای شک و تردید نیست که آواز قشنگ و موسیقی جمیل در جمله طبیبات است که از استماع آن روح و قلب انسان راحت می شود و غم و اندوه را انسان فراموش میکند.

علاقه به موسیقی و غناء نه تنها از فطرت انسان است، بلکه فطرت کونی نیز میباشد. ملاحظه می شود طفل را آواز و نغمه موزون مادر از گریه باز میدارد، در مقابل صدای خشن و صدای بلند گریه بالای میت و گفتار زشت به هدف فتنه و فساد سبب ناراحتی انسان میشود لذا جواز ندارد.⁹⁹

حب و دوستی موسیقی و غناء و آواز زیبا و قشنگ از غریزه انسانی و فطرت بشری است. دین اسلام به هدف مبارزه با غرائز و فطرت انسان نیامده است، بلکه به هدف تنظیم غریزه و فطرت آمده. ابن تیمیه می گوید: إن الانبياء قد بعثوا بتكميل الفطرة و تقريرها لا بتبديلها و تغييرها. انبياء مبعوث شده اند برای تکمیل فطرت و برقرار کردن و تنظیم آن، نه به هدف تبدیل و تغییر آن.

هنر برای تعبیر از تذوق به جمال سرچشمه می گیرد و به هر اندازه که بیداری و بینش و آگاهی و وسایل و ادوات آن پیشرفت کند، به همان اندازه تعبیر از اصوات و رنگها و حرکات نیز تغییر می کند، هیچ ملت را در تاریخ نداریم که هنر در آن نباشد. آیا می شود تصور کرد که خداوند انسان را با فطرت معین خلق کرده و بعد از آن قوانین را مخالف به فطرت وضع کرده باشد؟ اسلام قسمیکه اشاره شد برای تنظیم اموری آمده که با فطرت مخالفت ندارد و وظیفه اسلام اصلاح و تنظیم امور فطرتی است نه از بین برداشتن فطرت.

از باب روح و قواعد کلی اسلام، غناء یکی از طیبیات یا خوبی ها است که با استماع یا شنیدن آن نفس انسان راحت و انسان از آن لذت می برد. خداوند سبحانه و تعالی، بعض از طیبیات را برای بنی اسرائیل حرام ساخت، حرام شدن بعضی طیبیات عقوبت برای بنی اسرائیل بود. در قرآن کریم می خوانیم: «فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات أحلت لهم بصددهم عن سبيل الله

⁹⁹. دکتر یوسف القرضاوی، فقه الغناء و الموسيقى فی ضوء القرآن و السنة.

کثیراً» (النساء: 160). و بخاطر ظلم و ستمی که از یهود صادر شد چیزهای پاکیزه را که برای آنها حلال بود برایشان حرام کردیم و (نیز) به سبب اینکه (مردم را) از راه خدا بسیار منع نمودند. قرآن کریم به وضاحت می گوید که طبیبات یا خوبی برای بنی اسرائیل در اصل حلال بود، اما در نتیجه ظلم و مانع شدن مردم از راه خدا دلیل برای حرمت آن شد، نه اصل طبیبات. دلیل دوم که قرآن کریم برای حرمت طبیبات می آورد عبارت از سود خوردن و اموال مردم به طریق غیر مشروع بود، «و أخذهم الربوا و قد نهو عنه و أكلهم اموال الناس بالباطل» (النساء: 161).

و (همچنین) بخاطر رباگرفتن (سود خوری) ایشان، درحالی که از آن نهی شده بودند، و به سبب خوردن شان اموال مردم را به باطل، و ما برای کافران آنها عذاب دردناکی را آماده کرده ایم.

نظریه حکم قرآن کریم تمام طبیبات برای انسان حلال است، «یسالونک ماذا أحل لهم، قل أحل لكم الطبیبات» (المائدة: 4). از تو (ای محمد صلی الله علیه و سلم) می پرسند: چه چیز برای آنها حلال شده است؟ بگو: چیزهای پاکیزه و خوب. مفسرین کرام موسیقی و غناء را در جمله طبیبات و چیزهای خوب می آورند.

متأسفانه امت اسلامی، امت شکست خورده و از کاروان مدنیت فاصله گرفته است. خداوند متعالی امت اسلامی را به رسالت محمد صلی الله علیه و علیه و سلم عزت و کرامت بخشید و مسلمانان را سفراء رحمت برای عالمیان انتخاب کرد، اما مسلمانان کوشش کردند تا دین آسان را بالای مردم مشکل سازند و در عوض رحمت عذاب را نمایندگی کنند و در بدل اطاعت از قرآن کریم و سنت نبوی، اطاعت از مستبدین نمایند. ملل دیگر به شعراء، ادباء و دانشمندان و هنرمندان شان افتخار می کنند و صوت جمیل را ستایش می

نمایند، حال وقت آن رسیده تا صفت سفراء رحمت را کسب و بحیث خلفاء دین الله در زمین باشیم.¹⁰⁰

قابل تذکر و اهمیت است که غناء و موسیقی قضیه تعبدی و اعتقادی نیست تا در دائره کفر و ایمان بحث شود، بلکه قضیه اجتهادی میباشد. در اصول فقه آمده که اصل در عادات مباح است یعنی جواز است. خداوند سبحانه و تعالی می فرماید: «هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً» (البقره: 29). آن خدائی است که بیا فرید برای شما همه ای آنچه را که در زمین است.

در ساحت فقه اسلامی، فقهاء و مجتهدین از عصر اول اسلامی تا عصر حاضر در مسأله موسیقی و غناء به سه مدرسه فقهی تقسیم شده اند: مدرسه ای که غناء و موسیقی را جواز نمی داند، مدرسه ای که موسیقی و غناء را جواز می داند و مدرسه ای که با شروط معین غناء و موسیقی را مباح می سازد. در این قسمت آراء و نظریات هر سه مدرسه را با کمال احترام و تقدیر و امانت داری آورده و نظریات شان را البته با استفاده از نظریات علماء بزرگ و دلائل ثابت به بحث می گیریم.

میتواند علمی که علمای کرام خصوصاً امامان مذاهب اسلامی در نقد گذاشته اند، قابل تقدیر و ارج گذاری است. امامان مذاهب و مجتهدین کرام در دائره اسلام سنی، فقط حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم را معصوم می دانند و معصومیت را از بشر به هر مقام و سویه که باشد نفی می کنند. و در نزد شان فقط قول صحیح و صریح رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بعد از قرآن کریم حجت است. در مورد آراء و نظریات دیگران امامان مذاهب به این باور اند که میتوان قول شان را گرفت و میتوان نگرفت. و قول صحابی برای شان

حجت نیست بلکه دلیل صحابی حجت است. در مورد اقوال خود میگویند که قبل از اینکه قول ما را می گیرید ، دلیل ما را بشنوید . همچنان نظر دارند که ممکن یک قول ضعیف یکروز قوی شود و دلایل برای قوت آن پیدا شود ، و یک قول قوی ممکن است ضعیف شود.

دانشمندان و علماء که رأی به عدم جواز و یا حرمت موسیقی و غناء دارند ، نظریات و آراء شان قابل احترام و تقدیر است . در تحقیقات علمی ، محقق باید با کمال احترام و امانتداری نظریات موفق و مخالف را در یک مسأله بیاورد و بعداً آنرا مناقشه و با استفاده از نظریات علمای کرام نقد نماید. رد آراء و نظریات معنی توهین و رد شخصیت دانشمندان نیست ، در فرهنگ و ثقافت دینی ، اصل قبول شده برای جواز و غیر جواز دلیل است و بغیر از قول صحیح نبی الله صلی الله علیه وسلم ، اقوال دیگران را میتوان گرفت و میتوان گذاشت ، در فقه تسنن هیچ بشر به هر مقام و منزلت که باشد معصوم نیست . امام شافعی در این مورد می گوید: بغیر از قول صاحب این قبر «رسول الله» اقوال دیگران قابل نقد و قبول و نفی میباشد . امام ابو حنیفه می گوید: قول را قبول نکنید تا دلیل ما را نشنوید . به معنی دیگر قول بدون دلیل شرعی از کتاب الله و سنت رسول الله ، قول معصوم نیست و ممکن است در اشتباه باشد.

قابل تذکر و یاد آوری است که صاحبان نظریات موافق و مخالف همه بزرگان اسلام و از جمله علمای کرام و قابل تقدیر و احترام میباشند ، هر کدام در روشنی منابع و مراجع دست داشته و تحت شرایط خاص محیط و جامعه ای که در آن زندگی داشتند ، حکم صادر کرده اند و هیچیک ادعا نکرده که سخن و قول او شریعت است .

جواز و عدم جواز موسیقی و غناء

حکم فقهی موسیقی و غناء: درمسأله حکم فقهی غناء و موسیقی آراء متعدد فقهی موجود است، تعدادی به کراهیت غناء نظر دارند، عده به حرمت غناء و موسیقی و گروهی به مباح بودن آن رأی میدهند. همچنان بین فقهاء و علماء در بین غناء کم و زیاد نظرات متفاوت است، همچنان بین آواز زن و مرد نظرات متفاوت در کتب فقه اسلامی میباشد. به این ترتیب بین دانشمندان و علماء در مورد غناء با موسیقی و غیر موسیقی نظرات متفاوت وجود دارد، یک عده غناء با موسیقی را جواز نمی دانند.¹⁰¹

علامه دکتوریوسف القرضاوی در مورد نظرات و آراء متفاوت علماء و فقهاء در مسأله موسیقی و غناء می نویسد: علماء مسلمین در جواب مباح بودن و حرمت غناء و موسیقی با هم اختلاف نظر دارند و روش هر کدام در جواب به این سؤال متفاوت میباشد، یک عده تمام انواع غناء و موسیقی را استماع می کنند و دلیل شان برای استماع موسیقی و غناء حلال بودن آن است و موسیقی و غناء را از طبیات زندگی و در جمله امور حلال می دانند که خداوند متعالی برای بندگان خود حلال کرده است.

گروه دیگر شنیدن موسیقی و غناء را مطلقاً منع می کنند و گوش های شانرا در وقت ساز و آواز می بندند، رادیو را در وقت نشر موسیقی و آواز بسته می کنند و موسیقی و غناء را مزمار شیطان و لهو حدیث که انسان را از ذکر خداوند و نماز مانع می شود می دانند، خصوصاً اگر آواز خوان از طبقه نسوان باشد حکم آن شدیدتر می باشد و در منع از شدت بیشتر کار میگیرند، به دلیل

¹⁰¹. الموسوعة الفقهية الكويتية، طبع اول، جزء 31.

اینکه آواز زن عورت است و برای قول خود از آیات و احادیث استنباط می نمایند.

گروه سوم، در بین این دو گروه در حیرت اند و انتظار قول فصل را در مورد موسیقی و غناء دارند. غناء و موسیقی امروز جزء از زندگی مردم شده است و در هر خانه تلویزیون و رادیو موجود است، این گروه جواب قاطع و فیصله کننده را در مسأله موسیقی و غناء از علمای کرام می خواهند.¹⁰²

در مسأله جواز و عدم جواز موسیقی و غناء قسمیکه اشاره شد، سه نظریه و رأی است: رأی به عدم جواز، رأی به جواز، رأی به جواز اما بشروط. در آغاز رأی و نظر مخالف موسیقی و غناء را به بررسی می گیریم و دلایل این گروه را مناقشه نموده و با استفاده از نظریات و اجتهادات فقهاء، راه صواب از خطأ تفریق میشود.

اول: مدرسه ای مخالف موسیقی و غناء

اهل سنت در باره حکم (غناء) باهم اختلاف دارند و کمتر مسأله ای است که به این اندازه مورد اختلاف فقهاء و علماء قرار گرفته باشد. همچنین بین علماء و فقهاء مذاهب تشیع نیز در مسأله غناء و موسیقی اختلاف زیاد موجود است.

از قرنهای باین سو در اکثر فروع فقهی، فقهاء فتوا به تحریم موسیقی داده اند. مذاهب معتبر چهارگانه اهل سنت (شافعی، حنبلی، حنفی، مالکی) نیز فتوا به حرمت موسیقی داده بودند. پیروان مذهب حنفی در کتابهای شان استماع موسیقی را فسق، و لذت بردن به آن را کفر گفته اند، در کتاب معتبر (التترخانیة) که در مذهب حنفی است آمده که غناء در تمام اوطان حرمت

¹⁰². الدكتور یوسف القرضاوی، فتاوی معاصرة، جلد 2، صفحه 526.

دارد. امام مالک در جواب سؤال در مورد غناء جواب داد: مردم فاسق در نزد ما انجام میدهند. امام شافعی گفت: اگر مردان برای استماع جاریه ای شان (دوشیزه جوان) جمع شوند شهادت شان مردود است. عبدالله از پدرش امام احمد روایت میکند که از غناء پرسیده شد گفت: برایم خوش آیند نیست، نفاق را در قلب زرع می کند.¹⁰³

در بین علماء و فقهاء، القرطبی، ابو الطیب الطبری، ابن الصلاح، ابن القیم، ابن رجب، ابن حجر الهیثمی، شهاب الدین، ابن ابی الدنیا و ابن تیمیه نظرشان در مورد غناء با موسیقی در عدم جواز است. ابن الهیثمی و ابن ابی الدنیا موسیقی را یکسره لهو و لعب می دانند و آن را مکروه یا حرام تلقی می نمایند. فارابی معتقد بود که موسیقی نمی تواند هرگونه حالت روحی یا هر نوع شور و هیجانی را در شخص برانگیزد یا کنترل کند، ابن زیله نیز معتقد بود که موسیقی می تواند شخص را به ارتکاب عمل گناه بکشاند.

در جریان بحث خواهیم دید، علماء و فقهاء که رأی به حرمت داشتند در اواخر حیات خود با یافتن دلایل جدید در مورد غناء و موسیقی تجدید نظر کردند و اکثر آفتوا با شرایط خاص زمان خود به جواز دادند. در جهت مقابل ابن حزم، ابن القیسرانی، محمد الشوکانی، ابی حامد الغزالی، العزبن عبدالسلام و عبدالغنی النابلسی حکم به جواز موسیقی و غناء میدهند.

دارالافتاء در لیبیا، موسیقی و غناء را جواز نمی داند، در فتوای که از این مؤسسه دینی در لیبیا صادر شده، آمده که موسیقی ضمن برنامه های تعلیمی

¹⁰³. الموسیقی - فی - الإسلام / ar.wikipedia.org/wiki

در مدارس نباید تدریس شود، و جواز نیست معلم موسیقی در مدارس استخدام شود. همچنان ثبت موسیقی در تلفن های دستی حرمت دارد.¹⁰⁴

وکیل مرجعیات دینی شیعه در کویت سید محمد باقر المهری می گوید: غناء نه تنها حرام است، بلکه گرفتن تعلیم و دادن تعلیم آن کفر است و غناء در جمله خبائث و شریرترین چیزیکه خداوند خلق نموده میباشد.¹⁰⁵

آنعهده از فقهاء و علماء که از قرنهای اول اسلامی با موسیقی و غناء مخالفت نشان می دادند، دلائل از قرآن کریم و سنت نبوی برای مخالفت خود با غناء و موسیقی می آوردند. آراء و نظرات مخالف موسیقی از قرنهای اول اسلامی تا عصر حاضر ادامه دارد و تعداد از مسلمانان در عصر حاضر بدون مراعات زمان و مکان و حالات اجتماعی معاصر از نظرات شان پیروی کرده موسیقی و غناء را جواز نمی دانند.

آنانکه به عدم جواز موسیقی حکم میکنند به نصوص اسلامی و در مقدمه آن به آیات از قرآن کریم و سنت نبوی استنباط می نمایند. قبل از بحث و تحلیل آراء بزرگان این مدرسه لازم است تادلایل شان بررسی شود.

¹⁰⁴. <http://ifta.ly>

محمد الشوکانی، إبطال دعوا الإجماع علی تحریم مطلق السماع، محمد ناصر الدین الالبانی، تحریم آلات الطرب.

¹⁰⁵. الوطن السعودی / 30392 / alwatan.com.sa/articale/30392

اول: دلایل از تفسیر قرآن کریم¹⁰⁶

مخالفین موسیقی و غناء و آنانکه به عدم جواز رأی دارند، آیات قرآن کریم را دلیل به عدم جواز میدانند و به آیات ذیل استنباط می نمایند:

- «و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله بغير علم و يتخذها هزواً أولئك لهم عذاب مهين» (لقمان:6). و برخی از مردمان کسی است که گفتار و سخنان لغو و باطل به وسیله تهیه می کند تا (خلق را) به جهالت از راه خدا گمراه سازد و آیات قرآن به تمسخر گیرد، این مردمان به عذاب، با خواری و ذلت گرفتار شوند. از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که لهو حدیث را در آیه به غناء تفسیر کرده است. و با غناء، معازف یعنی آلات موسیقی را نیز شامل می کند. بدون شک اگر کسی آیات قرآن را به مسخره بگیرد، از دایره دین خارج میشود. علماء می گویند اگر کسی قرآن کریم را بخرد و بخواهد به آن مردم را گمراه سازد کافر می شود. علامه محمد الغزالی از قول امام ابن حزم در مورد آیه مبارکه می نویسد: آیه مبارکه در مورد غناء نیست، نص آن مراد و مقصد از آیه را وضاحت میدهد، باین معنی که اگر قصد گمراه کردن از راه خدا باشد و راه خداوند را به تمسخر بگیرد به اجماع مسلمین کافر می شود. و اگر شخصی قرآن کریم را بخرد تا مردم را از سبیل الله گمراه کند کافر میشود.¹⁰⁷

¹⁰⁶. در بدل دلایل از قرآن کریم، دلایل از تفسیر گرفته شده، به دلیل اینکه آیات قرآن کریم ثابت و قابل تحویل و تبدیل نیست، و عبارات آن از خداوند متعالی میباشد، اما تفسیر از فهم انسان بوده و عبارات آن انسانی است، در قرآن کریم خطا راه ندارد، و اما ممکن است در تفسیر و فهم و عبارات انسان خطا متصور باشد.

¹⁰⁷. محمد الغزالی، السنة النبوية بين أهل الفقه وأهل الحديث، صفحات 84-85.

علامه دکتور یوسف القرضاوی در مورد مضمون و معنی آیه مبارکه از قول امام ابن حزم می نویسد: قال ابن حزم:

• «هیچکس بغیر از رسول الله صلی الله علیه وسلم در این مورد حجت نیست.

• دیگر صحابه و تابعین با این تفسیر مخالفت دارند.

• الله متعال، آنانکه لهو حدیث را می خردند تا بواسطه ای آن مردم را گمراه کنند، مذمت میکند.¹⁰⁸

• قول خداوند متعال در مدح مؤمنین: «وإذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه

وقالوا لنا أعمالنا ولكم أعمالکم سلام علیکم لانتغی الجاهلین» (

القصص: 55). و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی

میگردانند. و گویند: عمل های ما از آن ما و عمل های شما از آن شما

، سلام بر شما، ما نادان ها را (به دوستی و رفاقت) نمی طلیم.

در مورد آیه مبارکه می گویند: غناء از لغو است پس واجب است دوری از آن

مفسرین در تفسیر لغو در این آیه مبارکه میگویند غناء در جمله ای لغو

است. لغو در ادبیات زبان، گفتاریا کلامی که در آن فائده نباشد را معنی

میدهد، شنیدن لغو نه فائده دارد و نه ضرر، از باب زبان صحیح نیست که

غناء را لغو گفت، همه انواع غناء لغو نیست، مثل که تمام کلام لغو نمی

باشد.

از باب ادبیات زبان: در هیچ فرهنگ زبان عرب و لغتنامه عرب معنی «لهو

الحديث» خاص برای غناء نیست. الجوهری می گوید: اللهو: لعب؛ لهو یعنی

بازی، الخلیل بن احمد الفراهیدی می گوید: اللغو: آنچه مشغول می سازد

¹⁰⁸. الدکتور یوسف القرضاوی، الإسلام و الفن، مؤسسة الرسالة 2000، صفحه 31.

انسان را به خوشی و همچنان نکاح چنانکه امرؤ القیس در ادبیات شعری از آن نام می برد.

بعض لهو الحدیث را در آیه مبارکه دلیل به حرمت موسیقی می دانند و میگویند لهو انسان را از راه خدا و عبادت دور می سازد. این گروه از علماء سورة لقمان آیات 10-11، «و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله»، را دلیل به حرمت موسیقی و غناء می دانند و می گویند در تفسیر آمده که عبد الله بن عباس رضی الله عنهما لهو حدیث را به غناء تفسیر کرده و مجاهد لهو را به طبل یا طبله که از آلات موسیقی است تشبیه و تفسیر کرده است، الحسن البصری رحمه الله می گوید: این آیه در مورد غناء و مزامیر نازل شده است.¹⁰⁹

مؤرخین و فقهاء میگویند عبد الله بن مسعود رضی الله عنه از بزرگان اسلام که نزول آیات را شاهد بود، به اسباب اجتماعی این نظر را داشت نه به دلایل فقهی. کفار کنیزان را می خریدند و در اوقات که ابن مسعود قرآن کریم را تلاوت می کرد، کنیزان آواز می خواندند و مانع تلاوت او می شدند. هیچ عاقل نیست بگوید که ابن مسعود رضی الله عنه مخالفت با فعل رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می کرد. پیامبر علیه السلام در منزل خود برای عائشه رضی الله عنها اجازه شنیدن آواز دو زن را داد و ابوبکر رضی الله عنه را مانع توقف شان شد، و از عائشه پرسید که با عروس کسی را فرستاد تا بخواند زیرا انصار لهو را در عروسی دوست دارند، برای حبشی ها اجازه داد تا داخل مسجد نبوی بخوانند و برقصند و أم المؤمنین عائشه را بالای شانه

¹⁰⁹. حکم الموسیقی - الغناء - و الرقص / islmqqa.info/ar/answers/5000

های خود بلند کرد تا مشاهده کند ولذت ببرد.¹¹⁰ از تحلیل علامه القرضاوی استنباط میشود که دشمنان اسلام با استفاده از غناء و موسیقی مانع تلاوت قرآن کریم و عبادت عبد الله بن مسعود می شدند، و عبد الله بن مسعود حکم به عدم جواز بخاطر مزاحمت مردم برای عبادت داد.

در مورد تفسیر عبد الله بن مسعود، عالم ازهر شیخ اسامه ابراهیم می گوید: آنانکه موسیقی را حرام می دانند استنباط به قول یک صحابی از اصحاب رسول الله، عبد الله بن مسعود می کنند. شیخ اسامه اضافه میکند که مفسر اول قرآن مجاهد این قول را گرفته و حکم به حرمت غناء داده و دلیل او آیه «ومن الناس من يشترى لهُ والحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا». در مورد اینکه اجماع در حرمت است، شیخ اسامه می گوید اجماع تعبیر از ثقافت عصر معین است، و غیر معقول است که اجماع یک عصر را گرفته در عصر حالی تطبیق کرد.

شیخ اسامه اضافه میکند: مذهب حنفی در این مورد می گوید جواز نیست تا قول یک صحابی را در تفسیر مطلق کتاب الله گرفت، به دلیل اینکه اکثر صحابه در عهد نبی الله صلی الله علیه وسلم از عود استفاده میکردند مانند عبد الله بن الزبیر، زمانیکه عبد الله بن عمر به مجلس او داخل شد، از ابن الزبیر پرسید این میزان شامی چیست؟ عبد الله بن الزبیر جواب داد این میزانی است که عقل را میزان میکند، همچنان سعد بن عبد الرحمن بن عوف عود را استعمال میکرد.

¹¹⁰ دکتر صالح الراشد، الغناء و الموسيقى - نظرات و مراجعات، صفحه 30، همچنان: الشیخ بن عثیمین: لقاء مفتوح، کسیت 119.

در مورد اینکه اجماع صورت گرفته ، اجماع یک عصر در عصر دیگر قابل تطبیق نیست ، اول اینکه در مورد تفسیر عبدالله بن مسعود اجماع نبود و بیشتر صحابه بآن مخالف بودند از جانب دیگر بعد از وسعت دولت اسلامی خصوصاً بعد از خلافت عمر بن الخطاب رضی الله عنه صحابه به ولایات اسلامی رفتند و در آنجا مقیم شدند ، و اجماع ناممکن شد.

میتوان گفت هر حرمت که از دایره نص قطعی الثبوت خالی عاری باشد و اجماع هم به آن نشده باشد ، در حوزه اجتهاد داخل می شود. لذا مسأله حرمت موسیقی و غناء ، مسأله اجتهادی است و داخل دایره حرام و حلال بحث نمیشود.

علامه القرضاوی می گوید ، ظاهر آیه غلو: یعنی قول زشت ، دشنام و امثال آن است . آیه مبارکه شباهت به آیه که خداوند عباد الرحمن را صفت می کند دارد «و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناو إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما» (الفرقان: 63) ، و بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه روند و هر گاه مردم جاهل به آنها خطاب (و عتابی) کنند با سلامت نفس (و زبان خوش) جواب دهند.

اگر قبول کنیم که لغو در آیه مبارکه شامل غناء هم باشد ، ملاحظه می شود که آیه مستحب میدانند تا از شنیدن آن دوری شود ، نه واجب میسازد.

کلمه «لغو» مانند کلمه «باطل» است که شنیدن آن فائده ندارد ، شنیدن آنچه فائده و مفاد نداشته باشد حرام نیست تا زمانی که حق تلف نشود و از واجب باز نماند.

از ابن جریر روایت شده: از شنیدن غناء رخصت یا اجازه است. گفت آیا بروز قیامت در جمله حسنات می آید یا سیئات؟ جواب داد: نه در حسنات و نه در

سیئات، به دلیل اینکه شبیه لغواست، خداوند تعالی می فرماید: «لا یؤاخذکم اللہ بالغوفی أیمانکم» (البقرة: 225 والمائدة: 89). خداوند شما را در سوگند های لغو و بیهوده شما مؤاخذہ نمی کند. خداوند شما را بخاطر سوگند های بیهوده و بی اراده ای تان (که احیاناً از زبان خارج می‌گردد) مؤاخذہ نمی نماید.

القرضاوی در ختم این مبحث اضافه میکند: ما نمی گویم: تمام غناء لغو است، حکم غناء ارتباط به نیت شنونده آن دارد، و حکم آن از نیت شنونده گرفته میشود، نیت خوب لغو را مباح می سازد، و نیت بد و خبیثه عمل انسان را اگر چه ظاهر آن عبادت باشد و باطن آن ریاء نابود می کند.¹¹¹

(لا یتغی الجاهلین)، جهل، معنی عدم معرفت و مفهم جهل را افاده می کند و مناسبت و رابطه به عدم جواز موسیقی و غناء ندارد. گفتاری که از آن برای شنونده مفاد نباشد و همچنان اگر ضرر هم نرساند ممکن نیست از باب ادبیات زبان به (جاهل) تعبیر کرد. زیرا فعل و عمل مباح است و عمل مباح را به جهل نمیشود تعبیر کرد. اما اگر کلام زشت و استهزاء باشد و در آن کفر و شرک باشد، نباید شنید و اشتراک کرد و درین حالت از جاهلین باید مسافه گرفت. لغو در آیه، لغو کفار ضد حق است، و آنها مترادف به جاهلین اند.¹¹²

در وصف عباد الرحمن «و الذین لایشهدون الزور و إذا مروا باللغو مروا کراما» (الفرقان: 72).

¹¹¹ القرضاوی، همان مرجع، صفحات 33-34.

¹¹² عبد الله الأثری، الغناء و الموسيقى بین اللہ و الوعید.

مشاهده و تدبر آیه 55 سوره القصص، www.tadabbor.org

و آنان هستند که به ناحق شهادت ندهند و هرگاه به عمل لغوی بگذرند بزرگوارانه از آن درگذرند. در این آیه مبارکه، الزور به غناء و موسیقی تفسیر شده است. الزور در ادبیات زبان هر آنچه مخالف حق باشد، قول باطل و مخالف در زبان عربی است.

- قول خداوند متعالی در سوره الإسراء در خطاب ابلیس لعنه الله: «قال اذهب فممن تبعك منهم فإن جهنم جزاؤکم جزاء موفورا، و استفرز من استطعت منهم بصوتک وأجلب علیهم بخیلک ورجلک ..»، (اسراء: 63/64).

برو که از آنان هر کس تو را پیروی کند، قطعاً دوزخ کیفرتان خواهد بود، کیفری سخت و کامل، از آنان هر که را توانستی با آوازت (به سوی باطل) برانگیز، و {برای راندنشان به سوی طغیان و گناه} با سواره ها و پیاده هایت. در این آیه (صوتک) به معنی غناء و آلات موسیقی تفسیر شده است.

- قول خداوند متعال: «أفمن هذا الحدیث تعجبون، و تضحکون ولا تبکون، و أنتم سامدون» (النجم: 59/61).

پس آیا از این سخن، تعجب می کنید، و می خندید و گریه نمی کنید؟ در حالی که شما غافل و هوس رانید.

- قول خداوند متعال: «ولا تتبعوا خطوات الشیطان، إنه لکم عدو مبین، إنما یأمرکم بالسوء والفحشاء، وأن تقولوا علی الله ما لا تعلمون» (البقرة: 169):

یگانه دستور او بر شما بد کاری و بی حیائی است و اینکه بر خدا آنچه را که نمیدانید از روی جهل نسبت دهید.

در تفسیر آیه مبارکه فوق، التویجری می نویسد: غناء باطل است و دعوت برای آن گمراهی و جهالت و بدعت است و غضب الله را سبب می شود، غناء از اشیاء دوست داشتنی برای شیطان است.¹¹³

دکتور یوسف القرضاوی در مورد تفسیر آیات فوق میگوید هیچیک از دلایل ذکر شده در مورد غناء و موسیقی دلیل و حجت قوی برای تحریم آن نیست، به سبب اینکه تفسیر و قول صحابی است، و اقوال صحابه حجت به عده اسباب نیست، مهمترین آن: حجت قرآن و سنت است، و تفسیرات صحابه فهم شان از نص است نه خود نص، از جانب دیگر این تفسیرات صحابه را دیگر صحابه به آن مخالفت کرده اند و حکم به تحریم نداده اند. و همچنان بعض آیات دلالت بر این می کند کسی که این عمل را انجام میدهد کفر می کند، مثل قول تعالی: «لیضل عن سبیل الله»، هیچیک از امت نمی گوید که غناء کفر و خارج شدن از ملت است. به این معنی تفسیر آیات مربوط به غناء، خارج از اعتراضات قوی نیست.

شیخ محمد الغزالی از قول حجت الله والمسلمین حامد الغزالی در مورد حرمت و تحریم غناء و موسیقی می نویسد: در اماکن که شراب نوشیده می شود، موسیقی که در الملاه (دیسکو) نواخته میشود، حرام است، دلیل حرمت آن به سبب حرمت شراب میباشد، زیرا غناء در این اماکن به هدف دعوت به نوشیدن شراب است، موسیقی و غناء که حرمت پیدا می کند به سبب خمر است زیرا قلیل خمر حرام است.

¹¹³. محمود عبد الله التویجری، فصل الخطاب فی الرد علی ابی تراب 1396، صفحه 80 /

همچنان منع کننده گان استدلال می کنند به آنچه عبدالله بن مسعود و عبدالله بن عباس و بعض تابعین روایت کرده اند، این دسته از علماء غناء را حرام می دانند و دلیل شان قول الله تعالی: «و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغير علم و یتخذها هزواً و لئک لهم عذاب مهین». لهو حدیث را به غناء تفسیر کرده اند. ابن حزم میگوید: این تفسیر حجت نیست.

دوم: دلایل از احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم

آنانکه رأی به عدم جواز موسیقی می دهند، بعد از قرآن کریم استنباط به احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و سلم برای عدم جواز موسیقی و غناء می کنند. این گروه باین عقیده و باوراند که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم صراحتاً غناء و موسیقی را منع نموده اند و آنرا از عمل شیطان گفته اند. عده باین باور اند که حرمت غناء و آلات موسیقی در سنت نبوی ثابت است.

بیاید باهم بخوانیم که ابن حزم الاندلسی در این مسأله چه میگوید، ابن حزم میگوید: «فروش شطرنج و آلات موسیقی مثل، مزامیر، عود، تنبور همه حلال است و اگر کسی یکی از این ها را بشکند، باید خساره آنرا بپردازد، زیرا مال است و از مال مالک میباشد. ابن حزم اضافه میکند که فروش سراینده ها جواز دارد و اصل در اشیاء مباح است و تحریم نیست مگر به نص و خداوند آنچه را حرام ساخته در کتاب خود و به زبان نبی خود معرفی کرده و نص به حرمت اشیائی که ذکر شد نیست و ابوحنیفه پرداخت خساره ای آلات موسیقی شکسته شده را واجب می داند.¹¹⁴

¹¹⁴. محمد الغرالی، همان مرجع، صفحات 81-82.

محققین جوان که داخل ساحة تحقیقات اسلامی شده اند، در استنباط به احادیث و استفاده از آنها دچار مشکلات اند و متأسفانه درجات حدیث و تفاوت بین سنت و حدیث را صحیح درک نکرده اند. سیرت نبوی شریف منبع و مصدر قانون نیست، سنت صحیح مصدر قانون بعد از قرآن کریم میباشد. در استنباط به احادیث در مسائل حرام و حلال دقت بیشتر کرد.¹¹⁵

علامه محمد الغزالی در مورد حدیث واحد می گوید: عقاید اسلام استوار و قائم است به احادیث متواتر نقلی و ثابت عقلی، و عقیده در نزد ما به خبر واحد استوار نمی باشد.¹¹⁶ به همین ترتیب حکم حرام و حلال را علماء به حدیث واحد نمی گیرند و برای حرمت آن احادیث دیگری نیز ضرورت است.

علماء و فقهاء احادیثی که در عدم جواز از آن استفاده شده است، به بحث گرفته و با دلائل علمی ضعف احادیث را به اثبات می رسانند. در این قسمت دلائل که از احادیث برای عدم جواز موسیقی و غناء از آن استفاده شده بررسی و با استفاده از دلائل که علماء و فقهاء در مورد آنها آورده اند نقد میشود.

1- «كل لهو يلهو به المؤمن فهو باطل إلا ثلاثة: ملاعبة الرجل أهله، و تاديبه فرسه، و رميه عن قوسه» (روایت کرده اصحاب السنن الأربعة). هر لهو «بازی»، خوشی، سرگرمی، عیاشی، عیش و نوش، جماع، ملاهی، که مؤمن از آن استفاده می کند باطل است مگر سه قسم آن: بازی کردن مرد با خانواده اش،

معازف جمع «معزفة» است، که عبارت از آلات و ابزار لهو میشود. معازف ابزاری است که توسط آن آواز و سرود می خوانند، معازف، یعنی همان غناء و موسیقی است، معازف یعنی کسی که با آن آواز خوانی می کند، و قد عزف عزفاً یعنی آواز خواند.

¹¹⁵ فضل غنی مجددی، مطالعة تمهیدی در سنت و حدیث نبوی، امریکا.

¹¹⁶ محمد الغزالی، همان مرجع، صفحه 80.

با اسپاش، پرتاب کردن تیر از کمان. الحافظ العراقی در مورد این حدیث می گوید که در آن اضطراب است. اگر با دقت بیشتر به متن حدیث ملاحظه شود دیده می شود که در متن حدیث غناء ذکر نشده است. علماء بغیر از الحافظ العراقی می گویند که حدیث ضعیف است و حتی اگر صحت آن هم ثابت شود، حجت نیست به دلیل اینکه خداوند متعالی می فرماید: «فهو باطل»، باطل دلالت به حرمت نمی کند، بلکه دلالت به عدم فائده می نماید.

2 - استدلال به حدیث که امام البخاری در (معلقات) از ابی مالک یا ابی عامر الأشعری - شک در راوی - از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم که گفت: «لیکونن قوم من أمتی یستحلون الحر و الحریر و الخمر و المعازف». یعنی در امت من افرادی پیدا خواهند شد که زنا، ابرایشم، شراب، و آلات موسیقی را حلال می دانند. آنانکه به عدم جواز موسیقی و غناء حکم می کنند به این حدیث شریف استنباط می نمایند و جزء افراد محدود مانند ابن حزم، و بعضی از معاصرین که مخالف این حکم اند، یعنی تحریم موسیقی را از این حدیث برداشت نمی کنند.¹¹⁷

این حدیث در «المعلقات» بخاری است، نه در «المسندات المتصله». معلقات بخاری قابل استفاده و استنباط می باشد زیرا در اغلب اسناد آن متصل است و اما ابن حزم به دلیل قطع سند حدیث، حدیث را رد می کند و می گوید: سند و متن حدیث سالم نیست و اضطراب دارد. ابن حزم اضافه می کند و می گوید: سند حدیث منقطع است، بین بخاری و صدقه راوی حدیث اتصال نیست. ممکن است مقصد بخاری تمام اجزاء حدیث باشد باین معنی که شامل خمر و غناء و فسق باشد، در این صورت به اجماع مسلمین

¹¹⁷ www.almosleh.com/

Islampp.com / www.quranicthought.mom

حرمت دارد. اگر محرّمات مثل خمر و فحشات و منکرات و قمار با محافل موسیقی یکجا باشد، بدون شک در مجموع حرام می باشد و حضور یافتن در این نوع مجالس برای مسلمان حرمت دارد، و یکی از علت های که علما، موسیقی و غناء را حرمت می دهند به همین دلیل است، و حدیث بخاری به همین مضمون آمده است.

الحافظ ابن حجر کوشش نمود تا حدیث را از نه طریق وصل کند. یک تعداد می گویند که به «هشام ابن عمار» نسبت داده شده. امام ابو داود در مورد هشام می گوید که او چهار صد حدیث را آورده که اصل ندارد. و به همین دلیل حدیث هشام در مسائل که در مورد آن نزاع باشد پذیرفته نمی شود.¹¹⁸

با اینکه در ثبوت حدیث کلام زیاد است، در دلالت آن نیز کلام دیگر است، به دلیل اینکه بصراحت افاده حرمت معازف (آلات موسیقی) را نمی کند. کلمه «یستحلون» چنانکه ابن عربی ذکر میکند دو معنی را افاده می کند:

- اعتقاد داشتن به اینکه حلال است.
- مجاز از استرسال (پیام) در استعمال این امور، (سخن از فراخ و گسترده کردن).

دکتر صلاح صالح الراشد در کتابش «الغناء و الموسيقى — نظرات و مراجعات» حدیث ذکر شده را به مناقشه گرفته و ده ها دلیل از کتب معتبر اسلامی می آورد و ثابت می کند که حدیث در مورد حرمت موسیقی و غناء قابل استفاده نیست. الراشد اضافه می کند که اکثر علماء مشکلات را در سند حدیث می بینند و حدیث در معلقات بخاری است و سند آن

¹¹⁸. دکتر یوسف القرضاوی، همان مرجع، صفحات 36-37.

ساقط شده و حدیث معلق در احکام قابل اعتبار نمی باشد. حدیث خبری است، یعنی از واقعه ای خبر میدهد که در آینده، واقع می گردد، خداوند تفصیل آن را می داند، و خبر معنی حرمت را نمی دهد.

از جانب دیگر لفظ «یستحلون» دلالت به حلال و حرام می کند، یعنی آیا آلات موسیقی و غناء حلال است یا حرام؟ آلات موسیقی اگر به حلال استفاده شود حلال است و اگر به حرام استفاده شود حرام است.¹¹⁹

3) استدلال به حدیث عائشه رضی الله عنها: «إن الله تعالى حرم القنیة (ای الجاریة) بیعها و ثمنها، و تعلیمها». خداوند متعالی حرم گردانیده خرید و قیمت، الجاریة یعنی دوشیزه

¹¹⁹ دکتر صلاح صالح الراشد، همان مرجع، صفحات 30-31.

معلقات بخاری: تعداد مقلقات (احادیث معلق) بخاری بسیار اند، الحافظ ابن حجر در مقدمه فتح الباری می گوید: تعداد مقلقاتی که در کتاب بخاری وجود دارند، هزار و سیصد و چهل و یک حدیث می باشند، که البته اکثر آن ها تکراری هستند و اسناد متصل آن ها در مواضع دیگر آمده {و در ضمن، خارج از اصل متن کتاب هستند و جز 160 و یا 159 حدیث معلق در متون کتاب وجود ندارند} و اسناد متصل آن نیز در مواضع دیگر نیامده. و آنچه علما در مورد مقلقات بخاری تکلم کرده اند، در مورد همان 159 حدیثی است که بخاری اسناد متصل آن را در جای دیگری نیاورده است.

اما تعداد احادیث معلق مسلم در کتابش فقط 17 حدیث است نه بیشتر، که 16 حدیث آن را در جای دیگری از کتاب خود بصورت متصل روایت کرده است، به جز یک حدیث که آن را وصل نکرده است. برای معلومات بیشتر دیده شود: وب سایت اختصاصی اهل سنت و جماعت / www.ahlesonnat.com / حکم احادیث معلق در صحیح بخاری و مسلم.

جوان ، که بدست آمده یعنی کنیز را و تعلیم او را (تعلیم هنر موسیقی ؟).

دکتر یوسف القرضاوی سند و متن حدیث را بررسی کرده می گوید: آنچه در مورد حدیث عائشه آمده ضعیف است و هر آنچه در مورد فروش آواز خوان نیز آمده ضعیف میباشد. کنیز و سراینده جز از نظام غلامی وقت بود که اسلام به مرور زمان آنرا از بین برداشت و حدیث در امتلاک و فروش زنان آواز خوان و کنیزان بود.

حدیث عائشه رضی الله عنها به عبارت دیگر نیز آمده: «إن الله حرم المغنیة و بیعها و ثمنها و تعلیمها و الاستماع إلیها» خداوند حرم کرده مغنیه یعنی آواز خوان زن را ، فروش او را و قیمت او را و تعلیم او را و استماع به آواز او.

ابن حزم در مورد حدیث عائشه رضی الله عنها می گوید: در راویان حدیث «لیث» آمده و او ضعیف است ، و سعید بن أبی رزین ، مجهول است و نمی دانیم که او کی است؟ از برادرش! نمی دانیم از برادرش! او معروف است ، اما چرا اسم برادر خود را ذکر نکرده است.

4) استدلال شده به روایت نافع: عبد الله بن عمر صدای توله ای چوپان را شنید ، انگشتان خود را بالای گوشان گذاشت و شتر خود را از راه کنار کشید و برای نافع گفت: یا نافع! می شنوی؟ جواب دادم: بلی ، ادا مه داد (یعنی عبد الله) تا اینکه گفتم نمی شنوم (آواز توله چوپان را) ، عبد الله انگشتان

خود را بلند کرد و سواری خود را به راه سوق داد و گفت: دیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم صدای مزمار چوپان را شنید و این عمل را کرد.

در مورد حدیث، ابو داود می گوید: حدیث منکر است.¹²⁰ اگر شنیدن صدای توله حرام می بود، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برای عبد الله بن عمر شنیدن آنرا اجازه نمی داد و برای عبد الله نیز می گفت که نشنود، و اگر حرام می بود، عبد الله بن عمر برای نافع اجازه شنیدن را نمی داد و او را نیز امر می کرد که گوش نکند، اجازه دادن نبی الله صلی الله علیه وسلم برای ابن عمر دلیل بر این است که موسیقی حلال است.¹²¹ یک تعداد از محققین باین باور و عقیده اند که نافع در سن طفولیت بود، و اگر به سن جوانی می بود، ابن عمر او

¹²⁰. حدیث منکر، از اصطلاحات بکار رفته در علم حدیث بوده و الفاظ جرح روای می باشد. دانشمندان علوم حدیث در باره اصطلاح «حدیث منکر» که از کدام مرتبه جرح است گفته اند: 1- از مرتبه سوم جرح است، 2- از مرتبه چهارم است، 3- از مرتبه پنجم جرح است. حدیثی که در سند آن یک یا چند راوی وجود داشته باشد که بسیار دچار غفلت شود یا اشتباهات فاحشی داشته باشد، و یا راوی فسقی آشکار دارد، چنین حدیثی را منکر گویند. این تعریف را ابن حجر در کتاب «المنخبه الفکر» آورده و آن را به دیگران نسبت داده است. حدیثی که یک راوی ضعیف روایت می کند ولی روایت او مخالف با روایتی است که روایتی از شخص ضعیف را حافظ بن حجر ترجیح داده است که نسبت به تعریف اول، مخالفت شخصی ضعیف با روایت شخص ثقة به عنوان قید اضافی آمده است. / حدیث منکر/

را نیز از شنیدن توله منع می کرد، این دلیل را علماء در مورد حدیث ابن عمر نمی گیرند.

(5) روایت کرده ابو داود به سندش از شیخ (؟) از ابن مسعود که گفت: «سمعت رسول الله - صلی الله علیه و سلم- گفت: «إن الغناء ينبت النفاق في القلب»! غناء در قلب نفاق را کشت یا می رویاند. ابن حزم در سند حدیث می گوید: روایت از شیخ عجیب است! شیخ کیست؟ به عبارت دیگر راوی شیخ شخص مجهول است.

(6) از مکحول از عائشه که گفت: قال رسول الله: «من مات وعنده جارية مغنية فلا تصلوا عليه». کسیکه وفات میکند و نزدش دوشیزه آواز خوان باشد بلایش نماز نخوانید. (مقصد نماز جنازه است). ابن حزم در مورد حدیث می گوید: مکحول عائشه را ملاقات نکرده بود، و هاشم و عمر دو راوی نامعلوم هستند.

(7) منع کنندگان موسیقی و غناء می گویند در حرمت موسیقی و غناء اجماع است. علماء و فقهاء می گویند در حرمت موسیقی و غناء اجماع بین علماء نیست، فقهاء از عصر اول اسلامی تا عصر حاضر در حرمت موسیقی و غناء اجماع نکرده اند، عدم اجماع دلیل قوی بر عدم حرمت می باشد.

ابن حزم در تحریم غناء می گوید: در این باب چیزی صحت ندارد و هر آنچه در مورد آن روایت شده است موضوعی میباشد، بخدا قسم اگر همه این و یا یکی از آن از طریق ثقات (اشخاص با ثقه) به رسول الله - صلی الله علیه و سلم- برسد در گرفتن آن تردد نمی کردیم.

نصوص که مانعین به حرمت موسیقی از آن استفاده و به آن استدلال می کنند، صحیح غیر صریح، یا صریح غیر صحیح است. یک حدیث مرفوع به

رسول الله صلى الله عليه وسلم، سالم و بدون عیب دلیل به تحریم نیست و تمام احادیث را در این مورد جماعت از ظاهریه و مالکیه و حنابله و شافعیه رد کرده اند.¹²²

قاضی ابوبکر بن العربی در کتاب «الأحكام» میگوید: در تحریم غناء و موسیقی چیزی صحت ندارد. الغزالی والنحوی در عمده میگویند: ابن طاهر در کتابش «السماع» میگوید یک حرف واحد در این مورد صحیح نیست. ابن حزم میگوید: در این بابت (حرمت موسیقی و غناء)، هیچ چیز صحت ندارد. کلمات اخیر ابن حزم در مورد جواز و عدم جواز موسیقی و غناء نتیجه اجمالی در موضوع بحث باشد.

ابن حزم الاندلسی در کتابش «المحلی» می نویسد: غناء در حق است یا در غیر حق؟ قسم سوم وجود ندارد، خداوند تعالی می فرماید: «فماذا بعد الحق إلا الضلال» (یونس: 32). بعد از حق و حقیقت چه باشد غیر گمراهی؟ پس جواب ما بعد از توفیق خداوند: رسول الله صلى الله عليه وسلم گفت: «إن الأعمال بالنیات و إنما لكل امرئ ما نوى» (متفق علیه از حدیث عمر بن الخطاب و این اول حدیث در صحیح البخاری است). از عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلى الله عليه وسلم را شنیدم که فرمودند: «حقا که اعمال وابسته به نیت ها است و حقا که برای هر شخص است آنچه نیت کرده».

¹²² محمد الغزالی، همان مرجع، صفحات 43-44-45.

احادیث زیاد در مورد غناء و موسیقی در کتاب احادیث و فقه موجود است، برای مطالعه بیشتر به مراجع که در این تحقیق معرفی شده مراجعه فرماید.

اگر نیت شخص برای شنیدن موسیقی معصیت الله باشد، فاسق است، و همچنان هر چیز دیگری بغیر از غناء، و اگر کسی از شنیدن غناء نیت تفریح دارد تا برای اطاعت الله عزوجل قوت یابد، و نفس خود را برای اطاعت و نیکی و حسان تقویت کند، او محسن و مطیع است، و عمل او از این حق است، و اگر کسی نه نیت اطاعت و نه نیت معصیت را دارد، برای او عفو است، مثل رفتن به باغش، و نشستن در مقابل دروازه خانه اش برای تماشای... و سائر افعال.¹²³

علمای افغانستان بطور عموم مقلد مذهب حنفی هستند و نمی خواهند در مسائل عبادات و معاملات از مذهب بیرون شوند و همچنان حاضر نیستند تا از مدارس فقهی دیگر و اجتهادات معاصر در مسائل غیر عقیدتی استفاده نمایند. جوانان مسلمان معاصر افغانستان مانند بعض علماء به موسیقی و غناء نظر عدم جواز را دارند. انجمن جوانان حنفی مذهب افغانستان در مسأله موسیقی و غناء باین باور اند:

دلائل اصلی برای حرمت موسیقی یا حلیت برخی اقسام آن، آیات قرآن و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم است. از میان آیات قرآن می توان به آیه های 72 سوره فرقان، 30 سوره ی حج، 3 سوره مؤمنون، و 6 سوره لقمان اشاره کرد. علمای بزرگ در تفسیر آنها فرموده اند مراد از واژه های «قول زور» و «لغو» در این آیات غناء است.

حکمت حرمت موسیقی و غناء: با بررسی برخی آیات و روایات و سخن روان شناسان می توان موارد ذیل را از فلسفه های حرمت موسیقی دانست:

¹²³. دکتور یوسف القرضاوی، همان مرجع، صفحه 34.

الف: انسان را به فساد و فحشا گرایش می دهد.

در حدیثی از نبی اکرم صلی الله علیه وسلم آمده: «غناء نردبان زنا است». تجربه نشان داده است که بسیاری افراد، تحت تأثیر آهنگ های غناء راه تقوا را رها کرده و به فساد روی می آورند.

مجلس غنا معمولاً مرکز انواع مفسد است.

ب: غناء انسان را از یاد خدا غافل می سازد:

قرآن کریم می فرماید: «بعضی از مردم خریدار سخنان بیهوده اند تا به نادانی مردم را از راه الله گمراه کنند و قرآن را به مسخره می گیرند، نصیب اینان عذابی است خوارکننده»، در این آیه یکی از عوامل گمراهی از سبیل الهی «لهو الحدیث» دانسته شده است. «لهو» آن چیزی است که انسان را به خودش آن چنان مشغول کند که باعث غفلت و باز ماندن از کارهای مهم تر شود و در روایات اسلامی از آن به «غناء» تفسیر شده است.

ج: تأثیر سوء موسیقی و غناء بر روان :

غناء و موسیقی یکی از عوامل تخدیر اعصاب است. توجه به بیوگرافی مشاهیر موسیقی دانان نشان می دهد که در دوران عمر دچار ناراحتی های روحی گردیده، و رفته رفته اعصاب خود را از دست داده و عده ای مبتلا به بیماری های روانی شده و گروهی مشاعر¹²⁴ خود را از کف داده اند، یعنی بیغیرت و (دیوث) و بیتفاوت در مقابل ارزشهای واقعی انسانی شده اند.

د: غناء یکی از ابزار کار استعمار گران است.

¹²⁴ دلیل اصلی حرام بودن موسیقی .. جوانان حنفی افغانستان / www.facebook.com

در این قسمت لازم دیده میشود تا آراء علماء و فقهای اهل سنت را در مورد موسیقی و غناء به بحث گرفت، مهمترین مرجع در این مسأله «الموسوعة الفقهية» است که از طرف وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت تنظیم و به نشر رسیده است. در این کتاب آمده است:

حنفی ها، حنبلی ها و آن چه که از مذهب مالکی استفاده می شود گفته اند شغل قرار دادن غنا و آواز خوانی به گونه ای که معیشت خود را به وسیله آن تأمین کند حرام است و امام شافعی گفته: هر زن یا مردی که غناء و آواز خوانی را شغل خود قرار دهد به گونه که به آن معروف گردد شهادتش در محاکم قبول نمی شود زیرا آن کار لهوی است که شباهت به باطل دارد و هر کسی که این نوع کار را انجام دهد به سفاهت و سقوط مروت منسوب می گردد اگر چه حرمت آن معلوم نباشد.¹²⁵

فقهاء مذهب حنفی گفته اند: غنای حرام آن است که بر الفاظ حرام مانند توصیف زن معین یا توصیف شراب، بدگویی از مسلمان و امثال آنها باشد در غیر آن حرام نیست.

حجت الاسلام و مسلمین الغزالی (از مذهب شافعی) موارد حرمت سماع غناء را در پنج مورد شنیدن، شرح مفصل داده حرام می گوید که عبارتند از:

(1) در صورتی که خواننده زن اجنبی باشد که از گوش دادن به صدای او خوف فتنه باشد.

(2) آله موسیقی، از آلات شراب خواران و فاسقان باشد مانند: مزمار، ساز و طبل.

¹²⁵. الموسوعة الفقهية، جلد 31، صفحه 296.

- 3) در کلام آواز خوان چیزی باشد که دروغ، فحش، همچو محسوب شود یا دروغ به خدا و پیامبر یا صحابه پیامبر و یا وصف زن مشخصی باشد.
- 4) شنونده در حالتی باشد که شهوت بر او غلبه کند مثل کسانی که در عنوان جوانی هستند گوش داد آنان به غنا یا موسیقی حرام است.
- 5) شنونده یا خواننده و نوازنده آن را شغل و برنامه همیشگی خود قرار داد به گونه ای که بیشتر وقت خود را در آن صرف کند چنین کسی سفیه و شهادت او در دادگاه مردود است زیرا مداومت بر لهو جنایت است همان گونه که گناه صغیره با اصرار و مداومت بر آن بیره می گردد برخی از مباحثات نیز با مداومت بر آن تبدیل به گناه می شود.¹²⁶

استماع (شنیدن) غناء و موسیقی

- در الموسوعة الفقهية در مورد استماع غناء و موسیقی چنین آمده:
- همه فقها اسلام قائل شده اند که گوش دادن به غنا در موارد ذیل حرام است.
- الف) در صورتی که همراه با غناء زشت و حرام دیگری انجام گیرد.
- ب) احتمال دهد و ترس از این داشته باشد که گوش دادن به غناء به فتنه ای مثل عشق ورزیدن به زن اجنبی یا پسر (بی ریش) و با تحریک شهوت به سوی زنا و امثال آن منجر شود.
- ج) گوش دادن به غناء به ترک واجب دینی مثل نماز و یا ترک کار لازم دنیوی منجر شود ولی اگر به ترک مستحباتی مانند نماز شب و امثال آن منجر گردد

¹²⁶. الغزالی، احیاء علوم الدین، جلد 2، صفحات 448-451.

www.effat.ir/1390-11-20-08-35-16/

سفیه: نادان و کم عقل، ابله، دغل؛ ناراست.

مکروه می شود ولی اگر برای استراحت روح و بدن ضمیمه ای فوق باشد علما در حکم آن اختلاف کرده اند و جماعتی آنرا ممنوع و گروهی مجاز دانسته اند.¹²⁷

از مطالعات فقهی در مورد استماع غناء و موسیقی باین نتیجه میرسیم که فقهای اهل سنت در حکم غنا اختلاف نظر دارند برخی آنرا مباح و گروهی آن را حرام و دسته ای آنرا مکروه می دانند.

دوم: دلایل گروهی که غناء و موسیقی را جواز می دانند

از مطالعه دلایل آنانکه موسیقی و غناء را جواز نمی دانند باین نتیجه رسیدیم که دلیل شان برای حرمت موسیقی و غناء کافی نیست به دلیل اینکه قاعده اساسی در اسلام: «الأصل فی الأشياء الإباحه»، یعنی اصل در اشیاء مباح است به عبارت دیگر اشیاء در اصل حلال است. در روشنی حدیث مبارک، فقهاء باین باور اند که اشیاء در اصل مباح است و حرمت نیست مگر به نص صریح از کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و اجماع ثابت متیقن. در حرمت غناء و موسیقی نه نص صحیح در قرآن کریم و نه در سنت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم موجود است و نه در مورد حرمت آن بین فقهاء و امامان اتفاق نظر میباشد، به عبارت دیگر اجماع در حرمت موسیقی و غناء نیست.

نصوص قرآن کریم از جواز و حلال بودن طیبات و حرمت خبائث مسلمانان را خبر میدهد و غناء و موسیقی را در جمله محرّمات نمی آورد.

علمای که رأی به مباح و جواز موسیقی دارند میگویند اسلام توجه به بلند بردن احساس به جمال را در انسان دارد و ملکات روحی و معنوی و

¹²⁷. الموسوعة الفقهية.

نفسانی و عقلی انسان را ارج می گذارد، هنرهای زیبا، غناء، شعر، تصویر و موسیقی وجدان، شعور و احساس انسان را زنده و بالا می برد.

ابن حزم درمسأله غناء می گوید، غناء مباح است و حدیث که ابی مالک الأشعری برای دلالت به حرمت غناء روایت کرده ضعیف است. حجت الاسلام و المسلمین غزالی می گوید غناء درجای که شراب نوشیده می شود حرمت دارد به دلیل اینکه غناء در این اماکن دعوت و تشویق برای نوشیدن شراب است.¹²⁸

مطلب دیگر این که در عدم جواز موسیقی و غناء اجماع نیست، باین معنی که صحابه کرام رضی الله عنهم و تابعین و امامان مذاهب و فقهاء از صدر اسلام تا امروز در عدم جواز موسیقی و غناء اجماع نکرده اند و در مسأله ای که اجماع در مورد آن نباشد در دائره حرام بحث نمیشود. امام بدرالدین بن جماعة در مورد حکم غناء و موسیقی می گوید: این یک مسأله اختلاف فیه است یعنی در مورد حکم آن بین فقهاء و مجتهدین اختلاف نظر است، در هر مسأله ای فقهی که در حکم آن اختلاف باشد حکم قطعی در مورد آن نمی باشد و قابل اجتهاد و نظر است. دانشمندان اضافه میکنند که علماء و فقهاء به اندازه و مقدار فهم شان از نصوص فتوا داده اند.¹²⁹

أهل مدینه با تمام تقوی، الظاهری با پابندی کامل به حرفیت و أهل تصوف با تمام شدت، جمعاً به مباح بودن غناء رأی داده اند.¹³⁰

¹²⁸ AR.wikipedia.org/wiki / الموسیقی - فی - الإسلام

¹²⁹ / www.facebook.com/ حکم الغناء و الموسیقی فی الفقه الإسلامی.

¹³⁰ الظاهریه: داوود الاصبهانی اولین فقهی در مذهب بود و ابن حزم الاندلسی صاحب مذهب الظاهری است. در این مذهب فقهی، نصوص اهمیت اول را در حکم مسائل فقهی

امام الشوکانی در «نیل الأوطار» می گوید: اهل مدینه و علمای متفق با نظر شان و علمای الظاهری و جماعت از صوفیان به غناء با عود جواز می دهند. استاد ابو منصور البغدادی الشافعی در کتابش «السماع» حکایت می کند که عبد الله بن جعفر در غناء مشکل نمی دید و برای دوشیزه جوان که نزدش کار میکرد لحن تألیف می کرد.

همچنان از القاضی شریح و سعید بن المسیب، عطاء بن ابی رباح، الزهری و الشعبي نقل شده که در غناء مانع نمی دیدند.¹³¹

علامه ابو عمر الأندلسی در «العقد» روایت می کند که عبد الله بن عمر به منزل ابن جعفر داخل شد و دید که عود بدست کنیزش است، ابن جعفر از ابن عمر پرسید آیا در مورد عود و دوشیزه جوان آوازخوان چیزی می بینید؟ عبد الله ابن عمر گفت: نه خیر، یعنی مانع در آن نیست.

در میان فقهای اسلام کسانی مانند شهاب الدین الیثمی و ابن ابی الدنیا بودند که موسیقی را یکسره لهو و لعب می دانستند و آن را مکروه یا حرام تلقی می نمودند.

فارابی معتقد بود که موسیقی نمی تواند هرگونه حالت روحی یا هر نوع شور و هیجانی را در شخص برانگیزد، ابن زبیله نیز معتقد بود که موسیقی می

دارد. الظاهری رأی را مطلقاً نفی می کنند و اگر در یک مسأله نص نباشد به حکم الاستصحاب که مباح بودن است می نمایند و دلیل شان آیه مبارکه «هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً». محمد ابو زهرة، تاریخ المذاهب الإسلامية فی السياسة و العقائد، دارالفکر العربی.

¹³¹. دکتور یوسف القرضاوی، فتاوی معاصره، صفحه 540.

تواند شخص را به ارتکاب عمل گناه بکشاند. با این حال، ابو حامد غزالی، موسیقی و سماع را جایز دانسته است.¹³²

برخی مانند ابن خلدون نیز در باره هنر و مهارت موسیقی (صناعة الغناء) سخن گفته است و آن را از جنس تقطیع صوت می داند که می تواند در کلام و صوت انسان (مانند شعر) و نیز آلات موسیقی جاری گردد.¹³³

با ظهور ابزار جدید موسیقی، فقهان متأخر نیز درباره ماهیت غناء بحث کرده اند و آن را شامل موسیقی دانسته اند، از جمله میرزا یوسف آقا مجتهد اردبیلی از فقهای قرن چهاردهم هجری درباره حکم شنیدن غناء از طریق گرامافون و تلفن بحث می کند و سؤال میکند که آیا غناء از عوارض صوت است، آیا حقیقت صورت، فقط صدای حاصل از اجسام یا شامل صدای دیگر صاحبان روح مانند ملک و جن و حتی صدای حاصل از اجسام و جمادات می شود یا خیر؟¹³⁴

مذاهب معتبر اسلامی، به مباح بودن آواز با موسیقی و بغیر از موسیقی نظر دارند، در این قسمت آراء فقهی مذاهب را به ترتیب می آوریم.

اصطلاحات فقهی در مراحل تاریخ تفاوت میکند. غنا: کلام.. لحن.. و اداء در میراث اسلامی، سنت شریف، در بین فقهاء و متفکرین در گذشته زیر عنوان «لهو» بحث و بررسی می شد، اما در تعریف معاصر اصطلاح لهو برای تعریف

¹³². شریف، میر محمد، هنرهای اسلامی، مرکز نشر دانشگاهی تهران 1382.

¹³³. مختاری، غناء و موسیقی، رساله فی الغناء 1419، جلد 3، صفحات 2561-2569.

¹³⁴. آقا مجتهد اردبیلی، رساله فی الغناء 1418، صفحات 30-32.

تقطیع: تجزیه کردن شعر به اجزا و ارکان عروضی برای معین کردن موزون یا ناموزون بود. در عروض، سنجیدن و تجزیه کردن شعر به اجزای عروض و گذاردن هر جزء در برابر جزئی از افاعیل در وزن با آن برابر باشد تا موزونی یا ناموزونی شعر آشکار شود.

غناء غیر وارد و غیر صحیح می باشد، لذا علماء و فقهاء در بدل اصطلاح لهُو برای موسیقی، غناء را استفاده می کنند. در علوم اسلامی، خصوصاً در ساحه فقه بعض اصطلاحات در مرور زمان تغییر می کند، مثلاً اهل ذمه به اقلیت های غیر اسلامی در دولت اسلامی، بعداً به اصطلاح شهروندان تبدیل شد. فقهاء معاصر لهُو را به معنی موسیقی و غناء در بحث های علمی استفاده نمی کنند.¹³⁵

از آنجا که دامنۀ تمدن اسلامی در اکثر کشورها مانند مصر، ایران، هند و شمال افریقا انتشار یافت و از جزیره العرب بیرون شد، موسیقی و غناء نیز در جهان اسلام با تنوع و گوناگونی روبه رو و مقابل شد.

موسیقی تا قبل از توسعه و گسترش وسایل ارتباط جمعی در جامعه نقشی پررنگ نداشت، لذا فقهای اسلام در گذشته به موضوع موسیقی و غناء ورود همه جانبه ای نکردند و تنها به آن به چشم موضوعی که عدۀ از افراد با آن در ارتباط هستند، نگریسته اند و لذا در باب آن فتوایی و دستوری صادر کرده اند. دلیل حرمت موسیقی را نزد عدۀ از فقهاء میتوان نخست در آمیختگی آوازاها و سرودها با مسائل حرام دیگر مانند خمر و رقص زنان و لهُو و لعب دانست، همین آمیختگی برای مسلمانان آن زمان کافی بوده تا از آن دوری کنند.

دلیل دیگر اندک بودن موارد و کم تأثیر بودن موضوع خوانندگی و سرود در جامعه بود، تا زمانی که رادیو و تلویزیون و سایر وسایل صوتی اختراع نشده بود و همه مردم جامعه به نوعی با آن سروکار نداشتند. از این رو گاهی بزرگان

¹³⁵ الدكتور محمد عمارة، الغناء و الموسيقى حلال .. أم حرام، PDF

دینی این دو مفهوم (موسیقی و غناء) را به جای هم به کار برده اند تا جایی که به نظر میرسد در این زمینه خلطی صورت گرفته است. فقهاء بیشتر غناء را به معنی خوانندگی یا آوازی در نظر گرفته اند که طرب انگیز بوده و مناسب مجالس لهو و لعب باشد. موسیقی را هم به معنی صدای برآمده از آلات موسیقی تنها به موسیقی سازی محدود ساخته اند.

با ظهور ابزار جدید موسیقی، فقهای متأخر نیز در باره ماهیت غناء بحث و آن را شامل موسیقی دانسته اند. فقهای معاصر توصیه می کنند که باید مراعات آسانی در موضوع موسیقی و غناء در نظر باشد و دوری کردن از بر انداختن جنجال زیرا موسیقی و غناء جزء از زندگی مردم شده است، و پیشنهاد می کنند:

- در تحریم غناء و موسیقی نص صحیح صریح نیست.
- خداوند طبیات را در اسلام حرام نساخته است.
- مراعات صورت و شکل اسلام در نظر دیگران.
- واجب بودن بحث و نظر به موضوعیت دور از عاطفه.
- عدم مقارنه غناء به حرام.
- عدم انکار در مسایل اجتهادی.¹³⁶

www.mubasher.aljazeera.net/ jun29,2018.¹³⁶

عناية عبد الرحمن عبد الصمد، التشكيل التخيلي و الموسيقى في شعر. يوسف عبد القادر الرشيد، فنون الموسيقى والغناء. ملا جليل صادق الباخرنيقي، حكم الأغاني و الموسيقى وفق الكتاب و السنة. محمد مصطفى محمد، الأغاني و الموسيقى خلال PDF این مراجع را در انترنیت مطالعه کرده می‌توانید.

علماء و مجتهدین که رأی به جواز موسیقی میدهند در آغاز تفسیرات که در عدم جواز و حرمت موسیقی از آیات شده آنرا نفی و ثابت می کنند که قرآن کریم غناء و موسیقی را حرام نساخته است.

فقهاء برای جواز موسیقی و غناء استنباط به یک تعداد از احادیث صحیح می کنند، یکی از این احادیث، حدیث غناء دو دختر جوان در بیت رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد أم المؤمنین عائشه رضی الله عنها در حضور و موجودیت رسول الله است. حضرت ابوبکر الصدیق رضی الله عنه در وقت داخل شدن به بیت رسول الله بدون اینکه متوجه باشد آنحضرت حضور دارند، به قهر گفت: مزمار شیطان در منزل نبی الله صلی الله علیه وسلم. از قول ابوبکر معلوم و استنباط میشود که هر دو دختر در سن جوانی بودند و اگر طفل می بودند، ابوبکر به غضب نمی آمد. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ابوبکر را خطاب کرد و گفت بگذار تا یهودان بدانند که در دین ما دایره بسیار وسعت و بزرگ است و محمد مبعوث شده به حنفیه سمحه.¹³⁷

روایت از امام بخاری و أحمد از عایشه رضی الله عنها است که زنی را با یک جوانی از انصار عروسی کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: «یا عائشه! ما کان معهم من لهُو؟ فَإِنَّ الْأَنْصَارَ يَعْجَبُهُمُ اللَّهُو». از متن حدیث مبارک استنباط می شود که غناء در محفل عروسی جواز دارد. از جانب دیگر

عدم انکار: غیر قابل انکار، Non-repudiation، به این مفهوم است که طرفین درگیر در یک نزاع حقوقی، نتوانند صحت و اعتبار یک قرارداد یا متنی که قبلاً تهیه شده است را انکار نمایند.

¹³⁷. سمحه: آسان گرفتن، تسامح، شریعت سهل و سمحه، به معنی دیگر دین آسان و مخالف به سختی.

اسلام عرف و رسم و رواج اقوام مختلف را مراعات میکنند و انصار لهُو و لعب را در مراسم خوشی، می خواستند.

بریده الأسلمی رضی الله عنه گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم به هدف محاربه خارج شد، در وقت خارج شدن زن سیاه چهره آمد و گفت: یا رسول صلی الله علیه وسلم اگر خداوند ترا سالم برگرداند در نزدت با نواختن دف می خوانم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: اگر نذر کرده ای پس بزن یعنی دف را بزن. زن مشغول آواز و زدن دف بود که ابوبکر و علی و عثمان رضی الله عنهم داخل شدند، اما زمانیکه عمر داخل شد، زن سکوت کرد. به این معنی که زن سیاه در حضور رسول الله و حضرات ابوبکر و عثمان و علی آواز خواند و زدن دف را ادامه داد و زمانیکه عمر رضی الله عنه داخل شد سکوت نمود.

از متن حدیث مبارک استنباط می شود:

- 1) جواز خواندن زن در حضور مردان، زن طفل نبود، و رسول الله صلی الله علیه وسلم با ابوبکر و عثمان و علی آواز او را استماع کردند.
- 2) جواز غناء با استعمال آله موسیقی، دف.
- 3) جواز غناء در مناسبات خوشی و عودت مسافر بغیر از عید.
- 4) جواز سخن زدن زنان با مردان در اماکن عمومی، و عدم عورت بودن آواز زن.

5) جواز تجلیل زنان با مردان بخاطر پیروزی و نصرت، زنی که نذر کرده بود، رسول الله برایش اجازه داد تا نذر خود را وفاء کند، او برای رسول الله محرم نبود.¹³⁸

دلیل جواز استعمال آلات موسیقی

در مورد استعمال آلات موسیقی نظرات متفاوت و اختلاف زیاد بین مدارس فقهی از صدر اول اسلام تا عصر حاضر موجود است. گروهی از علماء و فقهاء غناء را با استفاده از آلات موسیقی جواز نمی دانند.

امام الشوکانی از قول علامه الفاکهانی نقل می کند: در کتاب الله و سنت نبوی حدیث صحیح و صریح در تحریم الملاحی (آلات موسیقی)، نیست. و به همین معنی ابن حزم و امام محمد الغزالی فتوا میدهند.¹³⁹

در حدیث عائشه رضی الله عنها که دو دختر جوان با زدن دایره یا دف می خواندند. ذکر اسم دف و زممار از جانب حضرت ابوبکر معنی آلات موسیقی آنزمان را میداد. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم قول ابوبکر را تأیید نکردند، عدم تأیید در اصطلاح سنت، سنت تقریری گفته میشود.¹⁴⁰ از جانب دیگر قول

¹³⁸ احمد (5/353-356)، الترمذی (3691)، ابن حبان (4386)، البیهقی (10/77)، ابو داود (3312). دکتور صلاح صالح الراشد، الغناء و الموسيقى (نظرات و مراجعات، صفحات 6-7. همچنان دیده شود: الجدیع، الموسيقى و الغناء فی میزان الإسلام، صفحات 222-223.

¹³⁹ الشوکانی، نیل الأوطار، جلد 8، صفحه 104.

¹⁴⁰ سنت تقریری: آنچه از صحابه از قول و فعل صادر شده و رسول الله آنرا تأیید و یا در مورد آن سکوت کرده و یا آنرا نفی نکرده باشد. برای مزید معلومات مراجعه شود به: فضل غنی مجددی، مطالعه تمهیدی در فقه حنفی و جعفری (توافق و تفاوت)، صفحات 150-151. همچنان دیده شود: فضل غنی مجددی، مطالعه تمهیدی در سنت و حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم، صفحات 22-23.

رسول الله نسبت به قول ابوبکر رجحت دارد. همچنان در حدیث که زن سیاه پوست در حضور رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و حضرات ابوبکر، عثمان و علی رضی الله عنهم با زدن دف آواز خواند، دلیل واضح برای استعمال و استفاده از آله موسیقی در وقت آواز خوانی است و آنانکه استفاده از آلات موسیقی را رد میکنند برای قول خود هیچ دلیل و حجت ندارند.

علامه عبدالغنی النابلسی در ایضاح الدلالات می گوید: در مورد احادیث اگر بگوئیم که موسیقی حرام است یعنی تحریم موسیقی، باین معنی که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فعل حرام را مرتکب شده و امر به آن داده است، اگر کسی این طور فکر کند کفر کرده، ثابت است که استعمال دف در حضور رسول الله صلی الله علیه و سلم، و غناء دو دختر جوان در منزل شان با دف، رقص حبشی ها (احباش) در مسجد شان، خواندن شعر با صدای زیبا در حضور شان، باین همه لفظ تکفیر در اینجا غیر قابل قبول است، نه می گوئیم و نه قبول داریم.

گروهی از فقهاء آیات 10 و 11 سورة لقمان را به حرمت موسیقی تفسیر کرده اند. مجاهد لهورا به طبله و آله موسیقی و الحسن البصری به مزامیر تفسیر کرده است.¹⁴¹

فقهاء می گویند، اسلام موسیقی را مباح ساخته بشرطیکه دور از مظاهر فساد و انحلال اخلاقی باشد و در حدیث صحیح حرمت موسیقی قطعاً نیامده است، خوب آن حلال و زشت آن حرام است.¹⁴²

¹⁴¹. حکم الموسیقی - الغناء - و الرقص / islamqa.info/ar/answers/5000/

¹⁴². العز بن عبدالسلام، رسالة السماع و قواعد الأحكام، در اسلام ویب حفظ است،

اگست 2017 / الموسیقی - فی - الإسلام / ar.wikipedia.org/wiki/2017

استعمال و استفاده از آلات موسیقی، و نغمه های زیبا و قشنگ به دلیل اینکه آواز برآمده یا برخاسته از آلات موسیقی است حرام نیست، اما اگر انسان با استفاده از آلات موسیقی بطرف حرام رود حرمت پیدا میکند.¹⁴³

دیده گاه مذاهب اهل سنت و تشیع در مورد جواز غناء و موسیقی¹⁴⁴

دیده گاه فقهاء اهل سنت و تشیع در مورد آلات موسیقی و استفاده از آن متفاوت و در بسا موارد تناقض دارد. آنانکه موسیقی و آلات موسیقی را حرمت میدهند و جواز نمی دهند نمی خواهند از دایره مذهبی که متابعت و پیروی میکنند خارج شوند. در افغانستان از قدیم الزمان علماء در مورد آلات موسیقی و استفاده آن از آراء بعض فقهای مذهب حنفی که به عدم جواز استعمال و استفاده و تجارت آلات موسیقی حکم کرده بودند خارج نمی شدند. در نهضت طالبان نیز شخصیت های وجود دارند که آلات موسیقی را جواز نمی دهند. مشکل در این است که بعض از علماء و تعداد از احزاب اسلامی بدون مطالعه و مناقشه علمی مبارزه و مخالفت را علیه هنر موسیقی

ابن باز، حکم الأغانی و الموسيقى / www.binaz.org.sa / www.islamonline.net
¹⁴³ صالح الهمدی، مقامات الموسيقى العربية / کتاب الموسيقى الكبير، الفيلسوف ابي نصر محمد بن محمد بن طرхан الفارابی، تحقیق و شرح: غطاس عبد الملك خشبه،

مراجعة: دكتور محمود احمد الحنفی / Error! Hyperlink reference not valid.

Aljazeera.net/blogs/2018/6/16

¹⁴⁴ برای مزید معلومات از مذاهب پنجگانه (جعفری، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) به کتاب: الفقه علی المذاهب الخمسة تألیف: محمد جواد مغنیه، 1982 مراجعه شود. برای مطالعه فقه حنفی و جعفری مراجعه شود به: فضل غنی مجددی، مطالعه تهمیدی در فقه حنفی و جعفری (توافق و تفاوت)، مراجعه دكتور عبدالستار سیرت، طبع امریکا 2008، این کتاب چهار بار در امریکا و یکبار در افغانستان طبع شده است.

براه انداخته اند و نمی خواهند در این مسأله از آراء و نظریات فقهای مذاهب دیگر و نظریات علمای معاصر استفاده کنند.

در بین مذاهب اسلامی، فقهای مذهب حنفی در مورد آلات موسیقی تار دار نظر شدیدتر دارند و با آلات موسیقی تار دار موافق نیستند. اما در داخل مذهب فقهای هم هستند که هیچ نوع مخالفت با آلات موسیقی ندارند. در این قسمت نظرات و آراء مذاهب اهل سنت و مذهب جعفری را در مورد آلات موسیقی مطالعه و بررسی می نمایم.¹⁴⁵

اول: مذهب حنفی

فقهاء مذهب حنفی به تحریم آلات موسیقی با تمام انواع آن بغیر از دف و طبل نظر داشتند. امام ابوحنیفه در عدم جواز آواز خوانی بسیار تأکید می نمود و سخت گیر بود. او شنیدن موسیقی را معصیت می پنداشت.¹⁴⁶

در کتاب الاختیار لتعلیل المختار آمده: استماع آلات موسیقی مثل ضرب (آلات که با زدن استفاده میشود) و زمزمار حرامت دارد و به حدیث نافع استنباط می شود. حدیث نافع قبلاً بررسی و ضعف آن ثابت شد.

¹⁴⁵. عبدالرحمان جزیری در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، نظر مذاهب چهارگانه اهل سنت را در باره غنا و موسیقی به تفصیل جمع کرده است. برای معلومات بیشتر باین مرجع، مراجعه فرمائید.

¹⁴⁶. شیخ احمد بن عبدالعزیز حمدان، احکام موسیقی و سرود از دیدگاه اسلام، ترجمه عبدالرحیم سالارزهی، جدی 1394 شمسی / ربیع الأول 1437 هجری. این کتاب در سایت کتابخانه عقیده موجود است. مؤلف کتاب کوشش کرده تا آراء متشدد را جمع آوری کند تا درجه که ثابت نموده که موسیقی حرام است. در وقت مطالعه این کتاب بسیار باید دقت نمود.

از امام ابو یوسف پرسیده شد: آیا در زدن دف بغیر از عرس، و دف که زنان برای اطفال شان بدون فسق می زنند کراهیت می بینید؟ گفت نخیر. و اضافه نمود که اگر در منزلی صدای مزامیر و آلات موسیقی شنیده شد، باید بدون اجازه داخل شد به دلیل اینکه نهی از منکر فرض است. (فی دار یسمع فیها صوت المزامیر والمعاظف ادخل علیهم، بغیر اذنهم لأن النهی عن المنکر فرض، و لو لم یجز الدخول بغیر إذن لامتنع الناس عن اقامة هذا الفرض).¹⁴⁷ فقهاء بعض اشیاء را بدون حجت و دلیل قوی و یا دلیل داشته منع می کردند، ولیکن زمانی که دلیل برای حرمت آن نمی یافتند از رأی خود می گذشتند، و ثابت است که ابو یوسف نیز در عدم دلیل ثابت از رأی خود در مسأله غناء و موسیقی گذشت. یعنی به مباح بودن و جواز آن رأی داد.¹⁴⁸

امام ابن عابدین رحمه الله که بنام ابو حنیفه دوم معروف است در «حاشیه» رد «المختار» می نویسد: «می گویم که آله لهو به خاطر خودش حرمت ندارد، بلکه ارتباط به هدف و قصد لهو و شنونده آن دارد. زدن یا استفاده از لهو یا آلات موسیقی یک بار حرمت و بار دیگر حلال به اختلاف شنیدن آن است و امور به مقاصد آن است.»¹⁴⁹

¹⁴⁷. الموصلی، عبدالله بن محمود بن مودود، تعلیق الشیخ خالد عبدالرحمن العک، جلد 4، صفحه 206، بیروت، دارالمعرفه 1998.

¹⁴⁸. مختارات من الفتاوی الاسلامیة المعاصرة، الغناء و الموسيقى: حلال فی مطلق الأوقات، مستحبان فی الأفراح و المناسبات / السبت، 6 یونیو 2021.

¹⁴⁹. مصطفى الزرقا، فتاوی، صفحات 104-105. و علامه العز بن عبدالسلام، شجرة المعارف، فصل: الغناء و الدف و سماع ذلك، صفحه 375.

السرخیسی گفت: جواز اجازه دادن شی از غناء و نوح (زنان داغ دیده که برای گریستن گرد هم جمع شوند) و مزامیر و طبل از لهُو است، زیرا معصیت است و اجازه دادن به آن باطل است.¹⁵⁰

فقهاء متأخر مذهب حنفی گفته اند: غناء حرام آن است که بر الفاظ حرام مانند توصیف زن معین یا توصیف شراب بدگویی از مسلمانان و امثال آنها مشتمل باشد در غیر آن حرام نیست.¹⁵¹

دوم: مذهب مالکی

در الموسوعة الفقهية آمده: مالکی ها: آلات موسیقی که نکاح را آشکار می سازد (اعلان از نکاح می باشد) مثل طبل و دایره بدون حلقه، استعمال آنها تنها در مورد نکاح جائز است بعض از آنها گفته اند: موسیقی تنها در مجلس ولیمه نکاح مباح است و بعضی دیگر گفته اند موسیقی در مجلس عقد عروسی و هر مجلس سرور و شادی دیگر مباح است و اختصاص به ولیمه نکاح ندارد.

آراء در این مسأله در مذهب مالکی مختلف است، اما مشهور نزدشان حرمت آلات تار دار، آلات که با پف است، و اما آلات که با زدن دست اجراء می شود مانند دف و طبل جواز دارد.

ابن عربی با این رأی مخالف است، او تمام آلات موسیقی را حلال میدانند. امام ابوبکر ابن العربی المعافری المالکی {543} در احکام القرآن «3/1035» می گوید: غناء از لهُو شادمانی، خوشحالی برای قلبها نزد اکثر علماء است،

¹⁵⁰ . برای مطالعه بیشتر مراجعه شود: شمس الدین المبسوط، جلد 16، صفحه 37، طبع بیروت دار المعرفة 1989.

¹⁵¹ . الموسوعة الفقهية جلد 2، صفحات 42-44.

در بین شان امام مالک بن انس. در قرآن کریم و نه در سنت نبوی دلیل برای حرمت آن است، و در حدیث صحیح دلیل برای مباح بودن آن موجود است، مثل حدیث عائشه و در روزهای عید و استقبال مسافرو عروسی ها، و هر حدیث که در مورد تحریم آن روایت شده و یا هر آیه که در مورد آن تلاوت شده، همه باطل و بی سند اند.

ابن العربی در 3/1494 در مورد استماع یا شنیدن آواز آلات موسیقی و شنیدن آواز دختران می گوید: جواز استماع آن برای مردان است، و مردان می توانند غناء کنیز یا دختر جوانی که نزدشان کار میکند بشنوند.¹⁵²

در بین علماء این مذهب دف، مزمار در عروسی جواز دارد، بشرطیکه در مقابل اجر نباشد و در غیر عروسی حرام است.¹⁵³

سوم: مذهب شافعی

در مذهب شافعی آراء متعدد در مورد آلات موسیقی و غناء است، فقهای مذهب شافعی آلات موسیقی که با پف کردن و تار است حرمت میدهند و اما دف و طبل را در جنگ جواز میدانند. از امام شافعی نقل قول شده که او غناء را اصلاً حرام نمیدانست و دلیل که برای قول شافعی می آورند، قول یونس بن عبدالاعلی است: از شافعی رحمه الله از مباح دانستن أهل مدینه در استماع غناء پرسیدم، شافعی گفت: از هیچیک از علماء حجاز نمی دانم که موسیقی را مکروه گفته باشند و یا کراهیت از شنیدن آن داشته باشند.¹⁵⁴

¹⁵². الغناء و الموسيقى: حلال فی مطلق الأوقات مستحبان فی الأفراح و المناسبات.

¹⁵³. مصطفى کامل وصفی، الشرح الصغير علی أقرب المسالك إلى مذهب الإمام مالک، جلد 2، صفحات 502-503، دارالمعارف.

¹⁵⁴. الموسيقى - فی - الإسلام / AR.wikipedia.org/wiki

ابن القیسرانی مخالف تمام فقهاء شافعی، تمام آلات موسیقی را مباح میدانند، القیسرانی می گوید: زدن دف و استماع آن سنت است، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم دف را استماع کردند و امر به زدن آن دادند، بغیر از جاهل هیچکس کراهیت به آن (دف) ندارد مگر اینکه جاهل به سنت باشد.¹⁵⁵

امام ابو حامد غزالی (شافعی) در احیاء علوم الدین گفته است: روایات، دلالت بر حلال بودن غنا، رقص و دایره زدن دارد.... به شرط این که فتنه یا محظور دینی بر آن مترتب نباشد.

غزالی در کتاب احیاء علوم الدین بخشی را تحت عنوان (کتاب اداب السماع و الوجد) مطرح کرده و پس از اشاره به اقوال مختلف بزرگان سنت در باره (سماع: شنیدن موسیقی و غنا) و نقل خواب و رویای بعضی از اهل سنت در تمجید (سماع) می گوید: معنای کسانی که می گویند: سماع حرام است این است که خدای تعالی مرتکب آن را عذاب می کند و این چیزی است که از طریق عقل و نقل نا شناخته است.

زیرا شناخت شرعیات منحصر به نص و قیاس است، وقتی که در باره چیزی نه نصی وجود داشته باشد و نه قیاس قول به تحریم آن باطل می گردد و آن عمل جز مباحات خواهد بود و در باره (سماع) نیز هیچ نصی و قیاسی دلالت بر حرمت نمی کند.¹⁵⁶

¹⁵⁵. شمس محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب النّاؤوط، جلد 19، صفحات 361-371، طبع مؤسسه الرساله 1990.

¹⁵⁶. الموسوعة الفقهية جلد 2، صفحه 431. از دلایل الغزالی برای جواز موسیقی و غناء دیده شود: احیاء علوم الدین، جلد 2، صفحات 443-444.

فقه امام الغزالی که در احیاء علوم الدین تجلی می کند، فقه آزاد از قیودات مذهبی است، با اینکه امام الغزالی شافعی مذهب بود، اما در مورد موسیقی و غناء بصفت یک مجتهد آزاد عمل می کرد، و به شریعت به دایره وسیع می دید. موقف الغزالی از مباح بودن موسیقی با عدل ترین موقف در بین موافق فقهاء است و امام الغزالی از وسط بودن شریعت اسلامی و صلاحیت شریعت در تمام زمانها و محیط ها نماینده گی می نمود. فقه الغزالی مطالعه جدید را می خواهد و میتوان گفت که فقه الغزالی در بسا موارد یک فقه مستقل می باشد.

چهارم: مذهب حنبلی

در نزد فقهاء حنبلی هیچ کدام از آلات موسیقی از قبیل: عود، مزمار، طبل، رباب و امثال اینها حلال نیست، اگر یکی از اینها در مجلس ولیمه باشد اجابت دعوت و رفتن به آن مجلس حلال نمی باشد، اما غناء زیبا نمودن صدا و ترنم ذاتاً حلال است.... و با آهنگ خواندن قرآن مکروه می باشد.¹⁵⁷

فقهاء این مذهب آلات تار دار و پفی را تحریم می کنند، و اما در آلات که به زدن دست است مثل دف در یک نظر حرمت و در نظر دیگر کراهیت. و دف را برای مردان مباح می دانند.

مزمار و تنبور و امثال آن در این مذهب حرمت دارد، و امام احمد طبل را بغیر از جنگ کراهیت می داند و زدن به قضیب (از شاخه درخت) مکروه است اگر همراه رقص و کف زدن باشد، در غیر آن کراهیت ندارد.

در المغنی آمده که آلات موسیقی که با زدن کار گرفته می شود حکم آن:

¹⁵⁷. الموسوعة الفقهية، جلد 2، صفحات 42-44.

محرم: زدن آلات تاردار، مزامیر، تنبور، رباب، عود و امثال آنها.
مباح: دف.

مکروه: زدن مردان به دف، زیرا مخصوص زنان است و آنانکه شبیه زنان اند.¹⁵⁸
پنجم: مذهب الظاهری

ابن حزم الظاهری تمام آلات موسیقی را مباح میداند و دلیل او این است که تمام احادیث روایت شده در مورد منع موسیقی موضوعی و ضعیف است.¹⁵⁹
ابن حزم در مسأله موسیقی می گوید غناء مباح است و حدیث ابی مالک الأشعری که دلالت به حرمت آن می کند، ضعیف است.
نتیجه نظریات مذاهب تسنن:

قسمیکه اشاره شد فقهای اهل تسنن در حکم غناء و موسیقی اختلاف نظر دارند، برخی آن را مباح، گروهی آن را حرام و دسته ای آن را مکروه می دانند. البته در اجتهادات فقهای مذاهب تسنن در مسأله غناء و موسیقی نباید شرایط سیاسی و اجتماعی وقت را نادیده گرفت. در عصر اول و دوم عباسی، خلفاء و بزرگان دولت و سرمایه داران در شنیدن موسیقی و غناء اسراف کردند، مجالس رقص و مجالس که در آن منکرات زیاد تکرار می شد، سبب آن شد تا فقهاء در منع موسیقی و غناء از شدت کارگیرند. متأسفانه موسیقی معاصر در محافل عروسی ها و دیسکو و کنسرت ها، همراه به لهر و لعب و پاکوبی و نوشیدن شراب یکجا شده است، یکجا شدن موسیقی و

¹⁵⁸. موفق الدین شمس الدین بنی قدامه، المغنی و الشرح الكبير علی متن المقنع فی فقه الإمام احمد بن حنبل، دارالفکر 1994.

¹⁵⁹. محمد ابوزهرة، همان مرجع.

غناء با محرّمات ثابت در دین جای شک نیست که موسیقی و غناء حلال را حرام می‌سازد.¹⁶⁰

علماء و فقهاء متأخر مذاهب تسنن، نظرات و اجتهادات شان به مقارنه با نظریات فقهاء قرنهای اول اسلامی، متفاوت است و از مصلحت امت اسلامی و جامعه اسلامی است تا از نظرات و اجتهادات علمای معاصر استفاده شود، در غیر آن جامعه اسلامی به طرف افراط و تفریط رفته اصل دین صدمه می‌بیند.

در صدر اسلام، علماء و فقهاء در اکثر موارد خصوصاً در مورد غناء و موسیقی آسانگیر بودند و از تشدد کار نمی‌گرفتند. دکتر یوسف القرضاوی در این مورد می‌گوید: علمای صدر اول اسلامی و متقدمین بیشتر به آسانی فتوا می‌دادند، اما متأخرین به تشدد رو آوردند، اگر خطیبانی فقه و فتوا از عهد صحابه و بعد از ایشان را مطالعه نمائیم به صورت واضح مثالها را در این موارد ملاحظه می‌نمائیم.

علماء متأخر بیشتر به احادیث ضعیف و موضوعی استنباط کرده‌اند. و علت دیگر تشدد در فتوا، انحراف موسیقی و آواز خوانی است، فسق و فجور در مجالس هنر موسیقی بیشتر شد و برای اصلاح آن علماء فتوا به حرمت دادند تا جلوی فسق و فجور را گرفته باشند. متأسفانه محیط هنر موسیقی به مرض فساد اخلاقی مبتلاء گردید و هنرمندان بازیچه مؤسسات تجارتي شدند و سرمایه داران فاسد از جسم هنرمندان زن بیشتر نسبت به هنرشان

¹⁶⁰. از موسیقی معاصر و نواقص آن مراجعه شود: فقه الغناء و الموسيقى، نصوص معاصرة / www.nosos.net و سیما راتب عدنان ابو رموز، حکم الموسيقى فی الإسلام، القدس، فلسطین 2005.

استفاده کردند، لذا متأخرین بیشتر به حرمت موسیقی و غناء رأی دادند تا جلو نشر فساد را گرفته باشند. لیکن حال وقت آن رسیده تا با استفاده از منابع اصیل و اولی در دین و اجتهادات علماء و فقهای صدر اول اسلام در حکم جواز و عدم جواز موسیقی و هنر استفاده کرد. علماء و فقهاء معاصرین وظیفه مقدس را بصورت علمی انجام داده اند که در صفحات بعدی نمونه های آنرا مطالعه می نمایم.

رأی علمای معاصر در جواز موسیقی و غناء

علمای معاصر بعد از مطالعه و بررسی آراء و نظریات فقهاء و مدارس فقهی گذشته به آراء و نظریات معتدلتر و مناسب به وقت و عصر رسیده نصوص اسلامی را تفسیرات جدید نموده اند، مطالعه آراء فقهای معاصر بسیاری از مشکلات جامعه معاصر را حل و فصل می کند. در این قسمت نظریات و آراء عده از فقهای معاصر بصورت بسیار فشرده ذکر می شود.

دکتوریوسف القرضاوی در کتاب «فتاوی معاصره» و در کتاب «ملاح المجتمع الإسلامی»، «الإسلام والفن»، «فقه الغناء والموسیقی»، «استماع غناء و موسیقی را جواز می داند و اما شرط می گذارد که همراه با محرمات مانند شراب نباشد. علامه القرضاوی اضافه میکند غناء و موسیقی متفق با آداب و تعلیمات اسلام باشد.

شیخ فرید الأنصاری، حکم به جواز موسیقی و غناء می دهد و می گوید غناء و موسیقی از جمله مسائل است که در شریعت از آن سکوت شده و دلیل برای حرمت آن در قرآن کریم و سنت نبوی نیست. او اضافه میکند، آلات موسیقی قبل از اسلام موجود بود، و اما نص صریح و صحیح در تحریم آن نیامد و از حدیث المعازف (آلات موسیقی) که از آن برای تحریم استفاده میشود شیخ

فرید می گوید حدیث ظنی دلالت است ، و در باب فتن داخل است نه در باب تشریع.¹⁶¹

دکتور شیخ سلمان عوده در فتوای که از طرف مجمع علمی مؤسسه الإسلام الیوم در قصیم ، عربستان سعودی ، سال 1428 هجری به نشر رسیده است در مورد حکم غناء و موسیقی و آلات موسیقی و نشید اسلامی می گوید که این امور از موضوعات ثانوی است که بین علماء اختلاف در مورد آن است و در جمله مسایلی است که اختلاف در مورد آن جواز دارد و اما نباید در جمله اولویات آورده شود تا سبب تفرقه و اختلاف قلوب گردد.¹⁶²

شیخ محمد متولی الشعراوی در تفسیر قول تعالی : « و من الناس من یشتري لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخدها هزواً أو لئک لهم عذاب مهین » (لقمان:6) . می گوید: در این آیه خداوند نگفت غناء و اما: نص امر و تشویق به فضیلت میکند که حلال است، و اگر غناء و موسیقی غریزه ها را به شور و هیجان بیاورد باطل و حرام است. مثلاً اگر زن زیبایی های خود را به نمایش بگذارد بغیر از موسیقی و غناء نیز حرام است. آنچه ما امروز می بینیم و می شنویم که بنام غناء است، شامل حرکات و رقص و موسیقی زشت است و بدون شک حرمت دارد و هر آنچه انسان را از وقار دور سازد و شعور به تهذیب را صدمه بزند حرام است. غناء صوت است، اگر صوت به طرف دیگر حرکت کند و دستان و پیاها را به حرکت آورد ، حرمت پیدا می کند.

¹⁶¹. دلالت به معنای راهنمایی و هدایت است ، در اصطلاح ، به حالتی در یک شیء گفته می شود که سبب علم به شیء دیگر می گردد ، شیء اول را « حال » و شیء دوم را « مدلول » می گویند. دلالت اقسام مختلفی دارد از جمله دلالت عقلی، دلالت وضعی ، دلالت طبعی .
¹⁶². دکتور عوده ، خط وسط اسلامی را در عربستان سعودی رهبری میکرد ، از طرف ابن سلمان زندانی و محکوم به اعدام شد.

الشعراوی اضافه میکند ، هر وسیله که انسان را از مطلوب باز دارد ، حرام است و اگر مانع واجب و عبادت الله شود حرمت دارد. او اضافه میکند که در افراح ، خوشی ها ، در ایام عید و مناسبات ، کارهای شاقه ، نشید ، هر چیزی که غرض و هدف از آن پاک باشد مانع در آن نیست (کل شیء یخرج انسان را از وجایب و عبادات حرام است). هر چیزی که انسان را از وجایب و عبادات خارج سازد حرام است.

شیخ المسیر بعد از ذکر اختلاف در مسأله غناء می نویسد: حرمت غناء در قول فحش و برانگیختن غرائز و نمایش زیبایی های جسم و اسراف که بیشتر وقت انسان را بگیرد است ، در این حالات حرمت دارد. متأسفانه موسیقی و غنا معاصر همین طور است ، بدون قیمت معنوی و هنری ، ابتذال و تخریب اخلاق جامعه¹⁶³

در فتوا ، دارالافتاء مصر آمده: استماع موسیقی جواز دارد زیرا صوت است ، خوب آن خوب و زشت آن زشت است ، حرمت زمانی است که موسیقی با چیز های حرام یکجا شود مثل نظر انداختن به عورات ، و آنچه خداوند حرام کرده مثل نوشیدن شراب و استعمال مواد مخدره و غیره و اگر استماع موسیقی با منکرات یکجا شود حرمت پیدا میکند.¹⁶⁴

استاد عبدالسمیع سکر تیر جنرال دارالافتاء در مصر در جواب سوالی می گوید: بعض سراینده ها هستند که در انسان حالت عدم توازن و حالت نفسانی منفی را بوجود می آورند یا انسان را به عمل فحشات و محرمات میرسانند ، این نوع موسیقی در جمله محرمات است.

¹⁶³ www.islmweb.net>fatwa

¹⁶⁴ دارالافتاء مصری ، دو شنبه 30 دسمبر 2019 / www.elwatannews.com

اما نوع دیگر موسیقی قابل قبول است و برای نفس انسان محبوب و انسان را به سعادت و از مشکلات آرام می سازد. از اینجا قول نبی صلی الله علیه وسلم «ساعة وساعة»¹⁶⁵

در فتوای دیگر آمده است: جواز دارد استماع موسیقی و استماع به آن و اما بشرطیکه انسان موسیقی و غناء خوب را انتخاب کند، و نباید موسیقی و غناء انسان را از ذکر خداوند باز دارد، و یا انسان را به طرف فحشات بکشاند، نه در کتاب الله عزوجل، و نه در سنت نبی کریم صلی الله علیه وسلم استماع موسیقی حرمت دارد. در مورد استعمال آلات موسیقی دارالافتاء می گوید که ضرب به آلات موسیقی آواز است، خوب آن خوب و زشت آن زشت است. در آیات قرآنی نهی صریح از آلات موسیقی مشهور نیست و در حدیث بخاری حرمت از جمیع آلات موسیقی نیست.

علامه محمد الغزالی در مباح بودن موسیقی اعتماد کامل به اصل فقهی «أن الأصل فی الأشياء الإباحة» استنباط می کند، و اعتقاد برین دارد که در حرمت غناء مطلقاً هیچ حدیث صحیح نیامده است، الغزالی اضافه میکند که غنا کلام است، حسن آن، حسن و قبیح آن قبیح است. الغزالی در مورد موسیقی می گوید، موسیقی مانند غناء است و در سنت نبوی صلی الله علیه وسلم آمده که صوت ابی موسی الأشعری را مدح و توصیف نمودند. و از شنیدن موسی الأشعری که با قرآن غناء میکرد گفتند: «لقد أوتیت مزامراً من مزامیر آل داود»، اگر مزامر آله ای زشت می بود رسول الله اینطور نمی

¹⁶⁵ www.almasryalyoum.com / ساعة، ساعة به این معنی که یک ساعت در عبادت و

یک ساعت برای راحت.

گفتند. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم دف و مزمار را بدون حرج استماع کردند، نمی دانم از کجا بعض موسیقی را حرام و منع از استماع آن می کنند. الغزالی از امام ابن حزم الظاهری نقل قول می کند که گفت: هیچ حدیث در تحریم آلات موسیقی صحت ندارد، و حدیث دیگری: «نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم عن صوتین ملعونین: صوت نائحة وصوت مغنیه»، رسول الله صلی الله علیه وسلم از دو صوت ملعون نهی کردند: صوت نوحه سرای وصوت خواننده زن. الغزالی می گوید این حدیث سند ندارد. و حدیث که امام بخاری از ابی مالک الأشعری آورده در معلقات است و ابن حزم در مورد آن می گوید: سند حدیث مقطوع است، اتصال بین بخاری صدقه بن خالد روایت کنند حدیث قطع است، ابن حزم می گوید ممکن مقصد از بخاری اجزاء کل حدیث باشد باین معنی اگر در محفل خمر و غناء و فسوق باشد به اجماع مسلمین حرام است.¹⁶⁶

شیخ سید سابق مؤلف کتاب «فقه السنة» در باب «بیع آلات الغناء» می نویسد: غناء جواز دارد، غناء مباح و شنیدن آن حرمت ندارد، باین معنی که شرعاً فروش و خرید آلات موسیقی جواز دارد زیرا در آن منفعت است. همه انواع غناء حلال است و درضمن زنانیکه برای اطفال شان می خوانند، کارگران در وقت کار برای اینکه غناء زحمت شانرا کمتر می سازد، غناء در خوشی، روزهای عید و برای اظهار خوشی و سرور جواز دارد.¹⁶⁷

¹⁶⁶. اليوم السابع، 22 سبتمبر 2019. مطالعه کتاب علامه الغزالی بنام «السنة النبوية بين أهل الفقه.. وأهل الحديث» در عصر حاضر برای محققین جوان واجب است.

¹⁶⁷. اليوم السابع، الأحد 30 ديسمبر 2018 / 2018/12/30 > www.youm7.com

دکتر جعفر ادریس الکتانی الحسنى، در کتابش می نویسد: در مذهب صحابه و تابعین در مورد موسیقی و غناء صراحتاً در حرمت چیزی نیامده است و تعداد از صحابه موسیقی را استفاده و شنیده اند، و تحریم موسیقی و غناء بدون صراحت بعد از عصر صحابه آمده است.¹⁶⁸

شیخ احمد کریمه می گوید موسیقی حلال است و هیچکس به حرمت آن فتوا نداده است. آلات موسیقی مانند دف در عصر رسالت بود و دف آله موسیقی آن زمان بود.

شیخ سعید الکملی می گوید، ابن حزم از آلات موسیقی دفاع می کند.

آیا ممکن است قرآن کریم را با موسیقی تلاوت کرد، یا میتوان به الحان موسیقی قرآن کریم را تلاوت کرد؟

دکتر محمد عماره در کتاب معروفش بنام (الغناء و الموسيقى، حلال أم حرام؟) می نویسد: قضیه حرمت غناء و موسیقی را باید از باب لغت عربی، قرآن کریم و سنت شریف بحث کرد. سماع اگر همراه با محرمات و یا وسیله برای محرمات و نزدیک شدن به محرمات باشد، حرام است، در غیر آن و خارج از آنچه ذکر شد حضور داشتن در مجلس موسیقی و غناء و شنیدن آن مباح است. غناء کلمات و الحان است، خوب آن خوب و قبیح آن قبیح است و اضافه میکند غناء در دائره مباحات است، سماع آلات موسیقی با نغمه ها و یا اصوات جمیل را، ممکن نیست حرام گفت به دلیل اینکه صوت آله موسیقی است.

¹⁶⁸. دکتر جعفر بن ادریس، مواهب الأرب المبرنة من الجرب فی السماع و آلات موسیقی

، جلد 1 صفحات 1-2.

شیخ مصطفی الزرقا می گوید: عبادات در اسلام عقلانی و فکری است، لذا نمی تواند با موسیقی همراه باشد. قرآن کریم قائم بذات خود از باب اعجاز، بلاغت، حقایق علیا و حکمت و احکام ثابت می باشد، خلود قرآن کریم قائم به الحان و نغمه ها نیست.

نظام عبادت در اسلام استوار به دو اساس است

- متعلق به هدف از عبادت.
- طبیعت عبادت.

اگر به دقت ملاحظه شود، دیده میشود که عبادت مراسم و اجراء شکلی و بی معنی نیست، عبادات در اسلام بطور کل شامل عنصر تفکر و عزیمت است به معنی دیگر تفکر و عزیمت رکن عبادت در اسلام است. لذا اسلام قبول ندارد تا سوره های قرآن کریم با موسیقی تلاوت شود، و همچنین قبول ندارد که عبادت با موسیقی باشد. در این حالت تلاوت با موسیقی و عبادت به آن، عبادت عقلانی و ذهنی را مورد سؤال قرار میدهد.

اسلام بین حساس هنری که از مشاعر یا شعور نفسانی و غریزوی است که ارتباط به عقل و تفکر ندارد، و بین عبادت که عمل فکری و عقلی است فرق می گذارد.¹⁶⁹

دکتر محمدی عاشور، فتوا به جواز شنیدن موسیقی میدهد و می گوید که هیچ علت و سبب در تحریم موسیقی نیست، اما اگر موسیقی با محفل نوشیدن شراب و فواحش همراه باشد باید از آن دوری کرد، بعضی داکتران می گویند شنیدن موسیقی عصاب را آرام می کند.

¹⁶⁹ مصطفی الزرقا، فتاوی، تقدیم: دکتر یوسف القرضاوی، دار القلم، دمشق 1990.

صحابه و تابعین که فتوا به جواز غناء داده اند:

150 صحابی و تابعی و امامان مذاهب فقهی که فتوا به جواز غناء داده اند عبارت اند از:

1. حسان بن ثابت (45 هجری).
2. زید بن ثابت (45 هجری).
3. عمرو بن العاص (43 هجری).
4. معاویه بن ابی سفیان (60 هجری).
5. عبدالله بن عمر بن الخطاب (68 هجری).
6. عبدالله بن الزبیر (73 هجری).
7. القاضی شریح (78 هجری).
8. عبدالله بن جعفر بن ابی طالب (80 هجری).
9. سعید بن المسیب.
10. عطاء بن ابی رباح.
11. الزهری.
12. الشعبی.¹⁷⁰

علماء که به مباح بودن موسیقی و غناء نظر داده اند:

1. امام الشوکانی در «إبطال دعوی الإجماع فی تحریم مطلق السماع».
2. امام عبدالغنی النابلسی «ایضاح الدلالات فی سماع الآلات».
3. سلطان العلماء العزبن عبدالسلام «رسالة السماع وقواعد الأحكام».
4. ابن قتیبة «الرخصة فی السماع».

¹⁷⁰ . دکتور یوسف القرضاوی ، فتاوی معاصره.

5. القیسرانی «السماع».
6. ابن طاهر المقدسی «السماع».
7. الحافظ الذهبی «الرخصة فی الغناء و الطرب».
8. ابو حامد الغزالی «إحیاء علوم الدین».
9. ابو طالب المکی «قوت القلوب».
10. القاضی ابوبکر بن العربی المالکی «احکام القرآن».
11. امام ابن حزم الظاهری «المحلی».
12. دکتور یوسف القرضاوی، محمد الغزالی، محمد المرعشلی، شیخ عبدالله الجدیع، دکتور سالم التثقی، شیخ عبدالله الباری الزمزمی، شیخ حسن العطار، محمود شلتوت، علی الطنطاوی، محمد رشید رضا.¹⁷¹

نظر فقهاء در مورد آلات موسیقی:

در مورد آلات موسیقی، داشتن و استعمال آن نظرات متفاوت در کتب فقه اسلامی و در مذاهب پنجگانه رسمی موجود است. موضوع آلات موسیقی را برای اولین بار فقیه حنفی الشیخ عبدالغنی النابلسی در کتابش بنام «إيضاح الدلالات فی سماع الآلات» به بحث گرفت. النابلسی می نویسد: (دف) خصوصیت خاص ندارد که در احادیث مباح گفته شده، دف آله موسیقی است که صدا دارد، ذکر اسم دف یا اشاره به دف در احادیث نبوی به

¹⁷¹ محمد المرعشلی، الغناء و المعازف فی الإعلام المعاصر. عبدالله الجدیع، الموسیقی و الغناء فی میزان الإسلام. دکتور سالم التثقی، احکام الغناء و المعازف و انواع الترفیة الهادف. عبدالله الباری الزمزمی، القول المنصف فی الغناء و المعازف. دکتور محمد عمارة، الإسلام و الفنون الجمیلة.

این معنی است که در آن زمان در جمله آلات موسیقی مورد استفاده مردم بود، دف فرق و تفاوت از دیگر آلات موسیقی ندارد.

النابلسی اضافه میکند که آلات موسیقی، در صورتیکه همراه با منکرات نباشد، و برای آرامش عصاب و راحت جسم بعد از کارهای شاقه باشد و سبب مانع و جاییب نشود مانع در آن نیست.

فقهاء و علماء اتفاق نظر دارند که دف و آلات موسیقی مانند آن در عروسی و عیدها مباح است و احادیث زیاد برای مباح بودن آن موجود است.¹⁷²

قابل تذکر است که آلات موسیقی که امروز موجود است قبل از 1400 سال وجودنداشت. در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آلات موسیقی عبارت از دف و طبل بود و پیامبر گرامی و سائل موسیقی عصر خود را مباح دانست و مردم را از استعمال و استفاده آن منع نفرمودند، این خود دلیل واضح برای مباح بودن آلات موسیقی معاصر بوده میتواند و باید گفت که آلات موسیقی با تمام اقسام و انواع آن مباح است و حرمت زمانی پیدا می شود که انسان از آن استفاده ای غیر اخلاقی کند.¹⁷³

دیدگاه فقه شیعه در مورد موسیقی و غناء

در آثار معاصر فقهی شیعه معمولاً موسیقی با عنوان غنا بیان شده و مقصود از غنا موسیقی آوازی است نه سازی. در کل غنا صدای موزون و خوش آهنگ است که خواه از گلولی انسان در آید و خواه از آلات موسیقی.

¹⁷². استماع لضرب الدف، جلد 4، صفحه 95، والعز بن عبدالسلام، شجرة المعارف، فصل الغناء و الدف و سماع ذلک، صفحه 375، و مصطفى الزرقا، فتاوی، صفحات 104-351.

¹⁷³. الحوار المتمدن، العدد: 5208 / 29/6/2016

غنا یعنی صدای امتداد یافته که در گلو غلت بخورد و موجب طرب شود. طرب یعنی از خود رهیدگی و سبکی، خواه از سرشادی باشد و یا از سرغم. بسیاری از نغمه ها و نوحه ها و بسیاری از قرائت های قرآن هم غنا هستند. فقهی را نمی شناسیم که از این سنت ها نهی و پرهیز کرده باشد.

فقه های شیعه در مورد موسیقی و غناء بیشتر به حرمت آن اعتقاد و باور دارند و با مقارنه به فقه های تسنن در مسأله شدید تراند. عموماً فقه های شیعه غنا را حرام و موسیقی را به دو قسم: لهوی و غیر لهوی تقسیم می کنند و موسیقی لهوی را حرام می دانند.

در فقه تشیع در مسأله غناء و موسیقی کتاب های زیادی نوشته شده است و اکثراً به آیات قرآنی و احادیث نبوی که راویان آن از اهل بیت باشد استنباط شده و در مجموع فقه تشیع غناء را از اعمال شیطان میداند.

در معارف اسلامی آمده: اولین کسی که مرتکب غناء شد، شیطان بود.¹⁷⁴

همچنین روایتی از جعفر صادق آمده است: وقت آدم مرد (وفات کرد) ابلیس و قابیل با مرگ او خوشحال شدند، آن دو در اجتماع شرکت کردند و به نشانه شادی برای مرگ آدم تنبورها و وسائل لهو (موسیقی) استفاده کردند پس هر کس در روی زمین از این وسائل لذت برد از پیروان آن می باشد.¹⁷⁵

ادله تحریم موسیقی و لهو از قرآن کریم: فقه های شیعه برای تحریم غناء از آیه ششم سوره لقمان استنباط میکنند. (و از مردم هستند کسانی که می ستانند سخن بیهوده و لغو را تا بوسیله آن گمراه مردم را از راه خدا و آن را به

¹⁷⁴. حر عاملی محمد بن حسن، وسائل الشیعه جلد 12، صفحات 231-238.

¹⁷⁵. همان مرجع، نقل از کلینی، محمد بن یعقوب، از کتاب کافی جلد ششم.

تمسخر گیرد، به درستی که برای او عذابی خوارکننده {مهیا} است). عبد الله بن عباس رضی الله عنه میگوید: لهو یعنی طبل.

علی بن ابی طالب در وصیتش به فرزندش محمد بن حنفیه می گوید: سپس خدا هر عضو از اعضای تو را به واجبی اختصاص داده، و به آن واجب تصریح کرده. چنانکه برگوش واجب کرده است که معاصی را نشنود و فرمود: «و إذا مروا بالغو مروا کراما» (قصص: 55)، و خدای عزوجل فرموده است: و کسانی که چون سخن لغورابشنوند از آن دوری گزینند. پس چیز است که خدای عزوجل آن را برگوش واجب ساخته و آن عمل گوش است.¹⁷⁶

همچنین در وسائل الشیعه از محمد نقل شده که گفته است: «شما را از بازی دف، ساز، نی، نرد، دایره، طبل و تنبور بر حذر می دارم». همچنین از او نقل شده: «قرآن را با لحنها و آوازه های عرب بخوانید و از لحنهای بدکاران و اهل گناهان کبیره دوری کنید، زیرا که پس از من مردمانی آیند که قرآن را چون خوانندگی غناء و نوحه خوانی و رهبان مابی در حنجره بچرخانند، چنین قرائتی از گلوگاه آنان نگذرد، دلشان وارونه است، و دل هر که از آنها خوشش آید {هم وارونه است}».¹⁷⁷

همچنین محدثانی همچون طبرسی و مجلسی روایت کرده اند زمانی که محمد وارد مدینه شد زنانی از طایفه بنی النجار در حالی که دف می زدند مقدم او را گرامی داشتند. محمد از آن ها پرسید «شما مرا دوست می دارید؟» و زمانی که تأیید کردند سه بار گفتند: «به خدا من هم شما را دوست می دارم.

¹⁷⁶. تفسیر اهل بیت علیهم السلام جلد 10 صفحه 498

¹⁷⁷. راجع به مراجع که در این قسمت آمده مراجعه شود: گزیده ای از کتاب غناء موسیقی

<https://hawzah.net/>

در چند روایت از جعفر صادق چنین نقل شده است: «خانه غناء خانه ای است که نه از مرگ ناگهانی در امان است و نه دعا آن مستجاب است و نه فرشته در آن وارد می شوند»¹⁷⁸

فقههای معاصر شیعه می گویند در آیات قرآن کریم و همچنین در روایات، کلمه موسیقی یا موزیک یا معادل آن از کلمات عربی سراغ نداریم، در قرآن کریم که نیست. حجت الاسلام حسینی ژرفا می گوید نه تنها در قرآن کریم هیچ نکوهشی در مورد موسیقی نیست، بلکه در سه جا موسیقی ستایش می شود. آنچه در قرآن نکوهش شده لهو، لغو و زور است.

حجت الله حسینی می گوید و در روایات هم تا آنجا که بخاطر دارم سراغ ندارم فقههای ما وقتی خواستند در باره حکم موسیقی در اسلام صحبت کنند مطلب را تحت عنوان حکم «غناء» در اسلام از یک طرف و همچنین حکم آلات موسیقی از طرف دیگر مطرح کردند. او اضافه می کند و می گوید: به طور کلی روایاتی که در مورد نکوهش غنا آمده به آنچه در آن عهد جریان داشته منحصر است نه به ذات موسیقی.

در کتابهای فقهی، یک جا بحث در باره غناء و در کنار آن بحث در باره آلات لهو دیده میشود. کلمه لهو در قرآن کریم در چند جا ذکر آن آمده است.

امامان شیعه باین باور اند که از سوره جمعه آیه 11 «وإذا راوا تجارة أو لهو انقضوا إليها و ترکوک». و این مردم (سست ایمان) چون تجارتی یا لهو و بازیچه ای ببینند بدان شتابند و تورا در نماز تنها بگذارند. اما از این آیه نمی شود برای حرام بودن موسیقی و حرام بودن لهو استفاده کرد. حتی می شود گفت که آیه در صدد اینست که بگوید چرا اینان نماز پیغمبر را ترک

¹⁷⁸. همان مرجع.

کردند و رفتند، همینطور که با استفاده از این آیه نمی شود گفت که تجارت حرام است. در چند آیه دیگر از قرآن کلمه «اللعو» آمده و بعضی از فقهاء «لعو» را هم بهمان «لهو» معنی کردند و در آن آیات هم از لعو نکوهش شده اما باز از آن برای حرام بودن لهو استفاده نمی شود.

مجالس خوانندگی به عنوان نمک آش استفاده می شود یعنی خوانندگی و نوازندگی برای تشویق شرکت کنندگان به گناهان دیگر بوده است، اصلاً این نوع خوانندگی و نوازندگی به این معنا که در آن مجلس زنان با مردان شرکت می کردند و مجالس، مجالس عیاش، هوسرانی، هرزگی، زنا، فسق و فجور بود و ترانه هایی بوده تشویق کننده به این کار، حرام است. بنابراین خلاصه مطلب چنین است: که هر آوازه خوانی حرام نیست، هر نوازندگی حرام نیست، آن نوع از آوازه خوانی و آن نوع از نوازندگی که شنونده یا حاضران در یک مجلس را به گناه می کشاند و اهتمام آنها به رعایت قوانین پاکی و تقوی ضعیف می کند اراده آنها را برای گناه نکردن و به گناه آلوده نشدن سست می کند و آنها را به شرکت در گناه تشویق میکند نوع موسیقی حرام است.

اما اگر آوازه خوانی یا حتی موسیقی هست که این اثر را ندارد حرام نیست.¹⁷⁹ در مورد وسایل موسیقی فقهاء شیعه به این روایات بیشتر اتکاء دارند: کسی خدمت امام معصوم آمد و گفت من وسایل موسیقی دارم و در مورد آنها کسب تکلیف کرد. امام فرمود مادامی که به عصیان نینجامد اشکالی

¹⁷⁹ بررسی کامل موسیقی از نظر اسلام (دوران قبل و بعد از اسلام)، Error! Hyperlink

reference not valid. / مراجع فقه شیعه در مورد غناء و موسیقی: www.pasokh.org

/ www.fa.wikifeqh.ir / www.mehrnews.com / www.porseeman.com/ /

/ www.fa.wikishia.net / www.malayeru.ac.ir

غناء و موسیقی از دیدگاه فقه امامیه / www.virascience.com

ندارد. این روایت نص بر عدم حرمت است و هیچ اشکالی در آن وارد نمی شود.¹⁸⁰

در فتوای مراجع شیعه در مورد موسیقی و غناء آمده:

آنچه که از دیدگاه عرف موسیقی قرین با لُهو و طرب باشد که مناسب با مجالس لُهو و باطل است، این نوع از موسیقی حرام است و فرقی ندارد بین موسیقی کلاسیک و غیره و تشخیص این موضوع به نظر عرفی مکلف بر میگردد، و اگر موسیقی دارای شرایط نباشد فی النفسه اشکالی ندارد.

در تعریف موسیقی مطرب و قرین با لُهو علماء شیعه می گویند: موسیقی مطرب قرین با لُهو آن گونه از موسیقی است که نوعاً انسان را از حالت طبیعی خارج میسازد و به سبب داشتن محتوای خاصی که متناسب با مجالس لُهو و معصیت است و مرجع در تشخیص موضوع عرف است. در باب موسیقی عرفانی شیعه معتقد است که: موسیقی از طرف وصول به پروردگار شمرده نمی شود، و این مهم از خلال موسیقی بدست نمی آید.¹⁸¹

موقف و نظر آیه الله العظمی السیستانی: فتوای علی السیستانی مرجع اعلی دینی در نجف در مورد موسیقی و غناء تازه ترین نظرفقهی در فقه تشیع میباشد، علامه السیستانی مرجع دینی یک تعداد از پیروان مذهب جعفری

¹⁸⁰ قرآن موسیقی را ستایش می کند / موضع فقه شیعه نسبت به موسیقی /

www.mehrnews.com

¹⁸¹ استفتات از مراجع شیعه / effat.ir / عفاف و حجاب، فوریه 9.2012 / efaf

andhijab encyclopedia. از فتوای آیت الله السیستانی مراجعه شود:

www.sotaliraq.com و www.sistani.org>arabic

در افغانستان نیز می باشد. دفتر السیسانی فتواهای او را کاملاً به نشر سپرده که مختصراً در اینجا نقل میشود.

برای احتیاط بیشتر و دور اندیشی غناء زنان را در عروسی ها باید ترک کرد. جواز ندارد شنیدن غناء در مجالس زنانه از باب احتیاط حتی در عروسی های شان از باب احتیاط لازم است ترک شنیدن غناء در شب عروسی و شنیدن غناء توسط زنان.

غناء حرام است ، و مانند آن قرأت مداحان اهل البيت (عليهم السلام) که به الحان غنائی می خوانند احتیاطاً جواز ندارد.

علامه السیستانی در تعریف غناء می گوید: غناء در ظاهر کلام لهو - شعر و نثر - است که بشکل الحان معروف در نزد اهل لهو و لعب سروده می شود ، و عبرت در صدق عرفی میباشد ، و اما استماع به آن حرام است مانند حرمت عمل کرد و بدست آورد اجوره از آن.

در مورد غناء بدون موسیقی ، السیستانی می گوید: غناء تمام آن حرام است و عبارت از کلام لهوی است که بواسطه الحان متعارف نزد اهل لهو و لعب سروده می شود ، همچنان برای احتیاط کلام غیر لهوی که به این نوع الحان باشد حرمت دارد. در مورد اینکه آیا غناء در عروسی ها جواز دارد ، و آیا کف زدن جائز است؟ السیستانی می گوید: غناء در عروسی ها و غیر عروسی ها حرم است و بصورت استثناء ، غناء زنان در صورتیکه اشیاء حرام دیگر مانند زدن طبل و دف به آن یکجا نباشد مباح است و کف زدن مانع

نیست.¹⁸² السیستانی میگوید که باید زنان در عروسی ها آواز بخوانند، و جواز ندار استماع غناء حتی در عروسی های شان.

در آواز خواندن زنان در شب ازدوج، علامه السیستانی می گوید، این مسأله در آن شک است و از باب احتیاط ترک آن لازم است.

خلاصه رأی فقهی در مورد حلال و حرام اشیاء خاصتاً موسیقی و غناء که موضوع بحث است.

فقهاء و علماء از عصر اول اسلامی تا امروز در مورد جواز و عدم جواز موسیقی و غناء اتفاق ندارند، هر طرف برای اثبات قضیه دلائل از کتاب الله و سنت نبوی صلی الله علیه و سلم می آورند. قابل یاد آوری است که در فقه اسلامی از قرن اول اسلامی دو مدرسه مهم میباشند: مدرسه تشدد و مدرسه آسان. مدرسه تشدد را عبدالله بن عمر رضی الله عنه و مدرسه آسان را عبدالله بن عباس رهبری می کند. در اصطلاح فقهی مدرسه تشدد بنام «شدائد ابن عمر» و مدرسه آسان بنام «رخص ابن عباس» یاد می شود. خلیفه عباسی از امام مالک دعوت کرد تا از شدائد ابن عمر و رخص ابن عباس فقه جدید را تدوین کند. امام مالک کتاب «الموطأ» را تألیف و برای خلیفه فرستاد.

خلیفه خواست تا الموطأ را بدروازه کعبه آویزان و یک نسخه آنرا به تمام ولایات اسلامی بفرستند و حکام و قضات را امر کنند تا مطابق الموطأ قضایا را فیصله نمایند. امام مالک با نظر خلیفه موافقت نکرد و گفت: صحابه ای

¹⁸². علامه السیسانی در مورد غناء و موسیقی تفصیلات مفصل آراء کرده است که در این تحقیق آوردن همه آنها کار مشکل است. محققین می توانند به اصل فتوا های علامه السیستانی مراجعه فرمایند. صوت العراق « السیستانی یجیب علی أسئلة

رسول الله صلی الله علیه و سلم به نقاط مختلف رفته اند و فقه رسول الله را به مردم تعلیم داده اند و مردم آنرا پذیرفته اند، و نباید مسلمانان را مجبور به اطاعت و پیروی از یک مدرسه فقهی ساخت.

از این حکایت باین نتیجه میرسیم که مسلمانان برای امور زندگی شان آزاد اند تا از هر یک مدرسه فقهی که با شرایط زندگی شان مطابقت داشته باشد پیروی کنند.

موسیقی و غناء از صدر اول اسلامی تا امروز در ساحة عقائد و دائره حلال و حرام بحث نمیشود، و نباید اجازه داد تا در این ساحات بحث شود، و موضوع به کفر و ایمان و حلال و حرام برسد. دلایل گروه های که موسیقی را حرمت می دادند و تا هنوز در جامعه اسلامی حضور دارند، با دلایل قویتر و مستند آراء و نظریات شان رد گردید، و ثابت شد که دلایل جواز موسیقی و غناء البته با شرایط مباح است.

مهمترین و خطرناکترین مسأله در اسلام، قضیه حلال و حرام است و به منظور اینکه انسان به مذاج خود یک شیء را حرام و شیء دیگر را حلال نسازد، قرآن کریم و سنت نبوی شریف قضیه حلال و حرام ساختن را به اراده و اختیار انسان نگذاشتند و به نص صریح و ثابت حرام را معرفی نمودند.

در اسلام، «الأصل فی الأشياء الإباحة ما لم یرد نص فی القرآن الکریم أو الأحادیث النبویه الصحیحه یثبت عکس ذلک» اشیاء که منفرد آن شیء است نکره میباشد یعنی شامل تمام اشیاء می شود، مباح است یعنی حلال است مگر اینکه نص صریح در قرآن کریم و احادیث نبوی صحیح غیر عکس آن باشد.

بطور مثال ، در مورد غذاء کلمه « حلال » باین معنی است که غذاء مطابق شریعت اسلامی باشد و اکثر نوشابه ها و غذاء ها در حرمت آن نص ثابت نیست ، مگر در مورد خون ، گوشت خوک و حیوان مرده که در قرآن کریم نص ثابت و احادیث صحیح آمده.

در این او اخر صناعت حلال (Halal Industry) توسعه یافته و از دائره غذاء و نوشابه ها بیرون شده شامل وسائل تزین ، دواء و ادوات طبی و علامات تجارتی گردیده است و غیر مسلمانان نیز کوشش دارند تا از مواد حلال در خوراکه استفاده کنند. مطالعات و تحقیقات علمی که در پوهنتون انگلستان بریاست دکتور ستیفن ویلکنز ، در کانادا بریاست دکتور فرشید شمس ، در پوهنتون غلام اسحاق خان در پاکستان و غیره انجام یافته نشان میدهد که غذاء حلال پاکترین غذاء میباشد. مطالعات باین نتیجه رسیده است که ارشادات در اسلام به مفهوم حلال برای صحت و حفاظت حیات و حمایت نسل های بعدی بسیار با اهمیت است.¹⁸³

غذاء حلال در شریعت اسلامی معنی غذاء پاک را می دهد ، ذبح اسلامی حیوان را کاملاً پاک می سازد. با استفاده از موضوع غذاء میتوان قیاس کرد که موسیقی و غناء در اصل حلال است بشرطیکه با اشیاء حرام یکجا نشود ، در این حالت حرمت بخاطر موسیقی و غناء نیست بلکه حرمت به سبب اشیاء محرم میباشد. در مسأله موسیقی و در مورد جواز و عدم جواز غناء و موسیقی میتوان بصورت خلاصه گفت:

1. در تحریم غناء و موسیقی نص صحیح صریح در کتاب الله و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم نیست ، احادیث که دلالت به عدم جواز

¹⁸³ .الجزیره نت ، 2022/5/5

1. میکند، غیر صریح و غیر صحیح است و علماء در مسأله حرام و حلال از این نوع احادیث استفاده نمی کنند.
 2. خداوند متعال طیبات را برای مسلمانان حرام نساخته است.
 3. مراعات صورت و شکل اسلام در نظر دیگران.
 4. واجب است تا به موضوعیت و دور از عاطفه در مسأله غناء و موسیقی بحث کرد.
 5. مراعات آسانی در مسأله موسیقی و غناء و عدم برانداختن جنجال در جامعه، خصوصاً که موسیقی و غناء جزء از زندگی مردم شده است، و امکان نیست مردم را از شنیدن آن منع کرد، اما میتوان جامعه را به حقایق اسلام و موقف اسلام از موسیقی و غناء آشنا ساخت و همچنین میتوان هنرمندان را تعلیم داد تا در موسیقی و غناء اصول اسلام را مراعات و فرق بین حلال و حرام را دانسته و از حرام دوری کرد. گفته شد که اسلام، طیبات را برای مردم حرام نساخت، اما برای حلال ضوابط و مقررات وضع نمود، که در مورد موسیقی و غناء می توان ضوابط و مقررات را بطور خلاصه این طور معرفی کرد:
- ضوابط و قیودات در مسأله سماع غناء و موسیقی:
1. سلامت مضمون غناء از مخالفت با شریعت.
 2. سلامت طریقه اداء و دوری از برانگیختن غرائز شنونده.
 3. عدم یکجا نمودن موسیقی و غناء با اشیاء حرام.
 4. عدم اسراف در شنیدن موسیقی و عدم توجه به امور اجتماعی دیگر و مسائل علمی و تعلیمی.¹⁸⁴

در کتب فقه اسلامی برای مباح بودن موسیقی و غناء حدود و مقررات ذیل ذکر شده است:

1. موضوع و مضمون غناء مخالف آداب و تعلیمات اسلامی نباشد.
 2. اداء و طریقت غناء از تحریک شهوت دور باشد.
 3. عدم کثرت و زیادت موسیقی و غناء تا وقت کامل مردم را نگیرد و موسیقی و غناء مانع ذکر الله و اداء فرائض و واجبات نشود.
 4. عدم محرمات دیگر مانند خمر و قمار در مجلس موسیقی و غناء¹⁸⁵
 5. موسیقی و غناء برای حمایت از حکام ظالم و مستبد و استعمار و اشغال خارجی نباشد.
 6. اشعار برای تشویق فسق و فجور نباشد.
 7. هنرمندان زن نباید در وقت آواز و سرود ، زیبایی های جسم شان را به نمایش بگذارند.
 8. موسیقی و غناء به هدف رقصاندن اطفال خورد سال بنام بچه بازی نباشد.
- بطور کلی هر موسیقی و غناء چه شرقی و یا غربی و غیره با ویژگی های زیر حرام است:
9. موسیقی مبتذل و تحریک کننده جنسی.
 10. موسیقی مجالس رقص و گناه.
 11. موسیقی مجالس عیش و نوش.
 12. موسیقی موجب فساد.
 13. موسیقی با محتوای اشعار باطل.

¹⁸⁵. سماع الغناء الأجنبی المجرّد عن الموسیقی.. حرمة أم ابیاحة؟ /

در روشنی مطالبی که در این بحث روی آن کار شد، می توان گفت: اگر بخواهیم اسلام را مخالف هنر به معنای عام بدانیم، یک ظلم فاحش به اسلام است. اسلام تنها دینی است که یکی از ابعاد اعجاز آن، بعد هنری است. شکل گیری آثار هنری شگفت انگیز که اعجاب هنرشناسان دنیا را برانگیخته، توسط فیلسوفان و فقیهان و متکلمان برجسته اسلامی خود گواه آن است که اسلام هنر ستیز و هنر سوز نبوده است. فقهاء و علماء که فتوا به حرمت و عدم جواز موسیقی و غناء داده اند، هدف شان حمایت اخلاق جامعه در عصری که زندگی داشتند بود، و از حرمت خواستند تا جامعه را که مشغول لهو و لعب شده بود براه راست هدایت کنند.

مذاهب رسمی پنجگانه در اسلام، تنها مذاهبی نیستند که در جوامع اسلامی رسمیت داشتند، مذاهب بی شمار در جهان اسلام بودند که مسلمانان از آنها در عبادات و معاملات شان پیروی میکردند. بعض مذاهب اسلامی نظر به عدم توجه پیروانشان آهسته، آهسته از صحنه خارج شدند، و مذاهب پنجگانه (حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی و جعفری) به قوت خود باقی ماند. در مورد مذهب جعفری، سنی مذهب ان افغانستان باین نظر اند که نواقص زیاد دارد. میخوایم بگوئیم که باید بین نظام سیاسی در ایران و عراق و بین مذهب جعفری باید تفاوت و فرق را قایل شد. در مجامع علمی جهان اسلام مذهب جعفری رسمیت دارد.

سؤال مهم که همیشه در جامعه اسلامی در مورد آن بحث می شود این است که: آیا مذهب واحد اسلامی میتواند حل مشکلات معاصر جامعه باشد؟ به عبارت دیگر آیا با تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روابط بین المللی یک مذهب میتواند جوابگو باشد و مشکلات مسلمانان را حل و فصل کند؟ اگر میتواند کدام مذهب در بین مذاهب اسلامی است؟

آیا در نتیجه تغییرات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و روابط بین المللی مسلمانان به فقه جدید و مذهب فقهی معاصر ضرورت ندارند؟

فقه‌های معاصر و دانشمندان بزرگ در تخصصات مختلف اسلامی باین عقیده و باوراند که جامعه اسلامی به فقه جدید ضرورت دارد، به دلیل اینکه یک مذهب به تنهایی قادر به حل مشکلات معاصر مسلمانان شده نمیتواند، اما مذاهب اسلامی در مجموع جمع اجتهادات معاصر میتواند مشکلات مسلمانان را حل کند.

دکتور یوسف القرضاوی می نویسد: مشکل اول مسلمانان، مشکل فکری است، خلل در فهم اکثر مسلمانان از اسلام، و عدم فهم و ادراک به آنچه مهم است و عدم فهم صحیح از جامعه ای معاصر که در آن زندگی داریم میباشد. همچنان عجز و ناتوانی مسلمانان به معرفت حالات معاصر و تغییرات که در جامعه اسلامی رخ داده است مشکل دیگر است. القرضاوی اضافه میکند در حقیقت ما ضرورت و حاجت به فقه جدید داریم، مقصد و هدف از فقه جدید در معرفت احکام شرعی مثل احکام وضوء، نجاست، احکام ازدواج و طلاق نیست، بلکه هدف و مقصد از فقه جدید فهم از جامعه جدید و معاصر میباشد.¹⁸⁶

فقهاء از صدر اسلام متوجه تغییرات جامعه بودند و در روشنی تغییرات جامعه و ضرورت های جدید، فقه و مذهب را تجدید کردند. بطور مثال امام شافعی فقه را نخست در عراق تدوین نمود، و زمانی که به مصر رفت ملاحظه کرد که ضرورت های مردم مصر غیر از ضرورت ها و احتیاجات مردم جزیره

¹⁸⁶ دکتور یوسف القرضاوی، أولیات الحركة الإسلامية فی المرحلة القادمة، صفحات 25-

العرب و عراق است لذا فقه و مذهب خود را تجدید کرد. در تاریخ اسلامی شافعی دارای دو مذهب و دو فقه است، فقه شافعی در قدیم و فقه شافعی جدید. امام شافعی میتود علمی و اکادمی بزرگ را به میراث گذاشت که در جهان امروز بیشتر قابل استفاده می باشد.

امام مالک به امر خلیفه عباسی بین فقه عبدالله بن عمر و عبدالله بن عباس توافق را بوجود آورد و به فقه جدید بنام مذهب و فقه مالکی بیرون شد، اما اجازه نداد تا مذهب و فقه او، مذهب و فقه رسمی دولت اسلامی باشد تا مردم مجبور و مکلف به یک مذهب و فقه نباشند و آزادی های فکری و اجتهاد بسته نشود.

در تدوین قوانین کشورهای اسلامی، علماء و حقوق دانان از تمام مذهب اسلامی استفاده نمودند و حتی قوانین افغانستان که در عصر اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، تدوین شده بود از مذاهب معتبر اسلامی در تدوین آن استفاده شده بود. علما احناف در قسمت مدت انتظار خانمی که شوهرش مفقود گردیده به مذهب مالکی فتوا صادر نمودند که عبارت از چهار سال است. علامه شامی متقی نقل نموده که «قهستانی» (تولد 353 هجری) که از جمله علمای شهیر مذهب بشمار میرود این فتوا را صادر و مرور چهار سال را از زمان مفقود شدن شوهر برای تفریق خانم او کافی دانسته است. در قانون احوال شخصی افغانستان یک سال به اساس مذهب مالکی، برای تفریق قبول شده بود.

در میراث، قانون جدید اسلامی، برای نواسه ها از میراث پدر کلان حق قائل شد، و قانون بنام «الوصیة الشرعیة» است، در حالیکه در مذهب حنفی این حق نبود. در مسأله شیرخوارگی، به هدف حمایت خانواده ها در قانون افغانستان و سائر کشور های اسلامی آمده که طفل باید پنج بار شیر خورده

باشد. در طلاق، طلاق شفوی لغو شد، و سه طلاق یک طلاق گرفته شد. در طلاق شاهد نبود، اما از مذهب جعفری گرفته شد و دو شاهد در طلاق ثابت شد.

در تقسیم میراث نیز تغییر آمد، اگر زن با شوهر کار میکند، در سرمایه شوهر شریک است، در وقت وفات شوهر اولاً سرمایه نصف می شود و نصف برای شوهر و نصف دیگر به زن داده میشود، و زن از نصف حق شوهر میراث می برد.

بدین ترتیب تمام قوانین در کشورهای اسلامی، از مذاهب اسلامی استفاده کردند و استفاده از تمام مذاهب اسلامی معنی آن عدم صلاحیت یک مذهب در عصر حاضر برای حل مشکلات جامعه اسلامی میباشد.

بعد از مهاجرت مسلمانان به غرب عیسوی، مسلمانان اقلیت اسلامی را در غرب تشکیل دادند، برای رفع مشکلات شان فقهاء فقه جدید را بنام «فقه اقلیت های اسلامی در غرب» تدوین نمودند که شامل مسائل اقتصادی، قانون خانواده و اشتراک در احزاب غیر اسلامی است.

عصر حاضر، عصر مؤسسات است، علماء متوجه این امر شدند و مراکز تحقیقات و دارالافتاءها تأسیس شد، مثل اتحاد بین المللی علمای اسلام، مرکز بحوث در پوهنتون ازهر، المجلس الاوربی للافتاء و البحوث در اروپا، دارالافتاء در آمریکا، در سازمان همکاری اسلامی. مراکز تحقیقات اسلامی و فتوا از داکتران نیز تأسیس شد، و علماء در مسائل ساینس و طبی مکلف شدند تا نظر متخصصین را در این رشته ها قبل از اصدار فتوا اخذ کنند.

برای تدوین فقه جدید، تأسیس مؤسسات تحقیقاتی ضرورت است، هر شخص نمی تواند فقه جدید را تدوین نماید و مردم را مکلف به پیروی از آن کند. تأسیس و تدوین فقه جدید جهد علمی زیاد را می خواهد. برای رسیدن به این هدف، پوهنتونها برای شاگردان مرحله ماستری و داکتری وظیفه دهند تا برای بدست آوردن دیپلوم عالی در موضوعات فقهی و فقه معاصر تحقیقات کنند و تحقیقات جدید در مجموع میتواند بحث علمی جدید و مواد خوب برای فقه معاصر باشد. تدوین فقه جدید باید شرایط محیط و احتیاجات هر جامعه را بصورت مستقل مد نظر داشته باشد.

امید است نظام جدید در افغانستان، در تدوین قوانین در بدل فرمان ها به مؤسسات تحقیقی و دارالافتاءها مراجعه نماید و در تدوین قوانین اسلامی مستقلانه عمل نکند زیرا مشکلات را بیشتر می سازد. قوانین اسلامی به مزاج شخص و یا به مزاج یک حزب اسلامی ساخته نمیشود. قوانین ثابت اسلامی که مساحت کمتر از ده فیصد قوانین اسلامی را می سازد، قابل تغییر نیست اما نود فیصد قوانین دیگر نظر به شرایط عصر و ضرورت های جامعه قابل اجتهاد و تغییر میباشد.¹⁸⁷

غناء و موسیقی افغانی بین جواز و عدم جواز

موسیقی افغانستان، را محققین داخلی و خارجی بحث علمی و تحقیقی مستقل نکرده اند. در سایت بی بی سی آمده: به گونه مثال، هیچ اثر تحقیقی

¹⁸⁷. برای معلومات بیشتر مراجعه شود به: فضل غنی مجددی، ازدواج در فکر معاصر اسلامی، طبع امریکا و هرات. فضل غنی مجددی، روش فکر معاصر اسلامی، طبع امریکا. فضل غنی مجددی، مطالعه تمهیدی در فقه حنفی و جعفری (توافق و تفاوت) طبع امریکا و کابل. فضل غنی مجددی، فقه اقلیت های اسلامی در غرب، طبع امریکا، فضل غنی مجددی، استفاده از بیمه در غرب.

که ژانرهای موسیقی افغانی را برابر با اصول مکتبی این علم تدوین و جمع بندی نموده، حدود و ثغور هر کدام را تعیین و ویژگی های موسیقایی آنها را شکافته و برشمرده باشد، حوزه های مستقل موسیقی در افغانستان را فراتر از یک برشماری ناقص مورد کاوش قرار داده باشد، و یا در سبک شناسی موسیقی افغانی و اکاوی علمی نموده باشد، یا وجود ندارد و یا که من اقبال دسترسی به آن را نداشته ام.¹⁸⁸

افغانستان و اکثر کشورهای اسلامی، در تمام ساحات اجتماعی و هنری از یک قرن باین طرف تغییر نموده است، هنر موسیقی و غناء نیز از این ساحه دور نمانده است. بعد از انقلاب تکنالوجی و سرعت اتصال و نقل فرهنگ از یک منطقه به مناطق دیگر جهان، هنر نیز تفاوت های زیادی نمود. هنر شرقی تحت تأثیر مستقیم هنر غربی رفته است.

آلات موسیقی معاصر با مقارنه با آلات موسیقی قرنهای اول اسلامی کاملاً متفاوت است. تغییراتی که در ساحه موسیقی و هنر و غناء در کشورهای شرق اسلامی پیش آمده از دانشمندان هنر و موسیقی و غناء و همچنان از علماء و فقهاء می خواهد تا در موضوع هنر تجدید نظر نمایند و حل و سطر را به جامعه پیشنهاد کنند.

در عصر حاضر ممکن نیست، جلوه هنر و نمایش هنرها را گرفت، نظام سیاسی قادر به منع موسیقی و هنر و غناء شده نمیتواند، مردم به وسایل بیشتر دسترسی دارند و میتوانند مستقیماً از هنر و موسیقی استفاده نمایند. قیودات سبب می شود تا مردم بدون در نظر داشت حلال و حرام به هنر ببینند و تفاوت بین خوب و زشت را نکنند. اصلاحات در اسلام به تدرج یا درجه

¹⁸⁸. بی بی سی، فارسی 8 مارس 2013

بندی ارتباط دارد، فقه تدرج در اصلاح هنر در افغانستان مراعات نمیشود و اکثر علماء افغانستان در اصلاح جامعه فقه تدرج را در نظر ندارند.

جامعه به تدوین قوانین و اصدار فرامین اصلاح نمی شود، در اکثر اوقات قانون رنگ بالای کاغذ میباشد. جامعه به تربیه خصوصاً تربیه ایمانی اصلاح می شود. وظیفه دولت است تا درجه ایمان مردم را بالا برد، مؤسسات تعلیمی و وظیفه با مسئولیت را در نظام اسلامی میداشته باشند. در تاریخ صدر اسلام نمونه و مثال از تربیه ایمانی داریم، بطور مثال مادری برای دخترش می گوید شیر را با آب مخلوط کن تا وزن آن بیشتر شود، عمر (خلیفه عمر بن الخطاب)، نیست تا ببیند و مجازات کند، دختر به مادری می گوید، بلی عمر نیست و لیکن رب عمر موجود است. متأسفانه نظام های سیاسی افغانستان متوجه تربیه ایمانی ملت نبودند و نظام تحت حمایت امریکا کوشش داشت تا از هنر بنام دیموکراسی و آزادی استفاده کند و ملت را به همکاری غرب بسوی فساد بکشاند. نظام جدید (امارت اسلامی) تصور و خیال میکند که اصدار فرامین و مراقبت دولت و امر به معروف و نهی از منکر میتواند ملت را اصلاح کند، نظام باید متوجه سنت و روش درجه بندی در تربیه باشد و از روش پیغمبر اسلام در این مورد استفاده شود که متأسفانه نمی شود. علماء و دانشمندان نیز در تربیه ایمانی ملت عاجز اند، اکثر علمای افغانستان نتوانستند از آراء و نظریات قرنهای گذشته بیرون شوند، تفاوت زمان و عصر جدید را درک کرده نتوانستند، در حل مشکلات معاصر جامعه به گذشته گان رجوع میکنند و خیال دارند که آراء هزار سال میتواند مشکل قرن بیست و یکم را حل کند. در وازه اجتهاد تا هنوز بسته است. جهل امت و ناتوانی علماء و بی تفاوتی زعامت سیاسی در مجموع حالت موجوده را خلق کرده حالا بیرون شدن از آن کار مشکل و قربانی های زیاد می خواهد.

موسیقی و غناء در افغانستان جدید نیست، افغانستان در طول تاریخ معهد هنرهای زیبا بود، موسیقی و غناء جزء از فرهنگ یک ملت می باشد و ملتی که هنر نداشته باشد در قطار کشورهای عقب مانده به حساب می آید. هنرهای زیبا، موسیقی و غناء افغانی در دایره ادب اسلامی بود و هنرمندان عموماً پابندی کامل به اسلام و اساسات آن داشتند و عدّه از هنرمندان در جمله متصوفین بودند.

از یک قرن باین طرف، هنر و هنرمندان تقدیر و احترام نشدند و مقام هنرمند در جامعه بسیار پائین آمد تا درجه ای که خانواده ها خجالت می کشیدن با خانواده های هنرمندان روابط از دواج قائم نمایند. استاد عبدالوهاب مددی حالت هنر و هنرمندان و موسیقی دانان را اینطور تعریف میکند:

پیرامون موسیقی افغانستان به صورت عام و موسیقی فولکور یک ملیتهای برادر ساکن در یک وطن واحد مان به صورت خاص، نه تنها تحقیقات و کاوشهای همه جانبه، آن طور که لازم است - جز در موارد انگشت شماری - صورت نگرفته است بلکه فرهنگ افغانستان - بویژه لطیفترین، حساسترین و همگانی ترین بخش آن یعنی موسیقی - طی یک قرن اخیر با تحقیرها و بی اعتنائی های زیادی مواجه بوده است.¹⁸⁹

در اواخر قرن بیستم، موسیقی آماتور در افغانستان رواج یافت، جوانان با استفاده از آلات موسیقی جدید الکترونی باندهای موسیقی راتشکیل دادند و مورد استقبال نسل جوان گردید. اما در مروریام بین مدرسه موسیقی قدیم و جدید تصادم رخ داد و هنرمندان خرابات موسیقی جدید را کورس

¹⁸⁹. عبدالوهاب مددی، سرگذشت موسیقی معاصر افغانستان، حوزه هنری تهران 1375،

آهنگری نام گذاشتند. موسیقی و غناء جدید فاقد اصول و نظام علمی بود و هنرمندان درانتخاب اشعارنا مناسب، غناء و موسیقی رابه لهو و لعب نزدیکتر کردند.

موسیقی معاصر افغانستان از وسط بودن و اعتدال فاصله گرفت و هنرمندان روش فکر و عقیده دینی و رسم و رواجهای عنعنوی ملت را مد نظر نداشتند. در مورد موسیقی امروز افغانستان در بی بی سی میخوانیم: ما به حیث یک ملت، کمتر سروکاری با تعادل داشته ایم، همیشه از یک بی نهایت به بی نهایت دیگر و از یک افراط به افراط یا اکستریم دیگر غلطیده ایم. ما امروز در بحبوحه بحران اصول، قواعد و ارزش های موسیقی افغانی قرار داریم. هیچ قاعده ای و هیچ اصلی در موسیقی افغانی دیگر نه تغییر پذیر و نه تغیر ناپذیر است. امروز به علت نبود دستگاه های مسوول پرسشگری و پاسخدهی، هر مسافری که از کنار این گنج باد برده می گذرد اجازه و علم آنرا دارد تا گوشه از آنرا دستکاری کند. مرزهای میان رنگ ها و ننگ ها در این موسیقی کمرنگ شده است.¹⁹⁰

نقد هنر و موسیقی و غناء، برای محقق غیر متخصص مانند من کار مشکل و دشوار است، در اصل نقد هنر کار ساده و آسان نیست به دلیل اینکه ارتباط هنر به وجدان و شعور انسان بیشتر نسبت به علم است. موضوع هنرهای زیبا، موضوع فوق العاده مهم و خطرناک است، چرا؟ زیرا هنر ارتباط به وجدان و شعور انسان دارد و میل و خواهش و ذوق و رغبت انسان را می سازد

190. بی بی سی، همان مرجع.

و پرورش می دهد و روش و اسلوب نفسانی و روحی را در انسان تعیین میکند.¹⁹¹

با استفاده از مضمون این تحقیق کوچک میتوان هنر معاصر افغانستان را به عبارت ذیل نقد و خلاصه کرد:

1. ادبیات و خصوصاً شعر که عنصر مهم در غناء و موسیقی است در موسیقی جدید مراعات نمی شود و در بدل ارتقاء شعر و ادبیات ، ادبیات شعری مقام ارجمند خود را از دست داد.
2. یکی از گرفتاری که موسیقی ما دارد و به شعر ما هم لطمه زده است ، این است که خوانندگان ما شعر نمی دانند ، آنها نمی دانند که چه شعری باید روی آهنگ بگذارند.¹⁹²
3. موسیقی محلی و منطقوی صدمه دید ، ادبیات شعری محلی ضعیف شد.
4. آلات موسیقی الکترونی ، سبب شد تا نسل جوان و هنرمندان جوان به آلات محلی افغانی کمتر علاقه و توجه داشته باشند ، این عمل صدمه بزرگ به تاریخ و مراحل تاریخی هنر موسیقی وارد ساخت.
5. اخلاق و دینداری در بین نسل جوان ضعیف شد ، جوانان بیشتر علاقمند به فرهنگ غربی شدند و از فرهنگ غربی در زندگی تقلید کردند.

¹⁹¹ . مجله فقه اسلامی ، شماره یکصد و نود هفتم ، جنوری 2014

¹⁹² . موسیقی و ادبیات هیچگاه در تاریخ از یکدیگر جدا نبوده اند /

6. موسیقی در خدمت لهو و لعب مانند رقص و پا کوبی قرار گرفت و هنر و هنرمندان، خصوصاً هنرمندان از طبقه ای نسوان در بازار به صفت امتعه ای تجارتي عرضه شدند.
7. موسیقی و غناء در اصل آوازی و شنیدنی است، یعنی بواسطه گوش شنیده می شود و به وسیله وجدان و قلب لذت آنرا انسان درک میکند. از اوایل قرن بیست و آغاز بیست و یکم موسیقی آوازی به موسیقی دیدنی مبدل شد و گوش جای خود را به چشم داد. گوش مستقیماً موسیقی را به قلب انتقال میدهد و اما چشم از این وظیفه عاجز است. هنرمندان در غناء و موسیقی دیدنی، کوشش کردند تا از دختران و زنان قشنگ و مقبول برای نمایش استفاده کنند، و موسیقی را به فحشات و تجارت جنس تبدیل کردند.
8. هنرمندان از طبقه زنان، هنر موسیقی را در آغاز خوب شروع کردند اما در مرور زمان در خدمت مؤسسات تجارتي قرار گرفتند و در بدل نمایش آواز جمیل و اشعار پر معنی، زیبایی های جسم شانرا به نمایش گذاشتند و خیانت بزرگ را در حق هنر موسیقی مرتکب شدند. ستاره افغان بهترین مثال میباشد.
9. مدارس موسیقی تأسیس نشد، هنرمندان و آواز خوانان بدون فهم و درایت کامل از هنر موسیقی داخل میدان موسیقی شدند. هنر بدون تعلیم و تعلم نتایج منفی را برای هنر و جامعه بجا گذاشت.
10. محافل موسیقی با شراب و قمار و رقص دختران و پسران یکجا شد، موسیقی حلال به موسیقی حرام تبدیل گردید. جامعه سنتی و اسلامی افغانستان در مقابل هنر موسیقی قیام کردند.

11. موسیقی افغانی اولاً در خدمت اشغال روسیه و حزب الحادی کمونسنت قرار گرفت، بعداً در خدمت استعمار امریکا و دولت فاسد واقع شد و با سقوط استعمار هنرمندان مجبور به ترک وطن شدند.

12. بالآخره افراط جای تفریط را گرفت، هنر موسیقی و غناء به فراموشی و در قبرستان دفن شد.

13. آواز خوان کابلی، آهنگساز امریکایی، نوازنده افریقایی، مرتب موسیقی المانی، انجینر ثبت آواز پاکستانی، سندیوی ثبت ازبکستانی، شاعر ایرانی، کارگردان ویدیوی هندوستانی با بیننده افغان و گاه نیمه افغان ... همه در یک معجون نا متنجناس گرد آمده اند و یگانه وجه اشتراک شان، هفت پرده موسیقی است که آنهم جغرافیا نمی شناسد¹⁹³

در نتیجه عوامل فوق، موسیقی و هنر به انحطاط و انحراف کشیده شد، بزرگان موسیقی سعی نکردند تا موسیقی و هنر جدید و معاصر را اصلاح و مطابق عنعنات افغانی سازند.

بعد از سقوط حکومت تحت حمایت امریکا و ناتو، و روی کار آمدن طالبان، موسیقی و هنرهای زیبا کاملاً فلج شد، هنر حرمت یافت و هنرمندان مهاجر شدند. انسان یک موجود زنده است، باید از تجارب تلخ بیاموزد. حال وقت آن رسیده تا هنر را بصورت کل و هنر موسیقی و غناء را اصلاح کرد نه اینکه علیه آن قیام و آنرا از صفحه تاریخ و صحنه هنری دور و به زباله انداخت. جامعه بدون هنر نمی تواند زنده ماند. دانشمندان افغانی در داخل و خارج سعی نمایند تا هنر جدید را بوجود آورند و مدارس هنری تشکیل دهند. هنرمندان باید تعلیمات اسلامی گیرند و عقاید مردم را احترام داشته باشند.

¹⁹³. بی بی سی همان مرجع.

اسلام قسمیکه در این بحث ملاحظه شد، مخالف هنر و موسیقی نیست، اسلام هنر و موسیقی را ادبی، اخلاقی و معنوی ساخت، نباید هنرمندان جوان تصور کنند که اسلام علیه هنر و هنرمندان است و علمای اسلام و فقهاء معاصر افغانی نباید کوشش کنند تا هنر را کفر و فسق و فجور معرفی نمایند بلکه کوشش کنند نواقص هنر و هنرمندان را اصلاح نمایند.

هنرمندان از طبقه نسوان، اجازه ندهند تا جبران جنس از جمال و زیبایی های شان سوء استفاده کنند و بنام هنر از جسم پاک هنرمند سود برند. هنرمندان زن بدانند که آواز قشنگ هدیه الهی است و صدای زن حرمت ندارد، اما طوری هنرنمایی نکنند که جامعه را بسوی بد اخلاقی بکشند. هنرمندان از طبقه زنان از تجارب چند سال گذشته درس گیرند و همچنین تاریخ زندگی هنرمندان گذشته را مطالعه نمایند. هنرمندان جوان میتوانند، هنر را در خدمت جامعه و فرهنگ اصیل قرار دهند و از راه هنر به انسانیت خدمت کنند.

سیاسیون متوجه نقش هنر و هنرمندان در جامعه باشند، و هنر را تقویت کنند. شکست نظامهای اسلامی در جهان عوامل متعدد دارد، یک عامل آن عدم توجه به هنر و هنرمند بود. هنرمندان در عصر حاضر قدرت این را دارند تا قویترین نظام سیاسی را ضعیف و ملت را علیه آن تشویق کنند. سیاسیون کوشش کنند با هنرمندان نزدیک شوند و از هنر شان برای تنویر افکار جامعه استفاده کنند. منع هنر و قیام علیه هنرمند، سبب میشود که ملت به هنرهای زشت و فاسد رو آورد و اخلاق جامعه فاسد شود.

امید است این تحقیق متواضع و کوچک، مقدمه برای تحقیقات وسیعتر و علمی تر باشد، محققین جوان کوشش نمایند تا با استفاده از تاریخ هنر تحقیقات جدید را آغاز و نواقص هنر معاصر را به نقد گیرند. این تحقیق

بیشتر تحقیق تاریخی است و نظریات فقهی نیز در نظر گرفته شده و از تجربه های تاریخی مراحل مختلف اسلامی استفاده شده است.

خواهشمندم نواقص تحقیق را اصلاح کنید، و اگر اصلاحات بیشتر بکار باشد بنده را نیز شریک سازید. از علمای کرام خواهشمندم در بدل قهر و غضب اگر مشکل فقهی و یا مشکل در ترجمه نصوص اسلامی باشد بنده را متوجه سازند. در تفسیر آیات قرآن از ترجمه استاد داکتر صاحب سیرت بیشتر استفاده شده است. احادیث مبارک که در این تحقیق از آنها استفاده شده طوری استفاده شده که اولاً آراء و نظریات علماء و فقهاء در مورد هر حدیث بحث و مطالعه و مقارنه شده است و با استفاده از نظریات شان در این تحقیق از احادیث استفاده گردیده است. اخیراً از دعای خیر فراموش نکنید و بیاید ممدیکدیگر باشیم و یگدیگر را در تحقیقات تشویق و حمایت نمائیم

یکبار دیگر معذرت خود را به مناسبت ضعف ادبیات دری فارسی خدمت هموطنان گرامی تقدیم میکنم و امید دارم بنده را در باب زبان معذور دارند و از روش نامناسب و ضعیف ادبی من رنجیده خاطر نباشد. امیدوارم خواهان و برادران گرامی که از ثقافت و فرهنگ اسلامی حمایت می کنند در مصارف طبع این تحقیق همکاری نمایند.